

...  
...  
...

...  
...  
...

### پیشگفتار

#### مصلح جهانی و موعود آسمانی

در این کتاب، صحبت از شخصیتی والاست که از اولین و آخرین، منحصر است و دارای ویژگیهایی است که خداوند او را به آن امتیاز داده است؛ آن آقایی که علاوه بر جهات ولایت تکوینی و خلافت الهی، دارای سلطنت حق و حکومت مطلق بر کره خاک خواهد شد و دولتی جهانگیر تشکیل می دهد که در آن، جز صدق و راستی، صفا و صمیمیت، گذشت و فداکاری، دوستی و احسان، وجود ندارد؛ شخصیتی والا گهر که همه آشوبها و فتنهها، نیرنگها و خودخواهیها را محو می فرماید و به عنوان «مصلح جهانی» از اول آفرینش بشر، موعود آسمانی بوده و همه پیغمبران، امت خود را به مقدم شریفش مژده داده اند.

#### منتقم حقیقی؛ دلخوشی ستمدیدهها

ستمدیدهها به این دلخوش بوده و هستند که بالأخره روزی منتقم حقیقی می آید و داد ستمدیدهها را از ستمگران خواهد

گرفت و با انقلاب جهانی خود، مستضعفین را بر مستکبرین چیره خواهد کرد.

متدینین هم که از بی دینیها، فسق و فجورها رنج می‌برند، با یاد آوری زمان ظهورش، به خود تسلی می‌دهند و راستی چه مولود مسعودی است که یادش تسکین بخش آلام دردمندان است. در شخصیتش همین بس که در همه کتابهای آسمانی به آمدنش مژده داده شده و خداوند دولتش را وارثین صالح زمین شمرده و آن را مقدر حتمی خوانده است.

### اهتمام فراوان درباره [حضرت] مهدی علیه السلام

سرور عظیم الشانی که از جدش خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله و از آبای عظامش صدها روایت در نام، لقب، کنیه، شکل، اخلاق و خصوصیات زندگی اش وغایب و ظاهر شدنش رسیده است و چه اهتمام زیادی که به آن سرور داده‌اند و چه عظمتی دارد که این قدر درباره اش بحث فرموده‌اند.

آری، هرگز نمی‌شود زمین از حجت خدا خالی باشد؛ زیرا غرض از آفرینش، آشنا ساختن مردم به یکتاپرستی است. این همه دستگاه عظیم خلقت برای این است که افرادی پیدا شوند و از روی معرفت به یکتایی خداوند، اقرار نمایند و از شوق محبتش او را بپرستند.

اوصیای محمد ﷺ نیز دوازده نفرند. همانند اینها در عهد عهده دار است؛ چگونه می شود زمین خالی از حجّت باشد و حال آن که حجّت خدا چنین وظیفه ای - که زمین و آسمان به خاطر آن آفریده شده اند - دارد. خداوند متعال چنین مقدر فرموده که تعداد اوصیای حضرت خاتم الانبیاء ﷺ دوازده نفر باشند و چون دین اسلام، ابدی و تا قیام قیامت پایدار و پس از آن هرگز دینی نخواهد آمد، لذا راهنمایی که باید مردمان را به سوی خدا بکشاند، این چنین مقدر فرموده که عمرش طولانی و به طرز ویژه ای زندگی نماید. (۱)

همچون آفتاب، تشبیه جالب و جامع  
این جاست که این سؤال پیش می آید: پس فایده امام غایب در چیست؟

همان طور که جابر از پیغمبر ﷺ پرسید و پاسخی که شنید او را ساکت کرد که همچون آفتابی از پس ابر. (۲) و راستی چه تشبیه جامع و جالبی! مگر منافع آفتاب به تابش مستقیم بر روی کره خاک منحصر می شود؟

۱ - اسناد و مدارک این مطالب مشروحاً در بحث «نبوت» شهید آیه الله دستغیب رحمته به چاپ رسیده است.

۲ - بحار الأنوار: ۵۲ / ۹۳.

تابش از پس ابر نیز فایده ویژه دارد، این تابش را که به طوری که حساب کرده‌اند، مقدار انرژی که از آفتاب به منظومه‌اش - که زمین ما یکی از آنهاست - می‌رسد، دو میلیارد انرژی است که از آفتاب صادر می‌شود، حال اگر خورشید، نورش بر بخشی از کره خاک مستقیماً نتابد بلکه از پس ابر نور افشانی کرد، از هزاران خاصیت و فایده دیگرش نمی‌توان چشم پوشید حتی همین تابش از پس آفتاب نیز منافی در بر دارد که در تابش مستقیم نیست.

به برکت همین غیبت وجود شریفش، به این معنی که مردمان او را نمی‌شناسند، چه بهره‌ها به آنها می‌رسد.

### اعتقادی فراتر از حس

ایمان به غیب - که نهایت ارزش را دارد - برای آنان که اهل ایمانند حاصل می‌شود، باور داشتن بدون دیدن، ارزشمندتر است و راستی اسباب امتحان برای مدعیان ایمان است. آنان که اعتقادشان از حس، دیده و گوش، فراتر نمی‌رود، ضعف استعدادشان آشکار گردد و آنان که عقلشان فراتر از حسشان است نیز معلوم گردند.

آیا برکتی از این بهتر که معتقدین به قرآن، بر این باورند که اعمالشان را گواهی چون امام عصر علیه السلام است از ارتکاب معصیت، چشم پوشیده و به اعمال شایسته روی می‌آورند. منفعتی از این

پربارتر که با توجه به علم و قدرتش - که رشته‌ای از علم و قدرت حق است - در شداید و مشکلات به او متوسل می‌شوند و رفع شدت و سختی‌شان را از خداوند به واسطه او می‌خواهند و تمنای‌شان را از او مسألت می‌نمایند.

### جاذبه ولایت برای حفظ موجودات

اصلاً وجود آفتاب برای حفظ منظومه‌اش لازم است؛ اگر آفتاب نباشد، کجا زمین، مریخ، مشتری، زهره و زحل، عطارد، نپتون و شاید بعضی کرات دیگر و اقمارشان برقرارند؟ اگر آفتاب وجود مبارک مهدی علیه السلام نباشد، کی این نفوس بشر و انواع موجودات در کره ارض می‌توانند باشند؟ در حالی که جاذبه ولایتش آنها را نگه داشته است؛ چه رحمتها که به برکتش نازل و چه زحمتها که از تصدق وجود مبارکش برداشته می‌شود. و راستی که هر چه بیشتر در تشبیه جدش پیغمبر صلی الله علیه و آله فرو می‌رویم، به حقایقی گسترده‌تر آشنا می‌شویم و این تعبیر را از جمله «جوامع الکلم» آن حضرت می‌توان به شمار آورد که در لفظ اندک، معانی بسیاری - که از مبدأ وحی سرچشمه گرفته - گنجانیده است.

اینها مطالبی است که صفحاتی چند از این کتاب را شامل

می‌شود.

آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری  
 در بخش دیگری از این کتاب، روایتی از حضرت سجاد علیه السلام مورد  
 بحث قرار می‌گیرد که برای حضرت مهدی علیه السلام سنتهایی از انبیای  
 گذشته ذکر می‌فرماید؛ از آن جمله در طول عمر، با حضرت نوح تشبیه  
 می‌شود که عمری دو هزار ساله داشت و به مناسبت اهمیّت مطلب  
 و دفع پاره‌ای از شبهات و اشکالاتی که کم و بیش مطرح می‌شود، این  
 بحث را مشروحاً مطرح می‌نماید.

### طول عمر مهدی علیه السلام در جنب قدرت حق

از اصحاب کهف و زنده ماندن‌شان به نصّ قرآن مجید به  
 مدّت ۳۰۹ سال و سپس باقیماندن‌شان به حسب روایات،  
 تأیید می‌آورد.

از داستان عزیز و یک صد سال مردنش و زنده شدن الاغش و تازه  
 ماندن انگورش در ظرف یک صد سال حسب قرآن مجید، برای جوان  
 ماندن حضرت مهدی علیه السلام شاهد می‌آورد.

از جسدهای مومیایی شده فراعنه و تازه ماندن‌شان به خاطر  
 دانشی که از خواص موجودات پیدا کرده‌اند، استفاده می‌نماید  
 که خداوند آفریننده بشر و موجودات - که همین دانش بشر نیز  
 از اوست - به هر چیزی دانا و تواناست و هیچ چیزی در جنب قدرتش  
 مشکل نیست.

## تولدش ابراهیم وار و غیبتش همچون موسی

سپس پنهان ماندن ولادتش را همچون تولد حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام می داند که نمرود، طاغوت زمان خواست از پیدا شدنش جلوگیری کند و نتوانست و در غاری رشد کرد و عاقبت، بتها را شکست و طاغوت را درهم کوبید.

غایب شدنش از انظار را به قضایای حضرت موسی علیه السلام تشبیه می کند که غیبتهای متعدد کوتاه و طویل داشت و به طور کلی از غیبت هر پیغمبری یاد می کند که شیخ صدوق در کتاب «غیبت» خودش - که به اشاره آن حضرت نوشته - یاد آور شده است.

## یوسف ناشناخته و عیسی مورد اختلاف

ناشناخته ماندنش در میان مردم را به حضرت یوسف علیه السلام تشبیه می کند. می دانیم که یوسف صدیق، سالیان متمادی در میان مردم مصر و مدتی نیز با برادرانش بود، با آنها آمیزش و گفتگو داشت، او را می دیدند و با او سخن می گفتند، اما او را نمی شناختند. حضرت مهدی علیه السلام نیز این سنت را از حضرت یوسف دارد. و مروی است پس از ظهور آن حضرت، مردم می گویند:

«شگفتا! این همان آقای است که در میان ما بود، با او نشست و برخاست می کردیم و می گفتیم و می شنیدیم ولی او را نمی شناختیم». و همچون عیسی علیه السلام که مردم در سرنوشتش مختلف شدند؛

گروهی او را به دارزده می‌پنداشتند و برخی معتقد به زنده بودنش شدند، درباره آن بزرگوار نیز مردمان به اختلاف افتادند و جز آنان که خداوند دل‌هایشان را به ایمان امتحان فرموده باشد و بر آنها منت گذاشته و نعمت‌شان داده باشد، بر اعتقادش ثابت نمی‌مانند.

برای شاهد مطلب، مواردی نیز نقل می‌نماید؛ از آن جمله کافرانی که می‌خواستند پیغمبر ﷺ را بکشند، ولی او را ندیدند و در زمانی نه چندان دور که وهابیان به کربلا هجوم بردند و می‌خواستند سید بزرگوار صاحب تفسیر کبیر را قطعه قطعه کنند ولی او را ندیدند.

### نَوَابِی که به حق سزاوار نیابت بودند

در بیشتر روایات مربوط به آن بزرگوار، از دو غیبت کوچک و بزرگ آن حضرت سخن می‌رود. در مدّت ۷۴ سال غیبت صغری، چهار نفر از بهترین افراد و موثّق‌ترین شیعیان، فرامین آن سرور را به دستدارانش می‌رساندند و درخواستهای آنان را به سمع مبارکش عرضه می‌داشتند؛ این شخصیّتها عبارت بودند از: جناب عثمان بن سعید، محمّد بن عثمان، حسین بن روح و محمّد بن علی سمّری که هر کدام دارای کرامات و فضایل بسیار می‌باشند که به حق، شایسته نیابت از آن وجود گرامی بودند. (۱)

۱ - در سخنانیه‌های جالبی که شهید محراب حضرت آیه الله سید عبدالحسین دستغیب داشت، کرامات و خوارق عاداتی که از هر یک از این



### دکان شیادها باید بسته شود

طبق آخرین نامه حضرت مهدی علیه السلام به نایب چهارم، نایب خاص و سفارت از طرف حضرتش برای همیشه منتفی شده و به اصطلاح «غیبت کبری» که شروع شد، دیگر کسی آن حضرت را به عنوان نمایندگی و ابلاغ دستوراتش به دیگران نمی بیند، مخصوصاً در این موضوع، شهید بزرگوار آیه الله دستغیب تأکید فراوانی می فرماید:

«مبادا افراد ساده لوح فریب شیادها را بخورند و باید راه مذهب سازی و دکان باز کردن، بسته شود. خوابنامه هایی که یک گاه ارزش ندارد، موجب این نشود که برای آریامهرها کشف و کرامت درست شود و امام زمان علیه السلام را بکوبند».

### منکر رؤیت امام زمان علیه السلام [نیستم

البته به هیچ وجه منکر رؤیت حضرت صاحب الامر علیه السلام نیستیم و نمی گوییم هیچ کس خدمت امام علیه السلام نمی رسد، یا آقا را هم اگر دید نمی شناسد بلکه ممکن است او را ببینند و بشناسند و با او سخن بگویند و از ایشان استفاده نمایند همان طور که دیده، شنیده، گفته و استفاده ها کرده اند و خود همین افرادی که خدمت حضرت رسیده

---

→ چهار نایب خاص حضرت ولی عصر علیه السلام دیده و شنیده شده مطرح فرموده ولی متأسفانه نوشته های مزبور مفقود شده است، امید است با پیدا شدن آنها در تجدید چاپ این اثر نفیس، از آنها نیز استفاده گردد.

و گواهی داده‌اند و از صالحین روزگار نیز می‌باشند، یکی از دلیلهای محکم بر وجود آن سرور عزیز است.

آنچه مورد نظر و تأکید است، دعوی ملاقات به‌عنوان سفارت، نیابت و تبلیغ دستور به شیعیان است که طبق نصّ توفیق مبارک آن حضرت، این موضوع منتفی است و مدّعی اش دروغگو و مفتری است. مدّعیان دروغین نیز بسیار و جاه طلبان و شهرت پرستان که همیشه بوده‌اند از این موقعیت سوء استفاده‌ها کرده و احیاناً خواهند کرد. خود مردم باید هشیار باشند و به گزافه‌گوییهای شان گوش ندهند.

### کتابهای حدیث و رجال در زمان غیبت

در زمان غیبت کبری از نظر وظایف شرعی و تکلیف حرام و حلال، چیزی فروگذار نشده است.

اولاً: مدارک احکام که از طرف اهل بیت علیهم‌السلام به یادگار گذاشته شده در ظرف چندین قرن، بحث و تحقیق کافی درباره‌اش انجام گرفته است؛ روایات صحیح از سقیم، جدا و احادیث قوی از ضعیف، ممتاز شده است؛ راویان خوب از دروغگویان تشخیص داده شده و با نوشتن کتاب رجال، قدمی شایسته در این زمینه برداشته شده است، لذا از جهت مدارک فقهی، رفع نیاز جامعه و به آنها اتمام حجت شده است.

## متخصص در هر علم، باید اظهار نظر کند

چیزی که مهم است این است که هر کس نباید به خود این حق را بدهد که از متن روایات، استفاده فقهی نماید. آیا هر یک از ما که به علم طب وارد نیستیم، به خود اجازه نسخه نویسی و طبابت می دهیم؟ هر چند بتوانیم نام بعضی از بیماریها و داروی آنرا بخوانیم و از آنها چیزی هم سر در بیاوریم.

علم دین و رشته فقه از این قاعده مستثنا نیست و هر کس نباید به خود این حق را بدهد که هر چه در کتابهای اصولی دید، فوراً به فهم ناقص خودش مطلب را پیاده نماید بلکه برای غیر متخصصین، رجوع به متخصصین واجب است.

## نیابت عام به فقهای عدول

چون برداشت هر کس از مدارک نمی تواند راهنمای شان باشد، لذا به فقهای عظام حواله داده اند، آنها که متخصص این فن می باشند و عمری را در راه فهم اخبار آل محمد علیهم السلام گذرانیده اند، باز هم به نظر ژرف و عاقبت نگری اهل بیت وحی و عصمت را در این حواله دادن می نگریم، مبادا گرگهایی به لباس چوپان در آیند و با مارک «فقاها» مردم را به دنیا پرستی و ریاست طلبی و شهرت خواهی و خلاصه شرک حقیقی سوق دهند، به جای این که مردم را

خدا ترس و مؤمن و مؤدب به اخلاق اسلامی بار بیاورند، آنان را خودخواه و پول پرست تربیت کنند، لذا شرایط ویژه‌ای برای آن عالم ذکر فرموده‌اند؛ از آن فقیهی باید پیروی کرد که به تمام معنی وارسته باشد، خود نگه‌دار و دیندار، مخالف هوای نفس و پیرو امر مولایش باشد. اصلاً تقلید از عالم بدون تقوا به این معنی ذکر شده جایز نیست تا چه رسد به این که صحیح باشد. و در این کتاب می‌خوانیم که زیان عالم هوا پرست از لشکر یزید - که آن جنایت را در کربلا مرتکب شد - برای اجتماع اسلامی بیشتر است، لذا اسلام، نهایت تقوا را در فتوا شرط می‌داند و از قول حضرت صادق علیه السلام در تعریف از صفوان می‌گوید که:

«اوریاست طلب نیست». (۱)

### رواج فساد در آخرالزمان

در بخش دیگر این کتاب از بعضی از علایم آخرالزمان که هنگام غیبت کبری واقع می‌شود، خبر می‌دهد؛ از رواج فحشا و فساد در زمین؛ از میگساری آشکار و رباخواری رسمی و مطالبی که برای پیشینیان از عجایب و باور نکردنی بوده است، اما برای کسانی که در این دوره زندگی می‌کنند، امری عادی به شمار می‌رود.

---

۱ - در بحارالأنوار، جلد ۷۳، ص ۱۵۴ این روایت از امام رضا علیه السلام نقل شده است.

## نشانه‌های ظهور و نزدیکی آن

درباره نشانه‌های آخر الزمان در جاهای متعدّد این کتاب و در هر جایی، بخشی از آن نقل می‌شود به طوری که تکراری نیست، مطلب تازه‌ای یادآوری می‌گردد.

از قضایایی که قبل از ظهور آن حضرت واقع می‌شود که آن را به دو نوع تقسیم نموده‌اند، علایم حتمی و غیر حتمی، بحث می‌کند؛ از انقراض بنی عباس به عنوان یک مژده برای شیعیانی که منتظر دولت حق بوده‌اند، خبر می‌دهد.

نشانه‌های حتمی ظهور آن حضرت را صیحه‌های آسمانی و خروج دجال و سفیانی، خسف پیدا، قتل نفس زکیه بین رکن و مقام و خروج سید حسنی را مقارن با ظهور آن حضرت، شرح می‌دهد و مخصوصاً یادآور می‌شود که هیچ یک از علایم حتمی قریب الوقوع به زمان ظهور آن بزرگوار، واقع نشده است، هر چند از نشانه‌های غیر حتمی، تعداد قابل ملاحظه‌ای تحقّق یافته است.

## مواریث انبیا و تکرار تاریخ

از نکته‌های جالب - که در این کتاب شریف به چشم می‌خورد - تذکر دو مطلب برای شناسایی بیشتر مقام مهدی علیه السلام است:  
یکی آن‌که: مواریث انبیا و ائمه هدی نزد آن حضرت می‌باشد؛  
عصای موسی علیه السلام - که آن همه معجزات از آن آشکار می‌شد - هم اکنون

با آن حضرت است و مروی است که در زمان ظهورش آن را به سنگی می‌زند و نان و آب همراهانش را به اعجاز، تأمین می‌فرماید.

**عمامه حضرت محمد ﷺ و ذوالفقار علی علیه السلام، زره حضرت داوود**

از جمله موارث انبیا و اولیاست که نزد آن بزرگوار می‌باشد.

**نکته دوم:** تکرار تاریخ صدر اسلام در زمان آن حضرت می‌باشد.

همان‌طور که یزید پلید لشکریانی به مدینه و مکه فرستاد و مدینه را غارت و قتل عام کرد و در صدد خراب کردن کعبه بر آمد، نواده اش سفیانی نیز در زمان قریب به ظهور آن حضرت، چنین جنایاتی را مرتکب می‌شود. از طرف دیگر، همان‌طور که از لشکریان جدش حضرت امیرالمؤمنین عده‌ای به عنوان خوارج شورش کردند و جز اندکی به سزای جنایت‌شان رسیدند، گروهی از لشکریان سید حسنی - که حدود چهار هزار نفر به عدد خوارج نهروان هستند - بر حضرت مهدی علیه السلام خروج می‌کنند و به دست آن حضرت به هلاکت می‌رسند و به راستی که تاریخ تکرار می‌شود.

### مجهول بودن وقت ظهور و انتظار فرج

از نکات جالب دیگر - که در این کتاب شریف جلب توجه می‌کند -

مجهول بودن وقت ظهور آن حضرت است که احدی از وقت دقیق آن

اطلاع ندارد.

مطابق بعضی از روایات، بر خود آن حضرت نیز وقت آن معلوم

نیست و از علوم ویژه خداوندی شمرده شده است و چه جالب در این کتاب، علت این مخفی بودن را احتمال داده است. «انتظار فرج» از بزرگترین عبادات است تا انسان همیشه و در هر حال، دل به لطف خدا ببندد و به رحمت و فرجش امیدوار باشد. این عبادت بزرگ نیز برای حضرت صاحب الامر علیه السلام می باشد که منتظر فرج الهی، به ظهور خودش باشد.

### جریانات پیش از ظهور حضرت

در بخشهایی از این کتاب، از وقوع فجایعی پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام خبر می دهد:

از خروج سفیانی و جنایاتی که در شامات، عراق و حجاز مرتکب می شود و از قتل و غارت و حشتناک شیعیان و فساد که در این منطقه حکمفرما می شود، خبر می دهد.

از دجال؛ این ساحر شوم که جز مؤمنین ثابت قدم، دیگران در دام سحرش اسیر می شوند و از نغمه های شیطانی اش یاد می کند.

از خسف پیدا و به زمین فرورفتن لشکر سفیانی در سرزمین پیدا ما بین مکه و مدینه و خصوصیات آن را شرح می دهد.

از گنج طالقان و افراد زنده ای که با سید حسنی و سپس با حضرت مهدی علیه السلام هستند و از ۳۱۳ نفر افراد نخستین که خود را به آن وجود مبارک می رسانند و به عدد اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله در جنگ بدر

می باشند، صحبت می کند. از فساد بسیار و کشتار فوق العاده ای که از آن به «موت احمر» تعبیر می شود و از بین رفتن دو سوّم افراد بشر و احتمالاً جنگ سوّم جهانی، با اسلحه های مخرب روز، خبر می دهد.

### معجزات و تشرّف خدمت [حضرت] مهدی علیه السلام

از معجزات حضرت مهدی علیه السلام در ضمن داستان شیرین «ابوراجح حمامی»، همچنین «اسماعیل هرقلی» - که در کتابهای معتبر نقل شده - بحث می کند و با عنوان کردن این قبیل داستانها معجزات آن حضرت را در ضمن حلاوت داستان، با بیانی جذاب می رساند که شنونده و خواننده را نه تنها ملال نمی گیرد بلکه با شوق بیشتر آن را می شنود و می خواند و دوستی آن حضرت در دلش شکوفاتر می شود.

از شوق پسر «مهزیار اهوازی» به زیارتش که بیست سفر حج به این قصد می رود و عاقبت به هدف می رسد، شیرین سخن می گوید. از حدیث شیرین ولادت آن حضرت و داستان مادرش نرجس خاتون صحبت می کند و از پاسخ دادن آن حضرت به هفتاد مسأله در کودکی در زمان پدرش خبر می دهد.

### زمانی ویژه و برکاتی خاص

زمان ظهور آن حضرت، از برکات خاصی برخوردار است و به



فرموده شهید بزرگوار ما: «خداوند این قطعه از زمان را به این ویژگیها اختصاص داده است» که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

از برکات ظهور موفور السرور امام مهدی علیه السلام این است که: مفاسد اخلاقی از بشر برداشته می‌شود؛ چون عقول رشد می‌کند و به مضمون فرمایش حضرت باقر علیه السلام:

«هنگامی که قائم ما ظاهر می‌شود، خداوند دست لطفش را بر سر بندگان می‌گذارد (نظر رحمت خاصی به بندگان می‌فرماید) و عقلهایشان کامل می‌گردد».<sup>(۱)</sup>

در نتیجه وقتی فنای دنیا را پیش چشم داشت و بقای آخرت را متوجه بود، وقتی موهوم بودن و اعتباری بودن تجملات و شهوات دنیوی را فهمید و حقیقت داشتن آخرت را باور کرد، کجا به این زرق و برقها دل می‌افکند؟ لذا به برکت ظهور آن حضرت - که خداوند عقلها را کامل می‌گرداند - مفاسد اخلاقی به خودی خود ریشه کن می‌شود، از حقد و حسدها، کینه و عداوتها دیگر خبری نیست؛ اخوت اسلامی و برادری ایمانی، جای دشمنیهای بی‌جا را می‌گیرد و همکاری و صمیمیت، فداکاری و محبت، جای درگیریهای واهی را.

۱ - اصل حدیث و شرح آن در ضمن نوشته‌های شهید آیه الله دستغیب در آخر کتاب ۸۲ پرسش، چاپ چهارم به بعد - که پس از شهادت آن بزرگوار منتشر گردید - آمده است.

## برکات خدا بر پرهیزکاران می بارد

در این شرایط است که به مضمون آیه شریفه: «و اگر اهل قریه‌ها ایمان بیاورند و تقوا بورزند، درهای (برکات) آسمانها را به روی آنان باز می‌کنیم»،<sup>(۱)</sup> خداوند توسعه فوق العاده‌ای که تا آن روز در کره زمین سابقه نداشته است، برای آنان فراهم می‌فرماید.

این جاست که به مضمون بسیاری از روایات پی می‌بریم که می‌فرماید:

«زمین، گنجهایش را به تمام بیرون می‌ریزد»<sup>(۲)</sup> و گوشه‌ای از زمین بدون سبزی و کشت و زرع نمی‌ماند؛ مردمان در آن روزگار از قوای بیشتر و نیروی خدادادی برخوردارند؛<sup>(۳)</sup> چشمها و گوشها خیلی حساس‌تر می‌شود،<sup>(۴)</sup> با دست، قطعه‌ای از کوه را می‌کنند.<sup>(۵)</sup>

و از این قبیل مطالب؛ چون خداوند، تقوای فردی و اجتماعی را بر آنان نازل می‌فرماید.

مخصوصاً به برکت «قناعت»، مردم دیگر حرص نمی‌زنند و به آنچه خداوند برای شان خواسته راضی و دلخوش‌اند لذا زندگی شان را به خوشی می‌گذرانند.

---

۱ - ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ...﴾ اعراف: ۹۶.

۴ - بحار الأنوار: ۵۲ / ۳۳۶.

۲ و ۳ - بحار الأنوار: ۵۲ / ۳۳۷.

۵ - بحار الأنوار: ۵۲ / ۳۲۷.

## آرزوی درک زمان ظهور

اینک پی به آرزوی بزرگان و خوبان برای درک چنین روزگاری پی می‌بریم؛ چه روزگار با سعادتنی که از هر طرف بنگری، نور امام علیه السلام می‌تابد و آثار وجودی ولایتش عالم را فرا گرفته است:

«اللهم انا نرغب اليك في دولة كريمة تعزبها الإسلام وأهله وتذل بها النفاق وأهله»<sup>(۱)</sup>.

«خداوندا! ما خدمت حضرتت اظهار تمایل می‌کنیم نسبت به آن دولتی که به برکت آن، اسلام و مسلمین را عزیز و نفاق و منافقین را ذلیل می‌سازی».

خداوندا! ما آرزوی درک زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، موعود آسمانی و منتقم حقیقی را داریم.

و راستی چه خوش فرموده است شهید محراب که چقدر برای منتظران آن حضرت لذتبخش است هنگامی که منادی الهی و صیحه آسمانی بلند می‌شود که:

«این مهدی علیه السلام و پسر امام حسن عسکری است»، چه نشاطی پیدا می‌کنند آنان که آرزوی شنیدن چنین نغمه مسرت بخشی را داشتند.

بی خود نیست که امام صادق علیه السلام ناله شوق سر می‌دهد و برای تعجیل ظهورش دعا می‌کند و به ما می‌آموزد که حتماً برای تعجیل

فرجش دعا کنید و نگوئید: «المقدر کائن؛ آنچه خداوند تقدیر فرموده است، می شود» بلکه چه بسا به برکت دعای مؤمنین و ناله مشتاقان، خداوند فرج آقا را نزدیکتر فرماید.

### کتابی عظیم در حجم اندک

اینک خواننده عزیز که تا این جا ما را همراهی کردی، خودت انصاف بده با این تحلیل مختصری که از مطالب این کتاب خواندی، چقدر مطلب جالب و شیوا در حجمی اندک نهفته است و به راستی کتاب عظیمی را تشکیل می دهد که نور ولایت مهدی علیه السلام را در دلها می تاباند.

روانش شاد! که خدا چه برکتی به عمرش داد، از سخنانی که حدود سی سال قبل گفته امروز نیز مردم این گونه بهره مند می شوند و چه اخلاصی در عملش نهفته بوده که خداوند این چنین به گفته ها و نوشته هایش ترتیب اثر می دهد.

آنچه ملاحظه می فرمایید، در تحت هشت عنوان از سخنرانیهای آن بزرگوار جمع آوری شده در حالی که شاید یک دهم آنچه آن بزرگوار درباره حضرت مهدی علیه السلام سخنرانی فرموده نیست. وای کاش! به فکر بودند گوهرهایی که از دهان مبارکش بیرون می آمد، جمع آوری می کردند و نگه می داشتند، باشد که نسلهای آتیه از این خرمن پر، بهره مند ببرند.



## جمهوری اسلامی زمینه ساز انقلاب [حضرت] مهدی علیه السلام

سخن به درازا کشید ولی یک مطلب را نمی توانم ناگفته بگذرم؛ چند روز قبل، یک نفر می پرسید مگر نه روایات متعدّد داریم که حضرت حجّت - عجل الله تعالی فرجه - وقتی ظهور می فرماید که زمین پر از ظلم و جور شده باشد، آن وقت حضرت، زمین را پر از عدل و داد می کند؟

گفتم: چرا، اما مهلتش ندادم تا دنباله پرسش خود را بیاورد؛ زیرا این سؤال پیش از پیروزی انقلاب نیز از حلقومهایی که معلوم بود از کجا تغذیه می شوند، بیرون می آمد.

آنان که در کوری گرفتارند و حاضر نیستند دست شان را به چشم داری بدهند تا آنها را ببرد بلکه خودشان را بینا تر از دیگران می بینند، حالا که گفته شده امام زمان در وقتی که زمین پر از ظلم و جور است ظهور می کند تا عدل را برقرار کند، آیا معنی اش این است که ما دست روی دست بگذاریم و تماشاگر جنایت جنایتکاران باشیم، در حالی که به فرموده شهید آیه الله دستغیب، **جمهوری اسلامی** زمینه ساز حکومت مهدی علیه السلام است.

**آیا بگذاریم ظلم عالمگیر شود؟**  
یا به گفته آن جاهل، باید کار را خراب تر کرد تا حضرت زودتر ظهور نماید! چرا برخی به عنوان طرفداری از مذهب حق، با

حزب منفور ضالّه، خود در ضلالت و دیگران را نیز به ضلالت می‌کشانند و کار را خراب‌تر می‌کنند تا شاید حضرت زودتر آمد.  
 آیا وظیفه ما این است که بگذاریم ظلم عالمگیر شود تا امام زمان علیه السلام زودتر ظهور بفرماید؟!!

### تکلیف هرکس محفوظ است

آیا امر به معروف و نهی از منکر در زمان غیبت به خاطر آمادگی برای ظهور حضرت، باید متروک بماند و وظیفه ما خراب‌تر کردن وضع است؟ یا تکالیف الهی سر جای خود محفوظ بوده و هرکس موظف است به وظیفه شرعی خود عمل کند و به بهانه آمادگی برای ظهور، از زیر بار بسیاری از تکالیف شانه خالی نکند بلکه علاوه بر انجام وظایف فردی، با همیاری و همکاری دیگران، حکومت اسلامی تشکیل دادن و نمونه عدل اسلامی را پیاده کردن و با این کار الگو برای سایرین باشد وظیفه است، پس چرا از قطب مثبت تعیین وظیفه نمی‌کنید؟!!

### نمونه کوچکی از عدل جهانی بسازیم

هیچ‌کس ادّعا نکرده و نخواهد کرد که جمهوری اسلامی، حکومت صد در صد عدل الهی را پیاده کرده یا بتواند پیاده کند، اما این را می‌توان ادّعا نمود که به حسب ظاهر تا آن‌جا که ممکن است

می‌شود با درست پیاده کردن احکام اسلام، نمونه و الگویی برای سایر ممالک گردید و آنها را به حَقَّانیت و قابل اجرا بودن این احکام در این شرایط زمانی آشنا ساخت تا مردم دنیا خودشان با شوق، روبه مصلح جهانی بیاورند و با دل و جان، اطاعتش را گردن نهند.

### منطق زور برای طاغوتیان

اشتباه این آقایان در این است که خیال کرده‌اند حضرت مهدی علیه السلام با زور بر جهانیان مسلط می‌شود، نه چنین است بلکه جهانیان، عاقل می‌شوند و خودشان درک می‌کنند که حکومت عدل مهدی برایشان از هر حکومتی بهتر است، لذا به طوع و رغبت زیر پرچمش می‌روند و حضرت فقط گردنکشان، طاغوتها و یاوران‌شان که خار سر راه اسلام و مسلمین هستند و به هیچ زبانی حاضر به همکاری با توده مردم نیستند را از میان بر می‌دارد.

### عدل جهانی جز با ظهور [حضرت] مهدی علیه السلام نمی‌شود

ما می‌دانیم که عدل جهانی جز با ظهور حضرت حجّت برپا نمی‌شود و هیچ‌کس چنین ادّعایی نکرده که می‌تواند عدل اسلامی را به‌طور کامل در جهان حکمفرما سازد.

آنچه در توان ماست این است که بکوشیم احکام قرآن را پیاده کنیم و این قدر توسری خور امثال آریامهر و اربابش نباشیم، اما دیگر بر

دلها تسلط نداریم که حتماً نور ایمان را در آنها بتابانیم، یا در گوشه و کنار، خلوت و جلوت، از ستم ستمگران جلوگیری کنیم.

### مزاخم ظهور حضرت نیست

خاطر این قبیل آقایان جمع باشد که جمهوری اسلامی، مزاخم ظهور حضرت مهدی علیه السلام نیست بلکه پیشتاز و زمینه ساز آن است. آیا ما توانسته ایم در این مدّت، عدل را در کشور خودمان برقرار کنیم که آقایان دلشان برای تأخیر ظهور می سوزد؟ چقدر خونها که در این چندسال به ناحق ریخته شده؛ از آن جمله خون شهید مؤلف محترم این کتاب و حدود چهل کتاب دیگر و هزاران شهیدی که توسط منافقین یا کفار بعثی در جبهه‌ها به شهادت رسیدند و خراب شدن هزاران خانه در مناطق جنگی و آواره شدن میلیونها نفر در اطراف.

آیا هنوز ما گرفتار ظلم ظالمین نیستیم که آقایان می ترسند این جمهوری اسلامی مزاخم ظهور حضرت باشد؟ ظلم آمریکا بر ما بیشتر شده، ظلم شوروی بر افغانستان و ظلم هر دو بر عراق و ظلم ابرجنایتکاران بر سراسر دنیا غیر قابل انکار است.

شیراز - سید محمد هاشم دستغیب

فروردین ماه ۱۳۶۲



## هزاران روایت درباره حضرت مهدی (عج)

در موضوعهای دینی، کمتر موضوعی چون «اثبات وجود و ظهور حضرت حجة بن الحسن - عجل الله تعالی فرجه -» مطرح شده و درباره اش روایت رسیده است.

از طرق مختلف بیش از یک هزار حدیث به طریق شیعه از پیغمبر اکرم ﷺ نقل شده و بیش از این مقدار، از طریق سنّی رسیده است به قسمی که بعضی از علمای عامّه کتابهایی در این مورد نوشته اند؛ از آن جمله محمد بن طلحة شافعی [کتاب «مطالب السؤل» و گنجی شافعی] کتاب «البيان» را در اخبار آخر الزمان و امام عصر - عجل الله تعالی فرجه - نوشته است.

همچنین ابن صبّاح مالکی، کتاب «فصول المهمّة» و دیگری «تذكرة الخواص من الامّة بذکر خصائص الائمّة»<sup>(۱)</sup> و غیره را

---

۱ - تذكرة الخواص، تألیف سبط ابن جوزی.

نوشته‌اند و در آنها روایات متعددی را نقل نموده‌اند که به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

### آمدن مهدی علیه السلام حتمی است

روایت شریفی که اکثر مؤلفین عامّه نقل کرده‌اند این است که

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، هر آینه خداوند آن روز را طولانی می‌فرماید تا بیرون شود فرزندی از اولاد من که نامش نام من است و زمین را پراز عدل و داد کند، پس از آن‌که پراز ظلم و جور شده باشد.»<sup>(۱)</sup>

### نماز خواندن مسیح با حضرت مهدی علیه السلام

در حدیث دیگر - که نزد عامّه نیز معتبر است - فرمود:

«ای مسلمانها! چگونه‌اید هنگامی که عیسی بن مریم در میان شما باشد در حالی که امام‌تان میان شماست.»<sup>(۲)</sup>

از جمله مطالب قطعی در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام نزول

۱ - لو لم یبق الدهر إلا یوم واحد لطول الله ذلك الیوم حتی ینخرج رجل من ولدی اسمہ اسمی یملاً الأرض قسطاً وعدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً (بحارالأنوار: ۳۶ / ۳۶۸؛ کشف الغمّه: ۳ / ۲۳۲؛ کنز العمال: ۱۴ / ۲۶۷).

۲ - کیف انتم وعیسی بن مریم فیکم وایمکم بینکم؟ (بحارالأنوار: ۱۴ / ۳۴۴ - با اندکی تفاوت).

حضرت مسیح عليه السلام از آسمانهاست که در رکاب حضرت حاضر می شود و پشت سر آن حضرت نماز می گذارد و مروی است که: «بسیاری از نصارا پس از این ماجرا مسلمان می شوند؛ چون می بینند پیغمبرشان با امام مسلمین نماز می گذارد». (۱)

### نهمین فرزند حسین عليه السلام مهدی است

از جمله روایاتی که از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مورد حضرتش رسیده آن است که فرمود:

«مهدی از اولاد حسین عليه السلام است». (۲)

و در روایت دیگر تصریح می فرماید که:

«نهمین فرزند حسین عليه السلام است». (۳)

برای او دو غیبت است؛ پنهان شدن کوچک و پنهان شدن بزرگ؛ در زمان غیبت کبرایش زمین پر از ظلم و جور می شود؛ (۴) هنگامی که ظهور می کند، ابری بالای سر اوست و ندا می کند:

«این است مهدی موعود و بر روی زمین نمی ماند مگر مؤمن و اهل تقوا». (۵)

- 
- ۱ - منتخب الأثر: ۴۷۹.
  - ۲ - بحار الأنوار: ۵۱ / ۹۱.
  - ۳ - منتخب الأثر: ۲۰۴.
  - ۴ - المستجد من الإرشاد: ۲۲۴؛ منتخب الأثر: ۲۵۱.
  - ۵ - بحار الأنوار: ۵۱ / ۸۱.

### برپا ساختن عدالت پس از نهایت جور

نکته‌ای که در نوع روایات مربوط به حضرت مهدی علیه السلام به آن اشاره شده برپا ساختن عدالت جهانی توسط آن حضرت پس از فراگیری ستم در سراسر عالم است؛ می‌فرماید:

«در زمان آن حضرت، زن جوان زیبا، جعبه جواهر را با خود برمی‌دارد و تنها از شام به بغداد می‌رود و کسی به او و جواهراتش نگاه نمی‌کند».<sup>(۱)</sup>

این قدر عدل گسترده می‌شود که دزدی، یا نگاه خیانت به زن بیگانه از میان مردمان برداشته می‌شود و مردم همه عادل می‌شوند. تعبیر جالبی در این زمینه است که می‌گویند:

«در آن زمان، گرگ و میش با هم زندگی می‌کنند».

### فرقه ضالّه و عدل جهانی

آن دروغگویانی که ادّعی امام زمان بودن کردند و ساده لوحهایی که فریب دعوی بی‌جای‌شان را خوردند، رسوایند. کسی که پس از این ادّعی واهی او، دو جنگ بین‌المللی و جهانی واقع شد که میلیون‌ها نفر بی‌خود کشته شدند و میلیون‌ها نفر اعضای بدن خود را از دست دادند، چه افرادی که آواره شدند و چه اموالی که ضایع شد و چه نوامیسی

که هتک شد و خلاصه چه ظلم و جنایت که روز به روز افزوده گردید، آیا این حقایق برای رسوایی این مدعیان دروغین کافی نیست؟ امام زمان که در بیشتر روایات رسیده از او به عنوان برپاکنندهٔ عدل و بردارندهٔ ستم یاد شده هنوز ظهور نفرموده است.

### شواهد وجودی مهدی علیه السلام بی شمار است

غرض مسألهٔ اثبات وجود امام عصر علیه السلام که عرض کردم، کتابهایی که علمای سنی در این زمینه نوشته‌اند فراوان است از قبیل: «فصول المهمه»، «تذکره [الخواص من الامة بذكر خصائص] الائمه» و غیر این دو کتاب که دربارهٔ آن حضرت و معجزاتش و کسانی که به خدمتش مشرف شده‌اند، قلمفرسایی شده است.

از این گذشته از روز ولادت حضرت تا کنون افراد زیادی به خدمتش مشرف شده و می‌شوند، آن هم از قبیل: مقدس اردبیلی‌ها و سید بحر العلوم‌ها که از زاهدترین، عادل‌ترین و با تقواترین افراد زمان خود بودند و آنچه در این قبیل کتابها ثبت شده قطره‌ای است از دریا و نمونه‌ای از خروارهاست. خدا داند که در گوشه و کنار چه افرادی خدمتش مشرف می‌شوند و به زیارتش نایل می‌گردند.

### شفای اسماعیل هرقلی به دست حضرت مهدی علیه السلام

برای تنوع در کلام، داستان «اسماعیل هرقلی» را عنوان نمایم.

صاحب کتاب «کشف الغمّه» و دیگران این قضیه - که در زمان سید بن طاووس اتفاق افتاده است - را چنین نقل کرده‌اند:

«اسماعیل بن حسن هرقلی خدمت سید بن طاووس رسید در حالی که در رانش بیماری کوفت پیدا شده و بسیار سخت بود، هنگام بهار، تَرک می خورد و خون و چرک می آمد و از زحمت ناراحتی و درد، آرزوی مرگ می کرد.

سید بن طاووس، اطّیای حلّه را حاضر کرد، همگی گفتند: این بیماری کوفت، علاج ندارد و چون روی رگ اکحل است، اگر پا را قطع کردند، بیمار می میرد.

سید بن طاووس به او فرمود: من می خواهم به بغداد بروم تو را نیز با خود می برم، آن جا اطّیای حاذق دارد، شاید خداوند سبب معالجات را فراهم فرماید.

در بغداد، اطّیبا را جمع کرد، آنها نیز گفتند این کوفت علاج ندارد و سید خیلی کسل شد.

اسماعیل گفت: جناب سید! پس به من اجازه دهید سفری به سامرا بکنم و قبور مطهر سامرا (حضرت هادی، حضرت عسکری و حلیمه خاتون علیهم السلام) را زیارت کنم.

اسماعیل به سامرا رفت، پس از تشرف به حرم و سرداب مقدّس، به خانه شخصی امام زمان علیه السلام رفت و نماز خواند و زیارت کرد.

خودش تعریف می کند: روز بعد، صبح با خودم گفتم اوّل کنار

شط بروم و خود را شستشو کنم، خون و چرکها را بشویم و غسل زیارت کنم و به حرم مطهر مشرف شوم، شاید خداوند ترحمی بفرماید. همین کار را کردم؛ لباسم را شستم، بدنم را شستشو داده غسل کردم که ناگاه چهار سوار، یکی جداگانه و سه نفر دیگر با هم در حالی که پیرمردی وسط دو نفر دیگر بود، رو به من آمدند.

آن آقای که جداگانه بود، به من نزدیک شد و مرا صدا کرد: اسماعیل! نامم را که برد، وحشت کردم، به من فرمود: پایت که زخم است بیاور.

به خیالم گذشت شاید این شخص، دستش احتیاط داشته باشد و من تازه غسل کرده‌ام، کمی مسامحه کردم که خود آقا جلو تشریف [آورد و روی زخم] فشار مختصری داد.

آن پیرمرد گفت: اسماعیل! رستگار شدی، من هم گفتم: شما هم رستگار شدید.

پیرمرد گفت: اسماعیل این آقا امام تو است.

فوراً روبه سمت آقا دویدم، خواستم رکابش را بگیرم و التماسش کنم، فرمود: برگرد.

رفتم ولی باز نتوانستم خودم را بگیرم و به سرعت برگشتم، فرمود: برگرد.

مرتبه سوم آقا را قسم دادم که لحظه‌ای درنگ کنید. حضرت ایستاد، آن پیرمرد (که به احتمال قوی حضرت خضر علیه السلام بود) فرمود:

اسماعیل! حیاکن! امام تو که فرمود برگرد، برگرد. ایستادم، حضرت رو به من کرد و فرمود: اسماعیل! حالا که به بغداد بر می‌گردی، المستنصر خلیفه عبّاسی به تو پول می‌دهد، از او نپذیر، به فرزندمان سیّد بن طاووس بگو که سفارش تو را به علی بن عوص کند، ما هم سفارشت را به او می‌کنیم و ناگهان از نظرم پنهان شدند.

[وقتی] به پایم نگاه کردم، هیچ اثری از زخم ندیدم، گفتم شاید آن پای دیگر بوده است.

[مردم] اطرافم جمع شدند، جریان را که شنیدند، روی من ریختند و لباسهایم را قطعه قطعه کردند و به عنوان تبرک بردند.

زیارتی کردم و دیگر درنگ نکردم و از سامرا به بغداد بازگشتم. وقتی می‌خواستم وارد شهر شوم، عده‌ای به استقبال آمده بودند و می‌پرسیدند: اسماعیل هرقلی کیست؟ در میانشان سیّد بن طاووس بود، پرسید: اسماعیل! این هیاهو راجع به تو است؟

گفتم: آری.

فرمود: پایت را نشانم بده. جای دست حضرت را نشان دادم، سیّد غش کرد، او را به حال آوردند.

سیّد بن طاووس، اسماعیل را نزد وزیر خلیفه عبّاسی - که قمی بوده است - آورد، وزیر گفت: باید اطبا بیایند و تصدیق کنند.

سیّد دنبال طبیبهایی که قبلاً پای اسماعیل را دیده بودند



فرستاد. در حضور وزیر از آنها پرسید: چند روز قبل شما پای اسماعیل را دیدید؟

گفتند: ده روز قبل.

پرسید: زخمش چطور بود؟

گفتند: علاج نداشت.

سید پرسید: اگر می‌خواست معالجه شود، چند روز طول می‌کشید تا محل زخم درست شود.

گفتند: بفرض اگر هم خوب می‌شد، دو ماه طول می‌کشید تا گوشت بروید و پس از آن در جای زخم هم پوست می‌پیچد و در آن محل مو نمی‌روید.

پس از گرفتن این اعترافات از اطبا، سید به اسماعیل فرمود: حالا جای زخم را نشان‌شان بده.

همه مشاهده کردند که زخم و جایش خوب شده و هیچ چروکی هم ندارد و موی تازه هم نیز در محل زخم در آمده است.

یکی گفت: شاید پای دیگرش بوده است، آن پا را نیز نشان داد، یکی از اطبا - که مسیحی بود - گفت: به خدا سوگند! عیسی مسیح او را نجات داده است.

سید بن طاووس فرمود: مولای عیسی او را نجات داده است، کسی که عیسی بن مریم پشت سرش نماز می‌خواند.

خبر به خلیفه عباسی رسید. المستنصر هزار اشرفی برایش

فرستاد. اسماعیل گفت: من نمی توانم در این پول تصرف کنم.

پرسیدند: چرا؟

گفت: همان آقای که مرا شفا داد، سفارش فرمود پول خلیفه را نگیرم.

خلیفه ناراحت شد و گفت: معلوم می شود پول ما قابل این درگاه نیست و بعد اسماعیل هم دارای ثروت و مکتب گردید.<sup>(۱)</sup>

### کتابهای متعدّد در معجزات مهدی علیه السلام

از این قبیل معجزات و تشرف خوبان خدمت حضرتش بسیار است. مرحوم حاجی نوری در کتاب «النجم الثاقب» - که به فارسی نوشته شده - تعدادی از این موارد را آورده است. همچنین در بحارالأنوار<sup>(۲)</sup> و کتاب دارالسلام<sup>(۳)</sup>

اخیراً هم مرحوم نهایندی، اسامی بعضی از خوبان را که خدمت حضرت مهدی علیه السلام رسیده اند، داستانهای شان را نوشته است و ما هم ان شاء الله در ضمن بحثهای مربوطه برای تنوع در مطالب و شواهد عرض و خسته نشدن شنوندگان، بعضی از آنها را عنوان خواهیم کرد.

۱ - کشف الغمّه: ۲ / ۴۹۳ به بعد.

۳ - دارالسلام: ۲ / ۱۴.

۲ - بحارالأنوار: ۵۱ / ۲۹۳.

## روایتی شیرین در ولادت حضرت مهدی علیه السلام

در باب ولادت با سعادت امام دوازدهم حجّة بن الحسن العسكري علیه السلام بنا به روایتی که شیخ طوسی و شیخ صدوق در کتابهای خود و مسعودی در کتاب اثبات الوصیه و دیگران نیز نوشته‌اند، به‌طور خلاصه مطالبی عرض می‌شود.

بشر بن سلیمان از نواده‌های ابو ایوب انصاری<sup>(۱)</sup> است. در همسایگی حضرت هادی علیه السلام امام دهم ما بوده است. روزی حضرت هادی علیه السلام دنبالش می‌فرستد. کافور، خادم حضرت او را می‌طلبد و خدمت امام مشرف می‌شود. خودش ناقل حدیث است که وقتی خدمت حضرت هادی علیه السلام رسیدم به من فرمود: جدّت به جدّ ما خدمت‌ها کرد و من می‌خواهم خدمتی به تو واگذارم که موجب

---

۱ - ابو ایوب از اصحاب محترم پیغمبر اکرم است و رسول خدا در مهاجرت به مدینه نخست در خانه او منزل فرمود و مورد احترام اهل بیت نیز می‌باشد. (کمال‌الدین و تمام النعمه: ۲ / ۴۱۹ - ۴۱۸)

سعادت تو شود. آن وقت حضرت نامه‌ای به زبان رومی نوشت و مهر مبارکش را پایین نامه زد، کیسه زری در آورد که در آن ۲۲۰ اشرفی بود، فرمود: به بغداد برو کنار شط، در محلی که برده فروشان جمع می‌شوند منتظر باش، عمرو بن یزید را که دیدی، کنیزهایی برای فروش می‌آورد، در بین آنها کنیزی با این وصف و به زبان رومی می‌نالد و هرکس می‌خواهد او را بخرد، حاضر نمی‌شود و به مشتری می‌گوید: بی جا مال خودت را هدر نده، در این اثنا یک نفر پیدا می‌شود سیصد اشرفی بدهد و او را بخرد، ولی کنیز حاضر نمی‌شود و می‌گوید: اگر مثل سلیمان هم بشوی تسلیم تو نخواهم شد.  
 برده فروش می‌گوید: ای کنیز! پس تکلیف من چیست؟ من می‌خواهم تو را بفروشم؟

کنیز گوید: عجله نکن هرکس را خواستم می‌گویم، آن وقت این نامه مرا نزد آن کنیز ببر و به او بده.

بشر گوید: همین کار را کردم و کنیز نامه را گرفت و خواند بوسید و بر دیده گذاشت و به صاحبش گفت: مرا به همین شخص بفروش. خلاصه به همان مبلغی که حضرت هادی علیه السلام داده بود، معامله تمام شد، او را با خود به منزل آوردم، مرتباً نامه را می‌بوسید، پرسیدم: از کجا صاحب این نامه را می‌شناسی؟

گفت: ای کم معرفت! آیا صاحب نامه را نمی‌شناسی؟

گفتم: چرا او امام من است.

گفت: من دختر زادهٔ قیصر روم هستم، در سنّ سیزده سالگی، جدّم در صدد بر آمد مرا به عقد برادر زاده اش در آورد. مجلس عقد مفصلی فراهم آورد، سیصد نفر از کشیشها و هفتصد نفر از اُمرا و چهار هزار نفر از اعیان و اشراف دعوت شدند و تخت بزرگی هم برای جلوس داماد زدند. کشیشها مشغول خواندن انجیل شدند که ناگاه زمین لرزه ای شد و پایه های تخت لرزید و شکست و صلیبها افتاد. کشیشها این مطلب را به فال بد گرفتند و به جدّم گفتند: از این داماد صرف نظر کن؛ چون این مطلب که اتفاق افتاد نشانهٔ از بین رفتن دین مسیح است.

قیصر پذیرفت و مجلس دیگری فراهم آورد تا مرا به عقد برادرزادهٔ دیگرش در آورد، باز هم همان جریان تکرار شد و از دومی هم صرف نظر کرد.

شب در خواب حضرت مسیح و وصیّش شمعون الصفا - که از حواریین و جدّم به شمار می رود - را مشاهده کردم. حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله هم همراه آقای تشریف آوردند و رو به حضرت مسیح کرده فرمود: می خواهم با دختر شمعون وصیّ شما وصلت کنم برای فرزندم حسن.

مسیح گفت: زهی شرف برای ماست. آنگاه پیغمبر صلی الله علیه و آله بر تختی قرار گرفت و خطبهٔ عقد را قرائت فرمود.

از خواب بیدار شدم ولی جرأت نکردم خواب خود را برای کسی

نقل کنم. شوق حسن عسکری که در خواب همراه پیغمبر او را دیده بودم در من روز افزون شد به قسمی که از اشتیاق، بیمار شدم. پدرم صلیبها را حاضر کرد، انواع داروهایی که تجویز نمودند فایده نکرد.

روزی قیصر نزد من آمد و گفت: دخترکم! چه میل داری؟

گفتم: چیزی میل ندارم.

گفت: چه آرزویی داری؟

گفتم: اگر اسرای مسلمانان را آزاد کنی ممکن است حال من

بهبتر شود.

جدّم دستور داد گروهی از اسرای مسلمین را آزاد کردند و در وضع بقیّه نیز توسعه‌ای داد، من هم قدری خوراک خوردم تا نشان دهم سالم بهتر شده است.

شب در خواب دیدم حضرت زهرا و مریم علیهما السلام به سراغم آمدند، شکایت سالم را با مریم کردم، گفت: خدمت مادر شوهرت بگو. تا حضرت زهرا علیها السلام را شناختم از فرزندش حسن عسکری علیه السلام گله کردم که از آن شب که جدّش رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به او تزویج فرمود، هنوز به سراغ من نیامده است.

فرمود: چگونه به سراغت بیاید در حالی که مسلمان نیستی، بگو: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، در همان عالم رؤیا به دست فاطمه زهرا علیها السلام مسلمان شدم، آنگاه فرمود: از این پس هر شب فرزندم را خواهی دید و من هم از آن به بعد، هر شب

آن حضرت را در خواب می دیدم تا آن که چندی قبل به من فرمود: وصال ما نزدیک است و به همین زودی جنگی میان مسلمانان و رومیان برپا می شود. تو از فلان راه خودت را در میان اسیران بینداز به قسمی که تو را نشناسند، لذا بر حسب امر امام، خودم را در میان اسرا انداختم و مرا آوردند. اینک هر شب امام را در خواب می بینم تا این [که به] این جا رسیدم.

بشر گوید: او را به سامرا خدمت امام هادی علیه السلام آوردم. حضرت به او فرمود: ده هزار اشرفی به تو بدهم یا یک مژده که سعادت تو در آن است.

گفت: آقا! بشارت را بدهید.

فرمود: مژده باد برای تو! که خداوند از رحم تو بیرون می آورد آن آقایی را که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد.

آنگاه حضرت هادی علیه السلام او را به خواهرش حکیمه خاتون دختر حضرت جواد و عمه حضرت عسکری می سپارد؛ بانویی مجلله و عالمه تا معارف دین را به او بیاموزد؛ واجبات و محرّمات و احکام عبادات و غیره را تعلیمش دهد.

حضرت عسکری در سن ۲۲ سالگی بوده است که با مخدّره نرجس خاتون ازدواج می فرماید.

روز چهاردهم ماه شعبان ۲۵۶، یا ۲۵۵ هجری قمری است که حکیمه خاتون به منزل حضرت عسکری می آید. هنگامی که

می خواهد به خانه اش برگردد، حضرت می فرماید: عمّه! کجا می روی؟ امشب مهدی موعود علیه السلام به دنیا می آید.

پرسید: از چه کسی؟

فرمود: از نرجس.

حکیمه خاتون گفت: اثری از حمل در او آشکار نیست.

حضرت فرمود: مثل او مثل موسی بن عمران است (موسی که در شکم مادر بود، اثری از حمل نداشت؛ زیرا فرعون در صدد بود هر جنین را در شکم مادرش از بین ببرد، لذا خداوند، حضرت موسی را حفظ فرمود،<sup>(۱)</sup> حضرت مهدی علیه السلام نیز دشمنان فراوانی داشت که از آن جمله دستگاه خلافت در کمین بود و خداوند نیز او را چنین حفظ فرمود).

حکیمه خاتون، آن شب ماند. پرسید چه وقت متولد می شود؟

حضرت فرمود: نزدیک اذان صبح.

روایت از خود مخدّره حکیمه خاتون است که نزدیک فجر دوّم،

ناگهان دیدم نرجس وحشتناک از خواب برخاست.

پرسیدم: چیزی حس می کنی؟

گفت: آری. شروع به خواندن قرآن کریم نمودم؛ سوره حم سجده

۱ - در روایتی - که بعداً در این کتاب نیز مورد بحث قرار می گیرد - از هر

پیغمبری، خصوصیتی در حضرت مهدی علیه السلام است و از آن جمله این مطلب است که از جهت مخفی ماندن در رحم مادر، همچون حضرت موسی علیه السلام می باشد.



و یس را می خواندم که حضرت از اتاق دیگر صدا زد: سوره قدر را بخوان.

حکیمه خاتون می فرماید: در این هنگام سستی عارض من شد و بی حس شدم.

در روایت دیگر است که می فرماید: بین من و نرجس پرده ای واقع شد که دیگر پشت پرده را ندیدم. طولی نکشید که پرده برطرف شد، چهره نرجس می درخشید و از نورانیت خاصی برخوردار بود، به قسمی که چشم مرا خیره کرد. دیدم مولود عزیز سر به سجده گذاشته و چنین می خواند:

أشهد ان لا إله إلا الله وأشهد ان جدی محمد رسول الله وأشهد ان أبا  
أمیر المؤمنین وصی رسول الله والحسن والحسین ... حجج الله.

آن وقت این آیه شریفه را تلاوت فرمود:

﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أُمَّةً  
وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾. (۱)

سپس عرض کرد: خدایا! آنچه به من وعده فرمودی، عمل فرما  
و زمین را به وسیله من پر از عدل و داد فرما. (۲)

بدن شریفش چون نقره و بلور و بر بازویش نوشته شده بود: حق

۱ - قصص: ۵.

۲ - اللهم أنجز لی ما وعدتني واملأ بی الأرض عدلاً وقسطاً (منتقی الجمال: ۳ / ۴۷۵ - با اندکی تفاوت).

آمد و باطل رفت به درستی که باطل رفتنی است. (۱)

صدای حضرت عسکری بلند شد که فرزندم را بیاور، وقتی او را  
بردم، بر پدرش سلام کرد. (۲)

در دوران شیرخوارگی کسانی چند خدمتش رسیدند و ولادتش را  
تبریک و تهنیت گفتند. اسامی آنان در کتاب اکمال الدین و تمام النعمه،  
تألیف شیخ صدوق رحمته ذکر شده است.

### حضرت مهدی علیه السلام پاسخ هفتاد مسأله را می دهد

در دوران کودکی حضرت مهدی علیه السلام، سعد بن عبدالله اشعری،  
هفتاد مسأله داشت، نزد حضرت عسکری علیه السلام رفت و حضرت فرمود:  
«از فرزندم بپرس» و حضرت مهدی علیه السلام همه را پاسخ فرمود.  
این مطلب مشروحاً در بحار الأنوار (۳) ذکر شده است و این نکته  
را می افزاید که:

«در آن زمان، اموالی را به عنوان سهم امام آورده بودند، حضرت،  
اموال را جدا نمود و صاحب هر یک را نام بردند».

### فشار دربار خلافت و غیبت صغری

هنگامی که در سال ۲۶۰ هجری قمری، حضرت عسکری علیه السلام

۱ - «... جَاءَ الْحَقُّ وَرَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» اسراء: ۸۱.

۲ - کمال الدین و تمام النعمه: ۲ / ۴۲۸. ۳ - بحار الأنوار: ۵۲ / ۷۸.

رحلت فرمود و منصب امامت به آن بزرگوار رسید و بر جنازه پدرش نماز خواند، از طرف خلیفه عباسی فشار آوردند تا فرزند حضرت امام عسکری را بازداشت نمایند؛ چون می دانستند (بر حسب روایات کثیره ای که رسیده بود) حضرت حجت، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است، لذا به اذن خداوند، آن حضرت غایب شدند و ایشان را نیافتند. بعضی از کنیزها را تا یک سال و دو سال حبس کردند تا معلوم شود آیا از آن حضرت حمل دارند یا نه؟

مقصود از غیبت آن حضرت این است که مردم او را نمی شناسند هرچند او را می بینند مانند برادران حضرت یوسف که با او نشست و برخاست می کردند، با او همخوراک شدند و صحبت کردند، اما او را نمی شناختند.

### چهار نفر نایب در ظرف ۷۴ سال

در مدت ۷۴ سال که غیبت صغری بود، حضرت مهدی علیه السلام چهار نفر یکی را پس از دیگری به عنوان نایب خود تعیین فرمود که نخستین ایشان «عثمان بن سعید» است. او از رجال برجسته شیعه است و پس از او فرزندش «محمد بن عثمان» - که معروف به خلانی است - [را] معین فرمود.

در حالات این بزرگوار نقل شده که: «یکی از مؤمنین گفت: به دیدارش رفتم، دیدم جلوش تخته ای است که روی آن اسامی

اهل بیت علیهم السلام و آیات قرآن را نقش می نماید. پرسیدم: چه می کنی؟ گفت: مرگ من نزدیک است، تدارک قبر خودم را می کنم و این تخته را تهیه کرده ام تا اسامی اهل بیت علیهم السلام را بر سر قبرم نقش نمایم، شاید خداوند به برکت این بزرگواران مرا از فشار قبر برکنار بدارد. قبرش را نیز نشان داد که از پیش آماده کرده بود». (۱)

نایب سوّم حضرت، جناب «ابوالقاسم حسین بن روح» و پس از آن بزرگوار، «علی بن محمّد سمري» است.

[هنگام] نزدیکی مرگ علی بن محمّد سمري، نامه ای از حضرت به او می رسد که دیگر غیبت کبری شروع شده است، دیگر کسی به عنوان سفارت و نیابت خاص، مأموریت نخواهد یافت. (۲)

### ادعای رؤیت به قصد نیابت

اگر کسی ادعای رؤیت [امام مهدی علیه السلام] را کند، دروغ می گوید؛ یعنی اگر کسی بگوید: «امام زمان را دیده ام به عنوان این که من واسطه ام و نیابت خاص دارم و دستور از او می گیرم و به مردم ابلاغ می کنم»، دروغ می گوید.

البته منافات ندارد که اشخاصی هم آن حضرت را ببینند، اما ادعایی نداشته باشند؛ آنچه مهم است دانستن این مطلب است که

دعوی نیابت خاص و مشاهدۀ امام به این عنوان که به من مأموریت ابلاغ دستوراتش را داده است، دروغ است.

هر کس گفت: «من نایب خاص امام زمان هستم»، به فرمودۀ خود امام زمان علیه السلام او دروغ می گوید.

عین نامۀ حضرت در کتاب کمال الدین شیخ صدوق رحمته الله، اثبات الوصیّه و بحار الأنوار ثبت است. (۱)

### وقت ظهور بر همه پنهان است

با این ترتیب، جلو نیرنگ اشخاص حقّه باز گرفته می شود تا هر شیادّی به دعوی دیدن امام زمان و پیغام امام زمان، دگانی باز نکند و مردم را نفریبد.

مدّت غیبت کبری را نیز خدا می داند و بس، لذا هر کس وقت تعیین کند و بگوید امام زمان در فلان سال ظاهر می شود، دعوی بی جایی کرده است بلکه مورد لعن نیز هست و حسب بعضی از روایات، [ظهور حضرت حتّی] بر خود امام زمان نیز پنهان است.

### خوابنامه ها و نشر اکاذیب

هر از چندی، بعضی از شیادها خوابنامه هایی منتشر می کنند

و عده‌ای ساده لوح را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ مثلاً چندی قبل نوشته بودند:

«شیخ احمد نامی، متولی مسجد مدینه منوره در خواب دیده که چنین و چنان می‌شود، ایها الناس! توبه کنید تا شش سال دیگر امام زمان ظاهر می‌شود!!».

در حالی که در مدینه چنین کسی نبوده و نیست و بر فرض هم که باشد، از کجا چنین خوابی دیده باشد و مگر هر خوابی قابل اعتناست. عجب این است که این خوابنامه همزمان در چندین نقطه از مملکت نیز پخش می‌شود، لای قرآنها و مفاتیح در حریمهای مطهر می‌گذارند و قسم هم می‌دهند که این خوابنامه را چند مرتبه بنویسید که چقدر اجر دارد!!

چه بسا دستهای خیانتی هم در کار باشد که این اکاذیب را نشر دهد و مردم را به این چیزها سرگرم کند تا از معارف و واقعیات باز بمانند و این طور وانمود کنند که این ملت چقدر خواب است، با یک خوابنامه می‌شود آنها را فریفت، با یک تکه کاغذی می‌شود آنها را از میدان به در برد.

زنها بیشتر در معرض خطرند، اشخاصی پیدا می‌شوند که به بهانه دعای اولاد و طلسم و غیره آنها را می‌فریبند. داروی محبت کدام است؟ بهترین اسباب برای جلب محبت شوهر، اطاعت اوست؛ بدون رضایتش از خانه بیرون نرو و ...

## آفتاب از مغرب طلوع می کند [چیست؟]

روایتی رسیده که:

«هنگام ظهور حضرت حجة بن الحسن علیه السلام، آفتاب از مغرب طلوع می کند.» (۱)

بعضی از بزرگان، ظاهر این روایت را گرفته و گفته اند:

«گردش آفتاب (و در حقیقت گردش زمین به دور خودش) تغییر می کند.»

ولی در کتاب کفایة المؤمنین روایت را این طور نقل می کند: «در ضمن فرمایشات امیر المؤمنین علیه السلام هنگامی که حضرت نشانه های ظهور مهدی علیه السلام را ذکر می فرماید، این جمله را بیان می کند: آفتاب از مغرب طلوع می کند یعنی مهدی علیه السلام از مکه ظاهر می شود.» (۲)

مکه معظمه نسبت به عراق، جنوب غربی است و نسبت به موقعیت مکانی آن حضرت درباره مکه معظمه این طور تعبیر می فرماید که آفتاب حقیقی؛ یعنی مهدی علیه السلام از مغرب؛ یعنی مکه معظمه طلوع می فرماید.

### ظهور حضرت با خواب معین نمی شود

ظهور حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه - به قدری مهم

است که همه انبیای سلف آن زمان را بشارت داده‌اند (برای مزید اطلاع به کتاب انیس الاعلام مراجعه شود). زمین باید پس از قرن‌هاست، از عدل پر شود، باید به جای ستمگرها و متجاوزین، کسی روی زمین نباشد.

### نالۀ شوق امام صادق علیه السلام برای مهدی علیه السلام

هنگام ظهور، زمانی است که امامان ما مشتاق چنین زمانی بوده‌اند. در شب ماه مبارک رمضان، حضرت صادق علیه السلام پس از نماز صبح، سر به سجده گذاشت و برای حضرت مهدی علیه السلام دعای فرج خواند:

«خدایا! تعجیل فرما در ظهور آن آقایی که ظهورش سبب نجات اولیای تو [و] ظهورش موجب عزّت مؤمنین است».

پس از سر برداشتن از سجده، از او پرسیدند: «این آقا کیست؟»، فرمود: «فرزند زاده‌ام، پسر حسن عسکری علیه السلام است».

### پیغمبران پشت سر مهدی علیه السلام در نماز

در دعای ندبه می‌خوانید:

«آیا می‌شود عمر ما این روزگار مبارک را دریابد؟ (هل يتصل يومنا منك بعدة...؟)» (۱)

ای آقا! کی می‌شود که تو جلو بایستی و ما پشت سرت نماز بخوانیم.



آری، در جماعتی که در صف نخستین آن، حضرت عیسی بن مریم، خضر و الیاس علیهم السلام پیغمبران خدایند و خدا آنها را نگه داشته است و در رکاب مهدی علیه السلام حضور دارند. اللهم عجل فرجه و سهل مخرجه.

### تذکره ای از اهل بیت

در این تذکره، به بیان احوال و مناقب اهل بیت رسالت علیهم السلام پرداخته شده است. این کتاب، یکی از آثار ارزشمند و نفیس است که در این زمینه، به بیان احوال و مناقب اهل بیت رسالت علیهم السلام پرداخته شده است. این کتاب، یکی از آثار ارزشمند و نفیس است که در این زمینه، به بیان احوال و مناقب اهل بیت رسالت علیهم السلام پرداخته شده است.

این کتاب، یکی از آثار ارزشمند و نفیس است که در این زمینه، به بیان احوال و مناقب اهل بیت رسالت علیهم السلام پرداخته شده است.

این کتاب، یکی از آثار ارزشمند و نفیس است که در این زمینه، به بیان احوال و مناقب اهل بیت رسالت علیهم السلام پرداخته شده است.

## مردم را سرگردان نگذاشتند

در بحث گذشته کلام به این جا رسید که در زمان غیبت صغری حضرت، چهار نفر را به ترتیب به عنوان نایب خاص خود معین فرمود تا به توسط ایشان مردم، مطالب و مقاصد خودشان را به امام برسانند و دستورات امام نیز توسط ایشان به مردم ابلاغ گردد.

چهارمین ایشان، علی بن محمد سمری، چند روز به مرگش مانده بود که نامه ای از طرف حضرت به او می رسد و نزدیک شدن مرگش را به او یادآوری می فرمایند و تصریح می فرمایند که از این پس به عنوان نیابت، کسی معین نمی شود.

اما تکلیف بندگان چیست؟ مردم را حیران و سرگردان نگذاشته اند. اکنون ۱۰۷۰<sup>(۱)</sup> سال از زمان غیبت کبری می گذرد و خدا

---

۱ - فراموش نفرمایید که این سخنان آیه الله شهید دستغیب علیه السلام در سال ۱۳۳۴ هجری شمسی، مطابق با ۱۳۵۷ قمری بوده است.

داند چقدر دیگر طول بکشد، اما حضرت به وظیفه خودش عمل کرد و شیعیانش را سرگردان نگذاشت.

رجوع به علما در زمان غیبت  
 «وَأَمَّا الْوَأَادَاتُ الْوَأَقَعَةُ فَأَرْجَعُوا فِيهَا إِلَى رَوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حَجَّتِي عَلَيْكُمْ» (۱)

هرچند امام زمان علیه السلام از نظر ما غایب شد، اما شکر خدای را که سخنان او و اجدادش - که همان احادیث و روایات باشد - در میان ماست.

سالیان متمادی می‌گذرد، اما کتب اخبار آل محمد صلوات الله علیهم در هر دوره‌ای در میان مردم بوده و حجّت خدا تمام گردیده است؛ در هر دوره‌ای، راویان روایات از میان اشخاص برجسته و مورد اعتماد برخاستند و از عادلترین و موثق‌ترین افراد زمان بودند، از قبیل: زرارة بن اعین‌ها، صفوان بن یحیی‌ها، محمد بن مسلم‌ها، ابو بصیرها و غیر ایشان.

نمونه‌ای از بزرگواری یکی از ایشان را عرض می‌کنم.

### عبادهای صفوان و رفقاییش

در حالات صفوان بن یحیی نوشته‌اند که:

«روزانه یک صد و پنجاه رکعت نماز می‌خواند و سالی سه ماه روزه می‌گرفت و سه مرتبه زکات مالش را می‌داد. با دو نفر از رفقایش پیله‌وری می‌کرد، باهم به مکه معظمه رفتند، در مسجد الحرام با هم قرار گذاشتند که هر کدام بیشتر در دنیا ماند، اعمال خیر دیگری را به نیابت او انجام دهد.

آن دو نفر رفیق او مردند و صفوان شبانه روز ۵۱ رکعت نماز واجب و نافله خودش را می‌خواند و برای هر کدام از دو رفیقش نیز می‌خواند، ۵۱ رکعت برای ابن نعمان و ۵۱ رکعت برای ابن جندق. ماه رجب و شعبان را نیز برای آن دو نفر روزه می‌گرفت و ماه رمضان را برای خودش و سه مرتبه هم مالش را تزکیه می‌کرد، دو مرتبه به نیابت از دو رفیقش و یک بار هم برای خودش».<sup>(۱)</sup>

### کتابهای اخبار در زمان غیبت

اینها چنین مردمانی بودند که از حیث ایمان و عمل در دوره خودشان زبانزد و شناخته شده بودند و خداوند توفیق جمع آوری اخبار اهل بیت علیهم‌السلام را به ایشان عنایت فرمود. چهار صد نفر از اصحاب ائمه علیهم‌السلام سرگرم تدوین اخبار شدند و به اشاره خود اهل بیت علیهم‌السلام، روایات را ضبط و ثبت کردند تا در مثل چنین زمانی به درد مردم بخورد.

مرحوم کلینی بیست سال در خانه نشست و روایات اهل بیت را جمع آوری نمود. [شیخ] صدوق و [شیخ] طوسی [رحمة الله علیهما] نیز هر کدام زحمات فراوانی را در جمع آوری روایات متحمل شدند.

### به راویان مهذب رجوع کنید

خلاصه حضرت مهدی علیه السلام در آخرین نامه خود به چهارمین نایبش می نویسد:

«در زمان غیبت کبری به راویان این روایات رجوع کنید». (۱)

یعنی به کسانی که روایت صحیح را از دروغ و ضعیف تشخیص می دهند، رجوع کنید؛ به آن علمایی که حلال و حرام را می فهمند و به علاوه هوای نفس هم ندارند، رجوع کنید.

[بنابر این،] جایز نیست که از هر مجتهدی تقلید شود بلکه باید «حافظاً لدینه» و «مخالفاً علی هواه» باشد، از حیث تقوا کاملاً دیندار و از حیث تهذیب نفس، مخالف هوا و هوس باشد. خودخواهی، تعصب و خودبینی در او نباشد.

ضرر عالم هوا پرست از لشکر یزید بیشتر

مروی است که:

«ضرر عالم هوا پرست برای دین مردمان، از لشکریان یزید بیشتر است».<sup>(۱)</sup>

علمایی که هوا پرست و طالب جاه و شهرت باشند، مورد لعن می باشند، هر ریاست پرستی، ملعون است.

بلی اگر «صائناً لنفسه» و خودداری کننده از هوا پرستی بود، حتماً جاهل باید به عالم رجوع کند و از چنین عالمی، کسب علم و فضیلت نماید. در هر رشته‌ای و هر کاری، کسی که وارد نیست، به اهلش مراجعه می نماید، برای دانستن حلال و حرام نیز باید به اهلش مراجعه کرد.

### نهایت تقوا در فتوا دادن

شرط اساسی «مفتی» یعنی «کسی که می خواهد فتوا دهد» این است که در مرتبه کامل «تقوا» باشد تا مبادا در اثر هوای نفس، حلالی را حرام و حرامی را حلال کند، خون مظلومی را بریزد، یا مال ناحقی را ببرد، یا به غیر اهلش بسپارد.

همان ولایت امام اولی الامر که اولی به تصرف است،<sup>(۲)</sup> مرجع

۱ - بحار الأنوار: ۲ / ۸۸.

۲ - خوب دقت بفرمایید که مسأله ولایت فقیه و اولی به تصرف بودنش - که پایه جمهوری اسلامی بر آن است - چگونه دهها سال قبل به زبان شهید بزرگوار جاری می شود، همان گونه که با طرد خوابنامه و خرافات دیگر، بهانه برای فریب خوردن از خواب آریامهری و تظاهر به دین کردن را از ساده لوحان می گیرد.

تقلید نیز [آن] را داراست، پس باید ذره‌ای حبّ دنیا در دلش نباشد و گرنه تقلید کردنش جایز نیست، چه بسا به واسطه حبّ دنیا حلالی را حرام، یا حرامی را حلال کند.

### صفوان ریاست طلب نیست

از صفوان بن یحیی سخن گفتیم. این شخص کسی است که حضرت صادق علیه السلام تعریفش را می‌فرماید:

«إنّه لا یحبّ الریاسة»<sup>(۱)</sup>.

«صفوان ریاست را دوست نمی‌دارد».

خوشش نمی‌آید که بالانشین و محترم باشد و تعریفش را بکنند. [وقتی] امام غایب شد، تکلیف ما را معین فرمود و ما را حیران و سرگردان نگذاشت و فرمود:

«برای تشخیص نایب عام و مجتهد عادل، باید به اهل خبره و اهل اطلاع مراجعه کرد»<sup>(۲)</sup>.

### انتظار فرج برای خود امام زمان علیه السلام [انتظار]

ظاهر بعضی از روایات آن است که بر خود حضرت مهدی علیه السلام نیز هنگام ظهور مخفی است. از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله مروی است که:

۱- در بحار الأنوار: ۷۳ / ۱۵۴ این روایت از امام رضا علیه السلام نقل شده است.

۲- ترجمه تحریر الوسيله: ۱ / ۱۱.

«موقع ظهور امام زمان دو علامت برای خودش هست؛ یکی: شمشیر از غلاف خارج می‌شود و به نطق در می‌آید و می‌گوید: مهدی! خروج کن و به وسیله من زمین را پراز عدل و داد کن و علامت دیگر، بیرقی است که با آقاست و آن هم به نطق در می‌آید.»<sup>(۱)</sup>

شاید رازش هم این باشد که خود امام زمان علیه السلام هم در انتظار فرج خودش باشد که افضل عبادات است.

کسی که مسافر عزیزی دارد، چطور منتظر است که بیاید، اگر کسی این حالت برایش نسبت به امام زمان واقع شد، این حال خودش عبادت بلکه افضل عبادات است. انتظار فرج الهی توسط امام زمان برای خودش نیز از افضل عبادات است.

### مقام والای مهدوئیت

چون منصب «مهدوئیت» مقام شامخ منحصر به خودش می‌باشد و لازمه اش سلطنت بر شرق و غرب عالم است؛ منصبی است که انبیا و ائمه علیهم السلام به آن مژده داده‌اند و ناراحتی مؤمنین را به آن تسکین می‌دادند، شیادها مخصوصاً در زمان غیبت کبری به طمع چنین مقامی و رسیدن به چنین ریاستی، منتظر فرصت‌اند و تاکنون بیش از یک صد و پنجاه نفر دعوی مهدی بودن را کرده‌اند که خداوند همه را

۱ - کمال الدین و تمام النعمه: ۱ / ۲۶۸؛ کفایة المؤمنین: ۳ / ۴۰۰ - ۳۹۹.



رسوا ساخت، لذا برای مشتبه نشدن مطلب بر کسی، از همه امامان ما روایاتی راجع به صفات مهدی علیه السلام و نشانه‌های خروج و نزدیکی زمان ظهورش ذکر شده است. بعضی از نشانه‌ها به عنوان «علامتهای حتمی» ذکر شده که تا این نشانه‌ها واقع نشود، حضرت هم ظهور نمی‌فرماید.

## برخی از علایم حتمی ظهور امام زمان علیه السلام

### ۱- سقوط بنی عباس قبل از ظهور

یکی از علایم حتمی قبل از ظهور حضرت را «انقراض دولت مقتدر و ریشه دار بنی عباس» دانسته اند که این نشانه در هفتصد سال قبل به دست هلاکوخان و خواجه نصیرالدین طوسی تحقق پذیرفت. نشانه های حتمی دیگر که شاید حدود ۱۰۰۰ سال پیش واقع شده است هر چند تعداد زیادی از نشانه های غیر حتمی واقع شده است.

### ۲- خروج دجال

از نشانه های حتمی که مقارن با ظهور حضرت نیز می باشد (نه مثل سقوط خلافت بنی عباس که قرن ها قبل بوده) «خروج دجال» است. در روایتی که از این فتنه سخن می رود، راوی به امام عصر علیه السلام عرض می کند:

«آقا! از خداوند بخواهید این بلا پیش نیاید، امام در جوابش می فرماید: حتمی است، باید واقع شود.»<sup>(۱)</sup>

### ۳- جنایات سفیانی قبل [از] ظهور مهدی علیه السلام

«سفیانی» از اولاد یزید بن معاویه است و بین شام و مکه از صحرای خشک، بیرون می آید و از همان جا لشکر تهیه کرده و پنج مملکت را تصرف می نماید: دمشق، حمص، فلسطین، اردن و قنسرین را تسخیر می کند و لشکر بسیاری تشکیل می دهد و آنها را به اطراف برای قتل و خرابی می فرستد و آگهی می کند:

«اگر کسی سر یکی از دوستان علی علیه السلام را بیاورد، یک هزار درهم به او می دهم!!»،<sup>(۲)</sup> لذا به طمع مال، خیلی از دوستان علی علیه السلام کشته می شوند.

### ۴- خسف پیدا از نشانه های حتمی

[دجال] لشکر دیگری به سمت مدینه می فرستد و آن جا را قتل عام می کند، سپس همین لشکر را برای خراب کردن مکه می فرستد و در بین مکه و مدینه، صیحه ای بلند می شود که زمین آنها را فرو می برد.

زمین، تمام این لشکری را که به سیصد هزار نفر می رسند، فرو

۲- بحار الأنوار: ۵۲ / ۲۱۵.

۱- کفایة الموحّدین: ۳ / ۴۰۰.

الأنبياء محمد ﷺ، ذوالفقار علی ﷺ و مواریثی از آبای عظامش به او رسیده است.

پس از نشان دادن مواریث انبیا، سید حسنی دست آن حضرت را می‌بوسد و می‌گوید:

«شما را شناختم ولی برای این که لشکریان به شما معتقد شوند، مواریث انبیا را مطالبه کردم.» (۱)

#### تاریخ خوارج تکرار می‌شود

تمام لشکر او که یک صد هزار نفر هستند، همه بیعت می‌کنند جز چهار هزار نفر از آنان مانند خوارج که در برابر علی ﷺ ایستادند، اینها هم بر مهدی ﷺ خروج می‌کنند و همان‌طور که حضرت امیرالمؤمنین ﷺ خوارج را کشت، این چهار هزار نفر هم به دست حضرت مهدی ﷺ کشته می‌شوند.

و راستی عجیب است همان‌طور که [یزید] جریان تاریخی حرّه را - که قتل عام اهالی مدینه و سپس اقدام به خراب کردن خانه خدا بود - انجام داد، نواده‌اش سفیانی نیز چنین کاری را می‌کند.

همان‌طور که خوارج در برابر حضرت علی ﷺ ایستادند، خوارجی از لشکر سید حسنی نیز در برابر حضرت مهدی ﷺ می‌ایستند و تاریخ تکرار می‌شود.

## ۶- قتل نفس زکیّه بین رکن و مقام

از نشانه‌های حتمی مقارن ظهور حضرت، «قتل نفس زکیّه» در مکه معظمه، در مسجد الحرام، شریف‌ترین مکانها بین رکن و مقام ابراهیم است.

سیدی که از طرف حضرت، مأموریت داشته که حجاج را به [سوی] حضرت مهدی علیه السلام بخواند، می‌گیرند و در چنین مقامی او را سر می‌برند.

## ۷- صیحه آسمانی را همه می‌شنوند

از دیگر نشانه‌های حتمی، «صیحه آسمانی» است که حتمی الوقوع است و همه افراد شرق و غرب، این صدا را در یک زمان می‌شنوند و هر کس مطابق زبان خودش آنرا می‌شنود و می‌فهمد که: ﴿أَزِفَتِ الْأَازِفَةُ﴾؛<sup>(۱)</sup> «وعده خدا نزدیک شد».

«اللعنة الله على القوم الظالمين».

«هر آینه دوری از رحمت خدا برای قوم ستمگران است».

و جبرئیل صدا می‌زند:

«نزدیک شد ظهور مهدی پسر حسن».<sup>(۲)</sup>

۱- نجم: ۵۷.

۲- بخشی از علایم حتمی و ظهور حضرت مهدی علیه السلام در صفحه ۸۸ به بعد نیز آمده است.

و اجداد آن حضرت را تا علی بن ابی طالب علیه السلام برمی شمرد.  
 ندای دیگر جبرئیل این است که:  
 «الحق مع علی و ذریته».  
 «حق با علی و فرزندان علی علیه السلام است».

این قسم ندهاها به عربی است لکن هر کس به زبانی که به آن سخن می گوید [آن را] می شنود و به هر گوشی [این ندا] طبق لغت خودش می رسد.

۸- ظاهر شدن سر و سینه در خورشید  
 از نشانه‌های حتمی الوقوع که حتماً باید واقع شود تا حضرت مهدی علیه السلام ظهور کند، «پیدا شدن سر و سینه در خورشید» است. سر و سینه و کفی در قرص خورشید پیدا می شود و از آن صورت صدا بلند می شود که حق با علی و فرزندان اوست.  
 از علایم حتمی دیگر، گرفتن آفتاب در پانزدهم رمضان و گرفتن ماهتاب در آخر ماه است، برخلاف قواعد علم نجوم، این خسوف و کسوف واقع می شود.

علایم دیگر ممکن است واقع شود  
 علامات متعدّد دیگری نیز ذکر شده که تدریجاً واقع می شود و بسیاری از آن واقع شده است. آنها از علایم حتمی نیست؛ یعنی

ممکن است در آن «بدا» واقع شود. (۱)

در بحار الأنوار (۲) و نجم الثاقب حاجی نوری و دارالسلام نیز - که به فارسی نوشته شده - درباره علایم غیر حتمی مشروحاً بحث شده است و راستی سزاوار است علاقه‌مندان از این کتابها بهره ببرند.

نتیجه تحقیق

در این تحقیق نشان داده شد که در این زمانها که نشانه ظهور است

از این نشانهها

در این زمانها که نشانه ظهور است

در این زمانها که نشانه ظهور است

در این زمانها که نشانه ظهور است

در این زمانها که نشانه ظهور است

۱ - «بدا» به معنی «آشکار شدن» و در اصطلاح، «دگرگونی مقدرات» را گویند و به تعبیر دیگر، «آنچه باید واقع شود، نشود و آنچه بنا بود واقع نشود، بشود». از ضروریات مذهب شیعه مسأله «بدا» است که از آیه شریفه: ﴿يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ...﴾ استفاده می‌کنند؛ یعنی خدا هر چه را بخواهد (از مقدراتی که فرموده) محو و آنچه را بخواهد ثبت می‌فرماید.

البته اشکالاتی به این مسأله شده و شبهاتی پیش می‌آید که در ضمن سوالات ۸۲ پرسش از شهید آیه الله دستغیب مطرح شده و با پاسخهای کافی و شافی آن بزرگمرد، مکرر به چاپ رسیده است. برای دانستن این مسأله به کتاب ۸۲ پرسش مراجعه فرمایید.

## زمین خالی از حجت نیست

﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ  
الصَّالِحُونَ﴾. (۱)

از مطالب مسلم که در مذهب شیعه ضروری است و علاوه بر  
برهانهای عقلی که بر آن اقامه شده دلیلهای نقلی و روایات متعدد نیز  
رسیده این است که از ابتدای آفرینش تا قیام قیامت، هیچ وقت زمین  
از حجت خدا خالی نیست، خواه [از] پیغمبر، یا وصی او؛ یعنی امام.  
اگر زمین از حجت خالی بماند، دستگاه آفرینش بهم می خورد.

## کشاندن بندگان به سوی خدا

زیرا غرض از «آفرینش»، کشانیدن بندگان به سوی خداوند است  
و لازمه آن وجود حجت الهی می باشد. اگر پیغمبر یا امام نباشد که  
خلایق را به سوی خدا سوق دهد، نقض غرض می شود؛ یعنی وقتی



راهنمای الهی در میان خلق نباشد، مردم رو به گمراهی و شهوات می‌روند و از معنویات و روحانیّت باز می‌مانند، حجّت الهی هم بر آنها تمام نیست، دنیا را یک پارچه شهوات و مادّیات فرا می‌گیرد.

### اوّل امام، سپس مأموم

لذا [معصوم] فرمود:

«اگر روی زمین بیش از دو نفر وجود نداشته باشد، یکی از آنها امام [است؛ حجّت خدا] و دیگری مأموم [و پیرو] است.»<sup>(۱)</sup>

هنگامی که خداوند می‌خواهد خلایق را بیافریند، نخست [حضرت] آدم، نماینده و خلیفه خود را می‌آفریند، آنگاه از نسل او آدمیان را. نخست باید راهبر و راهنما معین شود، سپس کسانی که برای رو به خدا آمدن و سوق الی الله آفریده می‌شوند، ابتدا باید مدیر و مدبّر مشخص گردد، بعد دستگاه.

از نسل اوّل تا زمان خاتم الأنبياء رشته نبوّت و امامت متصل بوده است. هر کس شرح مفصّل آنرا مایل است، به کتاب اثبات الوصیّه مسعودی - علیه الرحمه - مراجعه نماید.

### اتّصال امامت [به روز] قیامت

از رسول خدا ﷺ تا حجّة بن الحسن العسکری علیه السلام نیز در دین

مقدّس اسلام مشخص است و تا قیام قیامت این امامت متصل است. هیچ وقت امام از دنیا نمی‌رفت مگر این‌که امام پس از خودش را تعیین کرده بود. در کتابهای روایت این معنی از مسلمیات است.

هر یک از امامان ما نص صریح درباره جانشین خود داشته‌اند به ویژه حضرت مهدی علیه السلام که از انبیای گذشته و از خاتم الانبیاء و هر یک از آباء عظامش بر امامتش و خاتم الأوصیاء بودنش، روایات متعدّد رسیده است و همه مژده به آمدن آن آقای دادند که وعده الهی به دست او انجام می‌گیرد که غیر از گوینده: لا إله إلا الله محمد رسول الله صلی الله علیه و آله نباشد؛ آن وعده‌ای که خدا به همه انبیا داده که روزی زمین را از لوث شرک، پاک می‌کنیم و زمین را به بندگان صالح می‌سپارم،<sup>(۱)</sup> عملی شدنش به دست حجة بن الحسن علیه السلام است، فسق و فجور از زمین ریشه کن می‌شود و جز خیر و خوبی، عدل و احسان نمی‌ماند. این‌که شهوترانی، حرص و حسد، کینه و بخل کنار می‌رود و جایش معنویت و روحانیت قرار می‌گیرد، در آن زمان است.

### بی نیازی به برکت نور ولایت

زمان عجیب و بی نظیری است چنان‌که همه انبیا و اولیا انتظار مقدمش را می‌کشیدند و آرزوی درک چنین زمانی را داشتند.

۱ - ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ انبیاء: ۱۰۵.

از جمله اموری که در زمان حضرت واقع می‌شود، به برکت نور ولایت، بی‌نیازی نصیب مؤمنین می‌شود؛ یعنی چنان دلشان روشن می‌گردد که ظلمت «حرص» از آنها بیرون می‌رود، هر کس که خوراک معمولی خودش را داشته باشد، دیگر حرص نمی‌زند و خودش را نیازمند نمی‌بیند.

### خوشی به برکت قناعت

مروی است:

«کسی که می‌خواهد زکات واجبش را بپردازد، به دنبال مستحق می‌گردد؛ جار می‌زند؛ اعلان می‌کند، تا یک هفته عقب نیازمند می‌گردد؛ اما کسی پیدا نمی‌شود که زکات او را بگیرد.» (۱)

چون به برکت نور علم و ولایت، همه خود را بی‌نیاز می‌بینند لذا قانع‌اند و راستی [که] قناعت به آنچه خدا عنایت فرموده است، موجب دلخوشی می‌شود و روزگارشان را به خوشی می‌گذرانند؛ چه روزگار مبارکی است!

### وسایل سریع در خدمت امام زمان علیه السلام

خداوند، حجة بن الحسن علیه السلام را برای آن زمان خاص، ذخیره فرموده است تا مقتضیات ظهورش فراهم گردد و مردم استعداد درک

آن وجود مقدّس را داشته باشند.

حسب روایات شریف و مستفاد از اخبار آن است که:

«خداوند برای پیشرفت ظاهری آن حضرت، وسایل سریعه را در اختیار او قرار می دهد که مقدمات آن از ماشین و هواپیما فراهم شده است و به سرعت نور، عدل را در جهان می گستراند به قسمی که دیگر جنگ و نزاع پایان می پذیرد و حتی حیوانات متضاد، دیگر با هم درگیری ندارند».

### مهدی به اتفاق مؤرخین حجة بن الحسن [علیه السلام] است

آن بزرگوار که مژده آمدنش را پیغمبران و امامان داده اند و خصوصیات زمان پربرکتش را نقل کرده اند، به اتفاق بسیاری از مؤرخان و راویان، شخص حجة بن الحسن العسکری [علیه السلام] است.

ابن صباغ مالکی در کتاب فصول المهمه اش، گنجی شافعی در کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان، حافظ ابونعیم در کتاب اربعین و محی الدین اعرابی در کتاب فتوحات مکیه اش مخصوصاً تصریح می نمایند که آن حضرت، محمد بن الحسن بن حسین بن علی ابن ابی طالب علیهم الصلاة والسلام می باشد.

حاجی نوری در کتاب النجم الثاقب، نام علمایی که درباره آن حضرت، تألیفات دارند را ذکر کرده است.

### تولد مهدی مطابق کلمه نور

آن بزرگوار بنا بر اشهر، در سال ۲۵۶ هجری قمری متولد گردید که به حساب ابجد، تاریخ تولدش مطابق با کلمه «نور» می شود. پدرش حضرت امام حسن عسکری علیه السلام او را مخفی داشت مگر نزد خواص اصحابش. پس از فوت (و شهادت) آن حضرت، معتضد خلیفه عباسی جاسوسهایی به خانه آن حضرت فرستاد تا اگر فرزندی از آن جناب باشد، دستگیر سازند، در همان روز، حضرت از انظار غایب گردید و هر چه گشتند او را نیافتند.

در مدت ۷۴ سال غیبت صغری، چهار نفر به عنوان نایب خاص آن حضرت، معین شدند که قبلاً (در همین مجموعه) تذکر داده شد. (۱)

### ملاقات با مهدی علیه السلام در زمان غیبت

دیدن حضرت حجت در زمان غیبت کبری تا خود آن حضرت نخواهد، محال است، مگر این که خود حضرت صلاح بداند خودش را به کسی نشان بدهد، یا بشناساند و گرنه غیر ممکن است، البته بزرگان و صالحانی بوده و هستند که به این فضیلت و شرافت مفتخر شده و می شوند.

آنچه مسلم است [این است که در عصر غیبت] کسی به عنوان

سفارت و نیابت خاص از طرف آن حضرت، با ایشان ملاقات نخواهد کرد و هرکس دعوی چنین ملاقاتی را بکند، دروغگوست، امّا برای مصالح متعدّد و از آن جمله اعتقاد بیشتر اهل تقوا و شیعیان آن حضرت برای بزرگانی در هر زمان، این سعادت پیش می‌آید. (۱)

### نور ولایت در شب تار، نورافشانی می‌کند

از جمله کسانی که در اوایل غیبت کبری به این سعادت نایل شدند **علی بن مهزیار اهوازی** است. این حکایت را بحارالانوار، کمال‌الدین صدوق و الغیبه شیخ طوسی ذکر کرده‌اند. ابن مهزیار از طایفه‌ای است که آبا و اجدادش با اهل بیت علیهم‌السلام ارادت خاصّی داشتند و همه پیروان ولایت بودند.

### مشرف شدن جدّ علی بن مهزیار به خدمت امام هادی علیه‌السلام

جدّش خدمت حضرت هادی علیه‌السلام مشرف می‌شد. شبی در بیابان تاریک، جهت پیدا کردن آب برای وضو می‌گشت، ناگهان از مسواکی

۱ - در کتاب داستانهای شگفت، اثر کم نظیر شهید محراب آیه الله دستغیب رحمته‌الله داستانهای واقعی متعدّدی از این قبیل بزرگان در زمان حاضر نقل شده است که توسط حضرت مهدی علیه‌السلام چه بیمارهایی که شفا یافتند و چه درماندگانی که رفع گرفتاری‌شان گردید و چه حاجتمندانی که نیازشان برآورده شد و راستی همان‌طور که آن شهید در مقدمه‌اش نوشته این کتاب برای زیادتی ایمان به غیب و امید به خدا و توسّل به اهل بیت علیهم‌السلام بسیار نافع و مفید است.

که در دست داشت، نوری تابید و منظرهٔ آب را به وسیلهٔ این نور، پیدا کرد. نخست وحشت کرد، بعد متوجه شد این نور، طوری نیست که سوزش داشته باشد، وضوگرفت و نمازش را خواند و پس از مدتی آن نور خاموش گردید. وقتی خدمت حضرت هادی علیه السلام رسید، جریانش را گفت و سؤال کرد:

«این نور چه شد؟»

حضرت فرمود:

«این نور ولایت ما اهل بیت می باشد.»

غرضم ابن مهزیار پسر زادهٔ چنین بزرگواری است که ولایت را به ارث از آبایش برده است.

### بیست سال سفر مکه به شوق دیدار مهدی علیه السلام

پس از آنکه غیبت کبری شد، ابراهیم، یا علی بن مهزیار بیست سال از خودش سلب آسایش کرد و همه ساله مکه مشرف می شد. از نخستین افرادی بود که به مکه می آمد و از آخرین افرادی بود که از مکه خارج می شد؛ چون می دانست که ولّی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - هر ساله در مراسم حج مخصوصاً در موقف عرفات، حضور خواهد داشت. تمام شوقش در این بیست سال دیدار آن حضرت بود.

کوشش بسیار نمود، تضرع زیاد کرد، به درگاه خدا نالید، پس از

بیست سال، شبی در خواب به او گفتند امسال به حج برو که به مقصد خودت می‌رسی.

بیدار شد و وسایل سفر را آماده کرد. به کوفه رفت و از آنجا راهی مدینه و سپس مکه گردید.

شبی قبل از تاریک شدن هوا در حال طواف، جوان زیبایی را دید که نورعبادت از پیشانی اش آشکار است و دو حله سفید پوشیده است، به ابن مهزیار رسید و با هم مصافحه کردند. از ابن مهزیار پرسید: «اهل کجایی؟».

گفت: «اهواز».

پرسید: «از ابن خضیب<sup>(۱)</sup> چه خبر داری؟».

ابن مهزیار گفت: «فوت شده».

او سه مرتبه فرمود: «رحمت خداوند بر او باد! چه شبهایی که بر می‌خواست و رو به درگاه خدا می‌آورد، رحمت خدا بر او باد!».

آنگاه پرسید: «از ابن مهزیار چه خبر داری؟».

گفت: «من هستم».

فرمود: «تویی؟».

ابن مهزیار گفت: «آری».

فرمود: «امانتی که از ابامحمد حسن العسکری علیه السلام باقی مانده، کو؟».

---

۱ - وی از مخلصان اهل بیت علیهم السلام و مردی مجتهد، سحرخیز و شب

زنده‌دار بود.



انگشتی که به ارث به او رسیده بود به آن بزرگوار داد، او آن را بوسید و گریه کرد. آن وقت فرمود:

«رستگار شدی! به چه قصد آمدی؟».

ابن مهزیار گفت: «بیست سال است به امید دیدار امام محجوب (در حجاب غیبت) می آیم».

او فرمود: «امام که محجوب نیست، شما محجوب هستید، اعمال بد شما باعث شده که از او محجوب شوید».

آن وقت فرمود: «به من اذن داده شده که تو را خدمت امام برسانم. امشب وقتی که ستارگان کاملاً روشن شدند، نزد کوه صفا بیا تا تو را خدمت آن حضرت ببرم».

گوید: «آن جوان، سر موعد آمد، همراه آن بزرگوار به راه افتادیم. مقداری از پستی و بلندیها گذشتیم. فرمود: وقت سحر و موقع نماز شب است. دو نفری ایستادیم و نماز شب خواندیم، باز حرکت کردیم. طلوع فجر طالع گردید، فرمود: پیاده شو، نماز صبح را اول وقت بخوانیم.

سپس حرکت کردیم و به یک وادی رسیدیم که نور از دور ساطع بود و بوی مشک و عطر به مشام می رسید. وسط وادی، خیمه ای بر پا بود که از آن نور به آسمان بر می خاست، این جا که رسیدیم فرمود: پیاده شو و مرکب را رها کن، این جا وادی امن است.

مقداری که نزدیک شدیم، فرمود: این جا بایست تا برایت اذن

دخول بگیرم. رفت و برگشت و گفت: موفق به هر خیری شدم.  
 دامن خیمه را بالا زدند، نور چهره مبارکش چشمم را خیره کرد.  
 نزدیک بود مدهوش شوم. عرض ادب و ارادت کردم. حضرت احوال  
 شیعیان عراق را پرسید و فرمود: من در گوشه و کنار - که آبادی و رفت  
 و آمد مردم نباشد - زندگی می‌کنم. (۱)  
 همیان زر را تقدیم امام علیه السلام می‌کند. می‌فرماید: «ما را احتیاجی  
 نیست، خودت بردار که به آن نیاز پیدا می‌کنی» و همین‌طور هم شد.

## مژده آمدن [حضرت] مهدی علیه السلام در کتب آسمانی

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ  
الصَّالِحُونَ» (۱)

مسأله امامت و خلافت امام دوازدهم حضرت مهدی علیه السلام و غایب شدن و سپس ظاهر شدن و جهان را پر از عدل کردن او به قدری مهم است که در کتابهای آسمانی از آن خبر داده شده و پیغمبران گذشته، امتهای خود را مژده می دادند که در آخر الزمان، آقایی که داعی الهی است، ظهور می کند و جز اهل صلاح، کسی بر زمین باقی نمی ماند. در آیه شریفه ای که تلاوت شد، صریحاً می فرماید:

«در زبور نوشتیم که زمین را بندگان صالح من وارث می گردند».  
در این آیه از زمان مهدی علیه السلام خبر می دهد که زمین یک پارچه عدل و داد است و دیگر از کفر و فسق و فجور، خبری نیست.

در صحف ابراهیم، تورات موسی، انجیل عیسی و چند جای قرآن مجید از این جریان، خبر می دهند:

«و اراده کردیم به کسانی که در زمین مستضعف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوایان قرار داده و وارثین شان گردانیم.» (۱)

### مفاسد اخلاقی از بشر بر داشته می شود

خداوند وعده فرموده است که زمین را پر از عدل و داد کند و جمیع ملل عالم را خیردار کرده است که این کره زمین، عاقبت به خیر خواهد شد. غیر از مؤمن صالح بر روی آن نخواهد بود. ظلم و جور، فساد و نفاق، حسد و کینه دیگر باقی نمی ماند.

مروی است:

«از ابتدای آفرینش بشر که قایل بر هابیل حسد برد و او را کشت تا زمان ظهور حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام این مرض در میان بشر خواهد بود.»

اما با ظهور حضرت، به قدری علم قوی و ایمان، محکم می گردد که در [هیچ] دلی، ذره ای کینه و حسد نمی ماند؛ همه برادروار می گردند، مثل اعضای یک بدن، به درد هم می خورند و با هم

---

۱ - «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» قصص: ۵.

دوستی می‌ورزند، لذا برکات ظاهری نیز بر آنها نازل می‌شود و به برکت حضرت، و فور نعمت به حدّ نهایت می‌رسد از آن جمله

### زمین گنجهایش را بیرون می‌ریزد

حسب روایاتی که در این زمینه رسیده:

«زمین گنجهایش را بیرون می‌دهد و نمی‌ماند گنجی در جوف زمین مگر این که آن را بیرون می‌ریزد»<sup>(۱)</sup>

آری، زمانی که نور حجة بن الحسن علیه السلام جهان را اداره می‌کند،<sup>(۲)</sup> بشر مستغنی می‌شود، هر جا برود، نور مهدی علیه السلام است، مثل سایر زمانها نیست، قطعه‌ای خاص از زمان است که خداوند چنین اراده فرموده است.

### نیروی قوای بدنی در زمان مهدی علیه السلام

مروی است که:

«در آن زمان، جمیع قوای بدن افراد، تغییر می‌کند، چشم و گوش قوی می‌شود، به قدری بینایی قوی می‌شود که تا چهار فرسخ را به آسانی می‌بیند و اگر حضرت حجة بن الحسن علیه السلام بر سر چهار فرسخی، سخن بفرماید، گوشها می‌شنوند و چشمها جمالش را می‌بینند»<sup>(۳)</sup>

۱- الارشاد: ۲ / ۳۸۱.

۲- ﴿وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...﴾ زمر: ۶۹.

۳- بحار الأنوار: ۵۲ / ۳۳۶.

نسبت به قوای بدنی مثل دست و پا مروی است که:  
 «به قدری قوی می شوند که کوهها را با دست جدا می کنند» (۱)  
 راستی که حقیقت بهشت در روی کره زمین در آن زمان تحقق  
 پیدا می کند. بی خود نیست که انبیا و اولیا آرزوی چنین ایامی را  
 می کردند و برای تعجیل آن دعا می نمودند.

### دعای امام صادق علیه السلام در تعجیل فرج

در کتاب اقبال، سید بن طاووس از جناب محمد بن مسلم روایت  
 می کند که گفت:

«شب قدر (بیست و سوم ماه مبارک رمضان) رفتم خدمت حضرت  
 صادق علیه السلام تا احیا به عبادت را در خدمت حضرت بگذرانم. از اول  
 شب تا آخر، حضرت دعا و نماز می خواند، من هم پشت سر آقا بودم،  
 هرکاری می کرد، من هم می کردم. پس از نماز صبح، حضرت دعایی  
 طولانی با حالت تضرع خواند از آن جمله در ضمن دعا چنین خواند:  
 خدایا! شتاب کن در فرج کسی که به فرج او برای دوستانت گشایش  
 است. (۲) پس از آن پرسیدم: آقا! او کیست؟

فرمود: فرزند زاده من، نام او نام جدّم؛ یعنی خاتم الانبیاء  
 محمد صلی الله علیه و آله مهدی موعود است که در زمان او عدل برپا می گردد، ظلم

۱ - بحار الأنوار: ۵۲ / ۳۰۸.

۲ - اللهم عجل فی فرج من بفرجه فرج اولیائک.

و جور، فسق و فجور از بین می رود».<sup>(۱)</sup>  
 لذا در هر حال، در شب بیست و سوّم مستحب است دعای فرج  
 حضرت ولی عصر علیه السلام خوانده شود.<sup>(۲)</sup>

### ثواب شهادت برای منتظران مهدی علیه السلام

باید شب و روز چشم به راهش بود، همان طور که شیوهٔ اختیار  
 و ابرار بوده است. اگر کسی جداً آرزوی ولی عصر علیه السلام را داشته باشد  
 و به این آرزو بمرسد، مثل این است که در خیمهٔ ولی عصر است.<sup>(۳)</sup>  
 کسی که با این تمناً بمرسد، مثل کسی است که در راه خدا در  
 رکاب ولی عصر شهید شده است.

### جای شبهه برای کسی نمانده است

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمهٔ هدی - علیهم الصلوات و السلام - به قدری  
 دربارهٔ آن حضرت سخن فرموده اند و در مکانهای متعدّد و به  
 مناسبتهای مختلف دربارهٔ مهدی علیه السلام بیان فرموده اند که جای شبهه ای

۱ - اقبال الأعمال: ۱ / ۳۶۸ و ج ۲ / ۲۹.

۲ - اللهم کن لولیک حجّة بن الحسن صلواتک علیہ و علی آبائہ فی هذه  
 الساعة و فی کلّ ساعة و لیلاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دليلاً و عیناً حتّی تسکنه  
 أرضک طوعاً و تمّته فیها طویلاً (مفاتیح الجنان / اعمال شبهای دههٔ آخر  
 ماه رمضان).

۳ - منتخب الأثر: ۴۹۸.

برای کسی باقی نمانده است؛ اسمش را بیان فرمود که هم اسم من است (م ح م د) و کنیه اش کنیه من یعنی ابوالقاسم است و فرمود: نهمین فرزند این حسین علیه السلام است و اشاره به حضرت ابی عبدالله الحسین کرد، «یملأ الأرض قسطاً وعدلاً بعد ما ملئت ظلماً وجوراً». (۱) «زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد پس از آن که پر از ظلم و جور شده باشد».

خصوصیاتش را بیان فرمود به قسمی که هیچ گونه ابهام و اجمالی در کار نباشد از آن جمله:

#### اصحاب مهدی، به عدد اصحاب پدر

عدد اصحابش را ۳۱۳ نفر بیان می فرماید، البته این افراد نخستین هستند و بعداً [عده ای هم] به آنها ملحق می گردند به عدد اصحاب پدر در رکاب خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله. و این هم لطیفه ای است که یاران نخستین اسلام و کسانی که در ابتدای ظهور اسلام در رکاب پیغمبر صلی الله علیه و آله حاضر به فداکاری شدند، به همان تعداد در رکاب فرزندش مهدی علیه السلام نیز برای تجدید حیات اسلام و اجرای احکام قرآن، جمع گردند.

#### ظهورش از مکه و ملائکه یارش می باشند

محل ظهورش از مکه معظمه خواهد بود و سلطنتش عالمگیر



می شود و حکومتش تمام کره زمین را فرا خواهد گرفت.  
 هنگامی که ظهور می فرماید، جبرئیل طرف راستش و میکائیل  
 طرف چپش، اسرافیل در پیش و عزرائیل در عقبش روانند و ملائکه  
 یارانش می باشند.

در این زمینه در کتابهای تألیف شده درباره آن حضرت، زیاد  
 قلمفرسایی شده است.

### رفع حوایج مردم به وسیله نواب اربعه

در زمان غیبت صغری ۷۴ سالی که بود و عرض شد چهارنفر به  
 ترتیب عهده دار نیابت از حضرت بودند: عثمان بن سعید، محمد بن  
 عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمیری که اکنون قبر شریف  
 ایشان در کنار بازار بغداد موجود و مزار می باشد.

در زمان نواب اربعه از اطراف و اکناف، هر کس از شیعیان  
 مطلبی داشت به وسیله نواب با امام علیه السلام تماس می گرفت و رفع  
 مشکلش می گردید.

پس از غیبت کبری و رجوع به علمای عاملین - حسب فرمایش  
 خود امام، به شرحی که قبلاً گذشت - دیگر عذری برای کسی  
 باقی نمی ماند، باید در عبادات و احکام دینی به «فقهای عدول»  
 مراجعه نمایند.

### عمل به احتیاط هم باید به نظر علما باشد

کسی نمی‌تواند بگوید من به علما کاری ندارم و در مسائل شرعی عمل به «احتیاط» می‌کنم، یا خودم رجوع به اخبار می‌کنم و از روایات تکلیفم را می‌فهمم.

باید دانست که فهمیدن تکلیف شرعی از روی روایات و قرآن مجید، کار همه کس نیست، هرچیزی را اهلی است و در هرکاری عقلاً به اهلس مراجعه می‌کنند و در فقه نیز باید به اهل خبره مراجعه کرد. عمل به احتیاط کار هرکس نیست. اصلاً شناختن راه احتیاط را باید خود علما معین نمایند، پس در خود عمل به احتیاط نیز احتیاج به رجوع کردن به علماست، چه بسا [انسان] کارهایی می‌کند و به نظرش خوب و مطابق احتیاط است در حالی که احتیاط در ترک آن کار بوده است، یا کارهایی را ترک می‌کند به خیالش احتیاط کرده در حالی که احتیاط در به جای آوردنش بوده است.

### ۱۱۵۶ حدیث درباره ظهور [حضرت] مهدی علیه السلام

اینک اشاره‌ای هم از علایم حتمی ظهور حضرت بکنم؛ علاماتی که در اخبار از آن یاد شده و مقارن با ظهور آن حضرت است و لازم است همه آن‌را بدانند تا دروغ بودن ادعای مدعیان باطل برایشان واضح تر گردد، قبلاً نیز اشاراتی شده و در ضمن صحبت‌های روز گذشته

از بعضی از [آنها] سخن رفت، اینک به دنباله آن.

از طریق اهل بیت علیهم السلام قریب یک هزار حدیث با سلسله سند امامی مذهب و یک صد و پنجاه و شش حدیث به طریق عامه راجع به علایم ظهور و زمان حضرت حجّت و کیفیت غیبت و ظهور آن حضرت رسیده است و راستی کمتر موضوعی است که این قدر به آن اهتمام داده باشند.

در تعداد علایم حتمی، مختلف ذکر شده: ده، نه، هفت و پنج علامت نیز ذکر کرده اند.

### صیحه آسمانی در ماه رجب و رمضان

از نشانه های حتمی، صیحه آسمانی در ماه رجب است که سه مرتبه صدا از آسمان بلند می شود: «أَزَقَّتِ الْأَرْقَةُ»<sup>(۱)</sup> به طوری که همه می شنوند.

دیگر در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، منادی در آسمان ندا می کند:

«موقع ظهور مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است.»<sup>(۲)</sup>

نیست کسی که این ندا را نشنود، هر کس به زبان و لغت خودش آنرا می شنود، از آسمان، اعلان ظهور حضرت بلند می شود.

### هیاهوی سفیانی پانزده ماه است

از علایم حتمی قبل از ظهور - که قبلاً نیز اشاره شد - «خروج سفیانی» است. پانزده سال قبل از ظهور حضرت حجة بن الحسن علیه السلام سفیانی ظاهر می‌گردد؛ اسمش عثمان و اسم پدرش عنبسه است. نسبش هم به یزید بن معاویه می‌رسد. در وادی «یابس» حدود شام، آشکار می‌گردد. خیلی زشت روست. آبله رو و یک چشمی (اعور) است. سرش بزرگ و به اندازه سرگاو است.

سه شبانه روز در مدینه همچون جدش یزید، قتل و غارت می‌کند، از حضرت مهدی علیه السلام تجسس می‌کند تا این‌که در بیابان پیدا لشکریانش به زمین فرو می‌روند. مدت سلطنتش شش ماه است و هیاهو و فتنه‌اش پانزده ماه می‌باشد.

### دجال، ساحری شوم

از دیگر علایم حتمی الوقوع، «خروج دجال» است. در کتاب بحار الأنوار تفصیلش را ذکر کرده است.<sup>(۱)</sup> به طور مجمل، انسانی است مهیب و به حسب خلقت، یک چشم بیشتر ندارد و جای چشم دیگرش صاف است نه این‌که کور است بلکه جای چشم دیگرش پوست است. آن یک چشم هم در پیشانی‌اش قرار گرفته است و در

داخل چشمش قطعه خونی نمایان است. دجال، ساحری ماهر و شوم است؛ از جمله سحرهایش نشان دادن آب و نان به مردم است، انواع نمایشات به همراه دارد که به هر نقشی، عده‌ای را می‌فریبد.

### اهل ایمان را نمی‌تواند بفریبد

هر کافر، منافق و ضعیف‌الایمانی، پیرو دجال می‌شود، اما مؤمن فریب او را نمی‌خورد. و در روایت چنین رسیده که:

«مؤمن تا به دجال می‌رسد، سوره‌ای از قرآن را می‌خواند و آب دهان به صورتش می‌اندازد و رد می‌شود. شرّ و سحر او به اهل ایمان ضرری نمی‌زند و کارگر نخواهد بود.» (۱)

البته کسی که تکیه‌اش به خداست، هیچ‌کس نمی‌تواند ضرری به او بزند مگر آن که خدا مقدرش فرموده باشد و آنچه هم خدا مقدر بفرماید، خیر شخص در آن است.

### عیسی علیه السلام در رکاب مهدی علیه السلام

در کتاب صحیح بخاری، صحیح مسلم، مسند ابی داوود و غیر اینها از کتب معتبر عامّه روایت از رسول خدا نقل نموده‌اند که هنگام ظهور حجّه بن الحسن علیه السلام، عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان نازل می‌شود

و عقب سر امام زمان علیه السلام نماز می خواند، فرمود:

«چگونه اید شما (مسلمانان) هنگامی که عیسی بن مریم در میان شما به نماز ایستاده در حالی که امام جماعت شما مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله است.» (۱)

همچنین فرمود:

«گمراه نشود امتی که اولش من و آخرش مهدی و وسطش عیسی است.» (۲)

در روایت صحیح دیگر است که:

«عیسی علیه السلام دست حضرت مهدی علیه السلام را می گیرد (و با آن حضرت بیعت می نماید) حضرت به او می فرماید: جلو بایست (تا با تو نماز گذاریم)، عیسی علیه السلام عرض می کند: شما به امامت سزاوارترید.» (۳)

### تبلیغات فرقه ضالّه در دهات

مخصوصاً در علایم حتمی ظهور امام زمان تأکید نمودم تا صدای من به گوش بی خبران برسد، مخصوصاً در دهات که کمتر با کتاب و مجالس و عظ و علما سر و کار دارند، لذا فرقه ضالّه هم بیشتر تبلیغاتش را در این دهات می کند، البتّه من و شما هم مقصّریم، باید افراد کتاب خوان و جوانان متعهد برومند، این حقایق را نشر دهند و به

۲ - بحار الأنوار: ۵۱ / ۸۵.

۱ - بحار الأنوار: ۵۱ / ۸۸.

۳ - منتخب الأثر: ۴۷۹.

گوش این بیچاره‌های بی‌خبر برسانند و کتابهای مناسب درباره حضرت مهدی علیه السلام منتشر نمایند. [همچنین] به اینها برسانند که هیچ یک از علایم حتمی ظهور آقا هنوز واقع نشده است. (۱)

### ابو راجح حمامی و عمر دوباره

ختم کنم عرایضم را به ذکر معجزه‌ای از حجة بن الحسن علیه السلام که در حله واقع گردید؛ داستان «ابو راجح حمامی» - که مشروحاً در بحار الأنوار، کتاب کشف الغمّه و غیره ذکر گردیده - بنده به‌طور اجمال و خلاصه آنرا عرض می‌کنم:

«ابو راجح حمامی از شیعیان مخلص اهل بیت در حله و از ارادتمندان حضرت ولی عصر - عجل الله تعالی فرجه الشریف - بود. به واسطه جریانی، مورد غضب حاکم حله واقع گردید. وی دستور داد او را به [قدری] بزنند تا بمیرد. به سختی او را زدند؛ تمام دندانهایش ریخت و سرتاپایش زخم گردید، آن وقت گفت: دماغش را سوراخ کردند و بندی از مو در آن کردند، سپس گفت: بدن نیمه جانش را در کوچه و بازار بکشند، در اثنای راه به حال مرگ افتاد، حاکم گفت: همان جا او را بکشید.

عده‌ای جمع شدند و گفتند: این بیچاره خودش در حال مرگ است، چکارش دارید، بگذارید خودش بمیرد و بالأخره او را رها

---

۱ - البته غیر از انقراض سلسله خلفای عباسی که سالها پیش رخ داده است.

کردند و همه منتظر مرگش بودند. خانواده‌اش خبردار شدند و بدن نیمه جان و در حال مرگش را به خانه آوردند. بامداد ملاحظه کردند ابو راجح بر روی سجاده نشسته صحیح و سالم سرگرم تعقیب نماز است.

اطرافش را گرفتند [و گفتند: جریانت چیست؟ بدنش مثل نقره فام شده از آثار زخم دیروز اصلاً خبری نبود، دهان و دندانهایش در کمال سلامتی است، بسیار زیبا و جوان شده است.

گفت: دیشب در همان حال بیچارگی خواستم به حجّه بن الحسن علیه السلام استغاثه کنم، دیدم زبان ندارم، دلم شکست، با دل شکسته به مولایم توجه کردم که دیدم هوا منور گردید و آقا تشریف آوردند و با دست مبارک خود، سر تا پای بدن من کشیدند و مرا شفا دادند.

ابو راجح آبله رو هم بود، ولی پس از این ماجرا صورتش صاف و بسیار زیبایمی‌گردد به قسمی که اهل حلّه مرتباً برای دیدارش می‌آمدند. خبر به حاکم دادند، از رعب بر خود لرزید و توبه کرد و از این به بعد رو به مقام مهدی علیه السلام <sup>(۱)</sup> مؤدّب می‌نشست.

خداوند علاوه بر عمر دوباره که به ابو راجح داد، چندین فرزند ذکور نیز به او عنایت فرمود». <sup>(۲)</sup>

---

۱ - مقام مهدی علیه السلام هم اکنون در حلّه عراق موجود است و محلّ زیارت و عبادت اختیار می‌باشد.

۲ - بحارالأنوار: ۷۰/۵۲.



### منافع امام غایب کدام است؟

خلاصهٔ بحثهای گذشته دربارهٔ مهدی علیه السلام این شد که مصلحت<sup>۱</sup> الهی اقتضا می نمود امام دوازدهم مدّتی از انظار، غایب بماند و پس از مدّت معلوم نزد پروردگار، او را آشکار سازد و زمین را از ستم پاک سازد و خداپرستی را رایج فرماید و هر کس هنگام ظهور امام زمان را معین کند، دروغ گفته است و این دانش ویژه خداوند است.

همچنین پس از غیبت صغری دیگریابت خاص تمام شده و هر کس به عنوان سفارت و نیابت از آن حضرت، دعوی دیدن حضرت را بکند و پیغام آقا را به این و آن برساند، او نیز دروغگوست. اما مطالبی که باید اکنون عنوان شود، فایدهٔ امام غایب است در زمان غیبت کبری، چگونه خلق از او بهره می برند در حالی که او را نمی بینند و نمی شناسند؟

## ۱- کتب روایی؛ یادگار ائمه علیهم السلام

اولاً: نسبت به تکالیف بندگان، آنان را سرگردان نگذاشتند و همان‌گونه که مشروحاً گذشت، شیعیان را به «فقهای عدول» حواله فرمودند.

دیگر آن‌که: کتب اخبار که یادگار ائمه هدی علیهم السلام است در میان ما است که اهلش می‌توانند از آنها بهره‌های کافی ببرند. نیست مشکلی مگر این‌که پاسخش را در کتابهای روایت می‌توان یافت.

در رشته‌های مختلف دینی، در باب اصول عقاید و مشکلاتی که ممکن است پیش بیاید، انواع شبهات را پاسخ فرموده‌اند. این همه روایت رسیده است که در کتابهای احتجاج - که بزرگان دین ما [آنها را] تألیف کرده‌اند - معظمی از آنها نقل شده است.

## ۲- نزول رحمتها و دفع بلاها

اما منافع وجود مبارکش قطع نظر از حضور یا غیبتش را نباید از نظر دور داشت. اصلاً وجود امام علیه السلام موجب نزول رحمت‌های الهی و واسطه در فیض است. هر خیری به هر کس که می‌رسد، به برکت و به واسطه آقاست و برکات عمومی نیز به واسطه اوست. همان‌طوری که هر بلایی از هر کس دفع می‌شود، یا بلاهای عمومی که مرتفع می‌گردد، آن هم به شفاعت و به واسطه آن بزرگوار است، چه حاضر باشد یا غایب.

از حیث روایت، نخستین کسی که این پرسش را نمود جناب «جابر بن عبدالله انصاری» بود.

### فایده آفتاب از پشت ابر

جابر از صحابه خاص رسول خدا ﷺ است. پس از آن که پیغمبر ﷺ خبر داد که وصی دوازدهمین من دارای دو غیبت است؛ غیبت صغری و غیبت کبری و خلق از دیدارش محرومند، جابر پرسید: «یا رسول الله ﷺ! آیا مردم در زمان غیبتش از او بهره می‌برند؟».

[حضرت] فرمود:

«قسم به خدایی که مرا به پیغمبری برگزید! همه مردم از وجودش بهره می‌برند مانند بهره بردنشان از آفتاب در روز ابری».<sup>(۱)</sup>

این تشبیه رسول خدا ﷺ است که پرده غیبت را همچون ابر در برابر نور افشانی آفتاب ذکر می‌فرماید. در روز ابری، درست است که خورشید نمایان نیست ولی روشنی که هست، مردم از دیدن قرص خورشید محرومند ولی منافعش به آنها می‌رسد.

نکته دیگر، تعبیر به «استفاده همه مردمان» می‌فرماید؛ چه مؤمن و چه کافر؛ چه شیعه و چه سنی، همه از وجود مبارکش بهره‌مند می‌گردند که واسطه در فیض بودنش هست. نزول رحمتها و دفع بلاها چه شخصی و چه اجتماعی، از برکات وجودی آن بزرگوار است.

### ۳- ایمان به غیب و امتحان مردم

از منافع غیبت امام علیه السلام «امتحان مردم در ایمان به غیب» است. اساس دین، عقیده به غیبت است. در اوّل سوره بقره می فرماید:

«این قرآن، اسباب هدایت برای پرهیزگاران است، آنان که به غیب (و غیبت) ایمان می آورند.»<sup>(۱)</sup>

«ایمان به غیب؛ یعنی: ایمان به چیزی که از حَسّ خارج است.» کسانی که به امام زمان علیه السلام ایمان می آورند با این که او را به چشم نمی بینند بلکه به واسطه آیات و روایات و اخبار بزرگان که به وجود آن بزرگوار خبر داده اند، یقین پیدا می کنند همان طور که نسبت به مبدأ و معاد چنین است، لذا خود این غیبت وسیله ای برای ترقی مؤمنین است تا بهره مند شوند و ایمان محکم و قوی پیدا نمایند.

### ۴- سعی در عبادت و ترک معصیت

از جمله منافع وجود مبارکش، «خودداری مردم از گناه است و روی آوردن به اطاعت حق» به این شرح:

پس از آن که مؤمنین به حکم قرآن مجید باور کردند که اعمالشان به نظر امام زمان می رسد، لذا سعی می کنند گناهی از آنان سر

---

۱- «آلَمْ \* ذَلِكَ أَلْكَتُبُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ \* الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ...» بقره: ۳- ۱.

نزند بلکه در نامه اعمالشان عباداتی باشد که موجب خشنودی  
ولّی عصر گردد.

قرآن مجید می فرماید:

«بگو: عمل کنید، پس به زودی خداوند می بیند کارتان را  
و پیغمبرش و مؤمنین». (۱)  
«مؤمنین» در آیه شریفه - مطابق تفسیری که رسیده - ائمه  
هدی علیهم السلام و امام در هر زمان است.

### ۵- حاجاتی که به برکت آن حضرت روا می شود

از جمله منافع وجودی امام علیهم السلام «قضای حوایج به برکت آن  
بزرگوار» است. خدا داند چه اشخاصی در هر وقت او را میان خود  
و خدای خود واسطه قرار داده و از خداوند به برکت او حاجت خود  
را می طلبند و خداوند نیز حاجتشان را روا می فرماید؛ چه دعاهایی که  
به برکت توّسل به آن بزرگوار، مستجاب می شود.

آنچه در کتب نوشته شده قطره‌ای است از دریای بی پایان  
کرامات آن بزرگوار.

نماز استغاثه به آن بزرگوار، مشهور و مجرب نیز می باشد تا  
شیعیان بهره مند گردند.

قضیه «ابو راجح حمّامی» را عرض کردم که به برکت توّسل به آن

۱ - ﴿وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ...﴾ توبه: ۱۰۵.

بزرگوار، عمر دوباره یافت و خداوند او را جوان و زیبا کرد و چند فرزند پسر نیز به او عنایت فرمود.

قبلاً نیز قضیه‌ای را که صاحب کشف الغمّه نقل نمود و در زمان خودش حدود ۶۳۵ هجری قمری واقع گردید، گفتم، می‌نویسد:

«در تمام عراق این قضیه مشهور شد و آن قضیه اسماعیل بن حسن هرقلی است که در زمان ریاست جناب سید بن طاووس در حله واقع گردید» و خلاصه‌اش گذشت.

### سنت پیغمبران در حضرت حجّت علیه السلام

شیخ صدوق در کتاب کمال الدین و تمام النعمه روایتی به سند صحیح از حضرت سجاد علیه السلام نقل نموده که می‌فرماید:

«در قائم ما؛ یعنی حضرت مهدی علیه السلام سنتی از آدم و نوح و سنتی از ابراهیم و سنتی از موسی و سنتی از عیسی و سنتی از یوسف و خلاصه سنتی از پیغمبران گذشته است.» (۱)

[سپس] هر کدام را ذکر می‌فرماید. (۲)

ما هم در این ایام مبارک، (۳) روایت مزبور را عنوان می‌کنیم.

۱- کمال الدین و تمام النعمه: ۱ / ۳۲۲.

۲- شهید بزرگوار آیه الله دستغیب رضی الله عنه در سخنرانی بعدی - که چند صفحه بعد خواهد آمد - درباره حدیث امام سجاد علیه السلام توضیح بیشتری داده است.

۳- این سخنرانی در تاریخ ۱ / ۱ / ۱۳۳۶ شمسی، مطابق با ۱۹ شعبان

شباهتهایی که در حضرت حجّت از انبیای گذشته است، [به راستی مضمون این شعر لطیف است که می فرماید: «لینبیه انبیا حسن یوسف، دم عیسی ید و بیضا داری آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری

طول عمر شباهتی با آدم و نوح سنتی که از حضرت آدم و نوح در حضرت مهدی علیه السلام است، «طول عمر» است. در میان پیغمبران، حضرت نوح، لقب «شیخ الأنبیاء» دارد؛ یعنی «پیر مرد پیغمبران». پیرترین انبیا ظاهراً ایشان است. حسب نصّ قرآن مجید، مدّت پیغمبری اش پیش از جریان توفان، ۹۵۰ سال بوده است،<sup>(۱)</sup> اما مدّت عمرش از یک هزار و پانصد سال کمتر نوشته نشده است، دو هزار سال نیز نوشته اند.

### دنيا خانه دو در است

مروی است:

«هنگامی که عزرائیل خواست جان حضرت نوح را بگیرد، گفت:

«... بوده و متأسفانه چندین سخنرانی قبل از آن در نیمه شعبان و تولّد حضرت حجّت علیه السلام به دست نیامده امید است نوشته های مزبور پیدا شود و در تجدید چاپ این اثر نفیس از آنها استفاده گردد.

۱ - «... فَلَيْتَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ...»

عنکبوت: ۱۴. «ولمّا آتاه الله الموتى بعد منة منة من أنبياء»

ای شیخ الانبیاء! ای کسی که عمرت از همه پیغمبران بیشتر بوده است! دنیا را چگونه یافتی؟ فرمود: دنیا را چون خانه‌ای دو دریافتم که از یک در وارد شدم و از در دیگری می‌خواهم خارج گردم». (۱)

### کیفیت خانه حضرت نوح علیه السلام

در حالاتش نیز ذکر کرده‌اند: «خانه‌اش کوخی بوده به طوری که وقتی در خانه‌اش می‌ایستاد، سر و گردنش بیرون بود؛ یعنی به اندازه قامتش هم نبود». (۲)

### اصحاب کهف مؤید طول عمر مهدی علیه السلام

غرض، طول عمر حضرت نوح علیه السلام است که امام سجاد علیه السلام سنت نوح در حضرت مهدی علیه السلام را طول عمر آن حضرت دانسته است. (۳)  
خداوندی که قادر است دو هزار سال نوح را نگه دارد، می‌تواند حضرت مهدی علیه السلام را نیز هر مقدار بخواهد نگه دارد.

همان گونه که به نصّ قرآن مجید «اصحاب کهف» ۳۰۹ سال در آن غار ماندند (۴) بدون این‌که تغییری در لباسشان واقع شود. سیصد سال، یک‌نواخت خوابیدن و بعد بیدار شدن و برای مرتبه دوم

۱ - میزان الحکمه: ۲ / ۹۱۹. ۲ - منتخب الأثر: ۳۰۰.

۳ - کمال الدین و تمام النعمه: ۱ / ۳۲۲.

۴ - «وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا» کهف: ۲۵.



خوابیدن تا زمان حضرت خاتم الانبیاء محمد ﷺ که به امر رسول خدا ﷺ، علی ﷺ بر بساطی نشست و در کهف مزبور رفت و برایشان جواب دادند و برای سوّمین مرتبه به خواب رفتند تا زمان ظهور حضرت مهدی ﷺ و فرج او - حسب روایات - در رکاب حضرت باشند، آیا کسی که چنین قدرت نمایی می‌کند، چه مانعی دارد آن حضرت را سالیان متمادی، جوان و قوی نگه دارد؟

### داستان عزیز و الاغش با انگور

از این شگفت‌تر داستان «جناب عزیز و الاغ و انگورش» می‌باشد که در قرآن مجید بیان فرموده است. (۱) یک صد سال خوشه انگور لطیف را نگه داشت و بدن عزیز را نیز در این یک صد سال بدون هیچ‌گونه تغییری حفظ کرد، (۲) اما الاغش به حسب جریان طبیعی، مرد و بدنش پوسید. (۳)

انگور را یک صد سال تر و تازه و سالم نگه داشتن، مهمتر است، یا بدن حجة بن الحسن ﷺ را دو هزار سال مثلاً؟

۱ - در کتاب «معاد» از بیانات شهید آیه الله دستغیب، مشروحاً در این آیات صحبت شده است، به این کتاب کم نظیر مراجعه شود.

۲ - ﴿... بَلْ لَبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ يَسْتَنَّهٗ...﴾  
بقره: ۲۵۹.

۳ - ﴿... وَأَنْظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ... كَيْفَ نُنشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا...﴾ بقره: ۲۵۹.

### جسدهای مومیایی چطور می ماند؟

مرحوم آقای سید محسن عاملی، مشهور به «علامه» از علمای بزرگ متأخرین و چند سالی است به رحمت خدا واصل شده است. کتابی درباره حضرت حجت علیه السلام دارد به نام «البیان فی برهان صاحب الزمان علیه السلام» و در این کتاب، نظایری برای این مطلب (طول عمر و بقای حضرت مهدی علیه السلام) ذکر نموده است؛ از آن جمله می نویسد:

«اجساد فراعنه مصر پس از گذشتن هزاران سال، کشف گردید در حالی که این بدنها کاملاً سالم مانده بود؛ از جمله در کشفی که خودم حضور داشتم و مشاهده کردم، جسدی بود که در صندوقی گذاشته بودند با سفره خوراک و میوه‌هایی که مشغول خوردن آن بود. تاریخ این بدن قبل از ولادت حضرت مسیح است که به طور حتم تاکنون دوهزار سال بیشتر است.»

### علم و قدرت بشر از خداست

[سپس] می فرماید:

«جایی که بشر عادی، با پی بردن به خواص گیاهان می تواند جسدی را هزار سال نگاه دارد، با مومیایی یا مواد شیمیایی، میوه را هزاران سال سالم نگه دارد، آیا خداوند رب العالمین و آفریدگار بشر و آن گیاهان و خواص آنها نمی تواند کسی را سالیان سال و قرن‌ها سالم،

جوان و نیرومند نگه دارد؟ با این که علم و قدرت و کمال بشر و هر خاصیتی در هر موجودی هم از خداست و بس.

### چشم خفاش نور آفتاب را نمی تواند ببیند

آنان که در این مسأله در شک هستند، چون غرق در کثافات مادّه و طبیعت اند، لذا حقایق به این واضحی را نمی توانند درک نمایند. به تعبیر دیگر، خفاش صفتانند که در مقابل نور حقیقت، غیر از اظهار عداوت، چیزی ندارند اظهار کنند، نقص در بیننده است، نه در حقیقت.

### آیا این همه شواهد کافی نیست؟

این همه اخبار و روایات از پیغمبر اکرم و ائمه هدی علیهم السلام درباره وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام و غیبت صغری و کبری و این همه خوبانی که هر کدام در روزگار خود نمونه بودند، اظهار داشتند که به خدمتش رسیده و او را زیارت کرده ایم، کافی نیست؟ آیا این همه گرفتارهایی که با توسّل به او، رفع گرفتاری شان شد و حاجت شان بر آورده گردید، باز برای اثبات وجودش کافی نیست؟

... و پیش از آنکه ...  
... و ...

...  
...

### پنهان ماندن ولادت چون ابراهیم

صحبت درباره حدیث شریفی از حضرت سجّاد علیه السلام بود که فرمود:

«در قائم ما؛ یعنی حضرت مهدی علیه السلام از پیغمبران گذشته سنتی است (۱) - که سنت حضرت آدم و نوح علیهم السلام طول عمر بود که گذشت -»

#### [ ۱ - سنت حضرت ابراهیم در امام زمان علیه السلام ]

اما سنت حضرت ابراهیم علیه السلام «پنهان ماندن مولدش بود»، همان گونه که تولّد حضرت ابراهیم خلیل الرحمن مخفی نگه داشته شد، ولادت حضرت مهدی علیه السلام نیز مستور و خود آن حضرت نیز از انتظار مخفی بود و امام عسکری علیه السلام او را به کسی جز به صالحین از اصحاب و خواصّ یاران، نشان نمی داد.

۱ - منتخب الأثر: ۳۰۰.

### بچه‌ای که سلطنت نمرود را بهم می‌زند

در کیفیت آن چنین ذکر شده که به سلطان وقت خبر دادند که پسری متولد می‌شود و بساط سلطنت تو را بهم می‌زند. دستور داد در آن ایامی که منجمین خبر داده بودند نطفه بچه منعقد می‌شود، هیچ مردی نزدیک همسرش نشود، اما در آن شب به او خبر دادند بالأخره نطفه آن پسر منعقد گردیده است، لذا در صدد بر آمد هر بچه‌ای که پسر متولد شود، او را بکشد، جاسوسهایی معین کرد که اگر زنی پسر زاید، او را بکشند و قابله‌ها هم مأموریت یافتند، متولّدین پسر را گزارش بدهند.

### ابراهیم بت شکن متولّد می‌شود

خدای تعالی، ابراهیم را در شکم مادر حفظ کرد تا وقتی هنگام وضع حمل شد. قابله‌ای برای کمک آمده بود تا ابراهیم متولّد شد، مادرش لرزید، قابله پرسید:

«چه بر سرت آمد؟»

مادر گریه کرد و گفت:

«پس از نُه ماه رنج و زحمت، این پسر را می‌کشند.»

خداوند، دل آن زن قابله را گردانید به قسمی که ترخّم کرد و قول داد این مورد را گزارش ندهد. تاریخ پدر حضرت ابراهیم به مادر ابراهیم گفت:

«هر چند این زن قابله خبر نداد، امّا بودن این پسر در خانه ما خطرناک است.»

**ابراهیم تنها در غار رشد می‌کند**

مادرش گفت:

«او را در کهفی به خدا می‌سپارم.»

بچه را به کوه برد و در غاری گذاشت، پس از چند روز به دیدارش رفت تا ببیند چه بر سرش آمده است، دید ابراهیم انگشت ابهامش را در دهان گذاشته و شیر می‌نوشد.

بلی، همان کس که از پستان مادر شیر می‌دهد، از انگشت ابهام نیز می‌تواند هنگام نبودن اسباب، شیر بدهد. ابراهیم را در بر گرفت و شیر داد، سپس با یک عالم حسرت، همان جا او را گذاشت و اطرافش را سنگچین کرد و رفت.

**حکومت طاغوتی را سرنگون می‌کند**

به هر حال، سنّتی که در حضرت قائم علیه السلام از ابراهیم خلیل است، «مخفی بودن ولادت آن جناب» می‌باشد؛ چون خلیفه عبّاسی کاملاً در صدد یافتن واز بین بردن آن بزرگوار بود و جاسوسهایی نیز برای خبرگرفتن از آن حضرت، معین نموده بود و علّتش هم روایاتی است که به حدّ تواتر از پیغمبر و ائمه علیهم السلام رسیده بود که آقایی

ظاهر می شود و طاغوتها را از بین می برد و حکومت حق و عدل برپا می دارد، لذا هر طاغوتی با او در ستیز است و از همان اوّل می خواهد نگذارد چنین آقایی پیدا شود، همان گونه که نسبت به حضرت ابراهیم چنین بود.

## ۲- سنّت [حضرت] موسی غایب شدنش از انظار

اما نسبت به سنّت جناب موسی علیه السلام «غایب شدنش از میان قومش» می باشد که چندین مرتبه واقع گردید؛ یک بار از میان قومش ۲۸ سال غایب شد به قسمی که بنی اسرائیل اصلاً از حال او خبر نداشتند و جرأت نداشتند اسمش را ببرند، در گوشه و کنار، گاهی در بیابان گرد می آمدند و عالمی که داشتند اوصاف موسی را برایشان می خواند و به آنها مژده می داد آن پیغمبری که خدا برای نجاتشان خواهد فرستاد، چنین اوصافی دارد.

هنگامی که پس از ۲۸ سال موسی علیه السلام در میان قومش پیدا شد، جریان قتل قبطی و نزاعش با دیگری پیش آمد که به او خبر دادند دستگاه حکومتی فرعون در صدد دستگیری تو است، هر چه زودتر فرار کن،<sup>(۱)</sup> لذا موسی علیه السلام مجدداً غایب شد و به مدین رفت و ده سال نیز در آن جا ماند و از انظار بنی اسرائیل غایب بود.

---

۱- ﴿... قَالَ يَمْوَسِي إِنَّ أُمَّلًا يَأْتِمُرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّصِيحِينَ﴾ قصص: ۲۰.

فرمایش حضرت مهدی علیه السلام به شیخ صدوق رحمته الله

شیخ صدوق - علیه الرحمه - در اول کتاب کمال الدین می نویسد:  
 «در عالم رؤیا دیدم به مسجد الحرام مشرف شدم و با حالت  
 احرام، طواف خانه کعبه می کنم، در طواف چهارم، چشمم به جمال  
 عظیم المثل حضرت مهدی علیه السلام روشن شد. حضرت به من فرمود: ای  
 شیخ! چرا کتابی درباره من وغیبت من نمی نویسی تا سبب تقویت  
 قلوب و ایمان مردم گردد؟»

عرض کردم: کتابهای متعدّد درباره شما نوشته ام. حضرت فرمود:  
 می دانم ولی کتابی بنویس و در آن غیبت انبیای سلف را بیان کن تا  
 مردم بدانند غیبت من تازگی ندارد». (۱)

لذا شیخ - علیه الرحمه - در کتاب کمال الدین و تمام النعمه از  
 غیبت حضرت آدم تا حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله را ذکر کرده است که هر  
 پیغمبری، مدّتی از میان قومش غایب بوده است.

### ۳- اختلاف مردم در سرنوشت عیسی علیه السلام

اما سنتی که از حضرت مسیح علیه السلام در حضرت مهدی - عجل الله  
 تعالی فرجه - است «اختلاف خلق در اوست».

همان طوری که درباره مسیح اختلاف واقع شد و برخی گفتند:



«عیسی را به دار زدند و کشتند»، بعضی دیگر گفتند: «نه چنین است بلکه شبیه او را به دار زدند»،<sup>(۱)</sup> همچنین درباره حضرت مهدی علیه السلام عده‌ای منکر و کافر شدند و گروهی مؤمن و ثابت ماندند و برخی گفتند: «اگر مهدی علیه السلام بود، تا کنون پوسیده شده و از بین رفته است»<sup>(۲)</sup> و جمعی گفتند: «در جنب قدرت حق، پایدار ماندنش شگفتی نیست».

#### ۴- قیام به سیف و استقرار توحید

اما سنتی که از جدش خاتم الانبیاء محمد صلی الله علیه و آله دارد این است که: «پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله با قوه الهی قیام کرد و شرک را از جزیره العرب برد، ۳۶۰ بت را از کعبه کند و همه را نابود ساخت و صدای اشهد ان لا اله الا الله طنین انداز شد، همچنین وقتی مهدی علیه السلام ظاهر می شود، به تدریج شرک را از روی زمین بر می دارد و هر صدای شرک آمیز خفه می شود، وعده خدا بر جهانگیر شدن اسلام و پیروزی اش بر همه ادیان، تحقق خواهد یافت».

۱ - بر حسب قرآن مجید، قول دوم صحیح است آن جا که می فرماید:  
 ﴿... وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا \* بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا﴾ نساء: ۱۵۸ - ۱۵۷.

۲ - ر. ک: اکمال الدین و تمام النعمه: ۱ / ۳۵۴ و ۳۲۷.

## ۵- ناشناس ماندن همچون یوسف

اما سنتی که از یوسف پیغمبر در مهدی علیه السلام است، «ناشناس ماندنش برای مردم» است؛ خلق او را می دیدند، ولی نمی شناختند. برادرانش مدتی با او آمیزش داشتند ولی او را نمی شناختند. بر بساطش قدم می گذاشتند و او نیز بر آنها وارد می شد، اما کسی او را نمی شناخت.

### سالیان متممادی ناشناخته ماند

«کنعان» جزء فلسطین است و تا مصر در آن روزگار هجده روز مسافت بود که با سرعت می توانستند سه روزه آن را طی نمایند. با این کمی مسافت، مع الوصف ۲۸ سال یوسف در مصر بود و پدر و برادرانش در کنعان. اهالی مصر اصلاً او را نمی شناختند و خیال می کردند غلام عزیز (مصر) است.

از این شگفتی تر، چند مرتبه آمد و رفت برادران یوسف به مصر و رسیدنشان خدمت یوسف بود که باز او را نشناختند. داستانش را قرآن مجید در سوره یوسف بیان فرموده است.

### یوسف خودش را معرفی کرد

شنیده اید هفت سال در مصر باران فراوانی آمد و ارزاق زیاد شد، حضرت یوسف دستور داد گندمها را ذخیره کنند و پس از آن، هفت سال قحطی شد.

گرفتند به مسجد الحرام بروند و پیغمبر را از بین ببرند. وقتی که آمدند رسول خدا ﷺ را ندیدند، هر چند گشتند او را نیافتند با این که رسول خدا در مسجد، سرگرم خواندن قرآن بود». (۱)

۲ - پس از نزول سوره تبت و هجو ابی لهب و همسرش، ذکر شده که حمالة الحطب (همسر ابی لهب) - که زن بسیار شریری بود - با حربه ای به سراغ پیغمبر ﷺ در خانه اش رفت، با این که پیغمبر تشریف داشتند و او هم در همان اتاق وارد شد، مع الوصف رسول خدا ﷺ را ندید و خداوند، پیامبرش را از نظر حمالة الحطب پنهان داشت.

**پنهان ماندن سید صاحب تفسیر کبیر، از دید وهابیان خون آشام**  
در بعضی از تواریخ نوشته اند:

«در سالی که طایفه وهابیه حمله کردند و کربلا را غارت نمودند، سید صاحب تفسیر کبیر در آن زمان مرجع تقلید و بزرگ عراق بود؛

که وارد خانه شده، ندیدند.

د - باز شگفتی از این عجیب تر، مراجعت ایشان در شب جمعه به مسجد جامع است که با ماشین سواری از دروازه قرآن تا درب مسجد از این همه خیابان و حتی بازارچه نزدیک مسجد (منصوریه) گذشتند و هیچ یک از مأمورین، ایشان را ندیدند و سخنانی جالبی را در مسجد ایراد کرد در حالی که مأمورین، خانه خالی او را محاصره کرده بودند.

راستی که کراماتش بسیار بود، روانش شاد باد! البته بسیاری از کراماتش در یادواره اش - که منتشر شده - ذکر گردیده است.

۱ - مجمع البیان: ۶ / ۴۱۸ / ذیل آیه ۴۵ از سوره اسراء.

می خواستند او را بکشند بلکه از عداوتی که با ایشان داشتند، می خواستند او را قطعه قطعه کنند. در آن شرایط حسّاس، سید بزرگوار زن و بچه‌ها را از خانه بیرون فرستاد و می خواست خودش هم بیرون برود، اما متوجه شد یک بچه شیرخوار در خانه مانده است، همین قدر که خواست بچه را با خودش بردارد و برود که وهابیه به خانه ریختند. سید، بچه را بغل کرد و در انباری که در آن هیزم جمع آوری می کردند، پنهان گردید.

مهاجمین، تمام جاها را گشتند و با این که چند مرتبه چند نفر به همان انبار آمدند، سید و بچه را ندیدند. از این شگفت‌تر، تا وقتی مهاجمین در خانه بودند، بچه شیر، اصلاً صدا نداد [و گریه‌ای نکرد].<sup>(۱)</sup>

### تا خود امام نخواهد، او را نمی شناسند

به هر حال، در این روایت، امام علیه السلام می فرماید:

«مهدی علیه السلام را می بینند اما او را نمی شناسند همچون یوسف

صدیق و این سنت از یوسف در حضرت مهدی علیه السلام است.»<sup>(۲)</sup>

متجاوز از یک صد نفر را ذکر کرده اند که در حین ملاقات، آن حضرت

۱- روضات الجنات: ۴ / ۴۰۵ / ذیل شرح حال علی بن محمد علی /

صاحب شرح کبیر (ریاض المسائل).

۲- منتخب الأثر: ۳۰۰.

را نشناخته و بعد متوجه شده اند که آن آقا، امام زمان علیه السلام بوده است. از همه واضح تر حکایت «حاج علی بغدادی» است که در سالهای اخیر واقع شده و مرحوم حاجی نوری در کتاب النجم الثاقب می نویسد: «اگر نبود در کتاب ما غیر از این یک روایت و داستان واقعی، کافی بود از لحاظ نزدیکی زمان واقعه و دیگر صحت آن کمّاً و کیفاً». (۱) مرحوم حاج شیخ عبّاس قمی نیز این داستان را در مفاتیح الجنان ذکر فرموده و در اختیار همگان است، دقیقاً بخوانید تا چشم تان روشن شود.

حاج علی بغدادی، حضرت را مشاهده کرد و مدّتی با ایشان بود، امّا چون خود حضرت نخواست، ایشان را شناخت. و راستی آثار صدق و شواهد درستی این جریان بر هیچ کس پوشیده نیست؛ زیرا اصلاً داعی کذب در گوینده اش راه ندارد.

## مدعیان دروغین در زمان غیبت

مروی است:

«پیش از ظهور حضرت حجة بن الحسن العسكري علیه السلام شصت نفر از دروغگویان، مدعی مقام نبوت، یک صد نفر، دعوی امامت و مهدویت و دوازده نفر، دعوی نیابت خاصه می نمایند.»<sup>(۱)</sup>

لذا برای پیشگیری از فریب خوردن مردم، علاوه بر توصیف آن حضرت به اسم و رسم خود و پدرانش و خصوصیات شکل و اندامش، نشانه‌هایی هم برای ظهور آن حضرت ذکر شده که حتماً باید اهل ایمان بدانند و ما هم قبلاً یاد آوری کردیم و علایم حتمی که مقارن با ظهور آن حضرت است را مختصراً بیان نمودیم.

۱- کفایة الموحّدين: ۳ / ۴۰۸.

### نشانه‌های غیر حتمی متعدّد است

اینک به بعضی از نشانه‌ها که غیر حتمی است؛ یعنی در روایات تصریح نشده به این که از محتومات و مسلمّیات است و بدا در آن راه دارد و شیخ مفید در ارشاد و طبرسی در اعلام و دیگران نیز نقل نموده‌اند [را بیان می‌کنیم].

بعضی از نشانه‌های مربوط به زمان غیبت به طور سربسته هست؛ یعنی مقارن ظهور آن جناب نیست و بیشتر آنها واقع شده نظیر انقراض حکومت بنی عبّاس، یا خراب شدن کوفه، فتنه و فساد در بصره و طغیان دجله، البته شکی نیست که هرکس وقت ظهور آن حضرت را معین کند، دروغگو و ملعون است:

«كذب الوقتون»<sup>(۱)</sup>

این جا به بعضی از خصوصیات آخر الزمان - که در روایات رسیده

است - اشاره می‌کنم.

### ۱- میگساری و رباخواری علنی در آخر الزمان

[در روایات] چندگناه ذکر شده که در آخر الزمان قبح آن از بین می‌رود و از آن نهی هم نمی‌شود؛ از آن جمله «خرید و فروش شراب و میگساری علنی و عادی» است که متأسفانه در این زمان، فراوان شده است.

## ۲- معاملات ربوی به صورت آشکار

دیگر «ربای علنی» است، با این که آن در حکم جنگ با خداست،<sup>(۱)</sup> مع الوصف برخی آشکارا این کار را می کنند. بانکها در این دوره بر اساس رباخواری علنی ایجاد شده است.

## ۳- غنا و موسیقی

از آن جمله «غنا، آوازه خوانی و موسیقی» است که توسط رادیو در این زمان نیز فراوان و عادی شده است.<sup>(۲)</sup>

## ۴- شیوع زنا و لواط

از آن جمله «زنا و لواط» است که در روایتی این طور تعبیر می فرماید: «همچون سگها که نرو ماده به پشت هم سوار می شوند، قبح این عمل از بین می رود».<sup>(۳)</sup>

۱- ﴿... فَأَذْنُوا بِحَرْبٍ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ...﴾ بقره: ۲۷۹.

۲- حتماً خوانندگان عزیز توجه دارند که این مطالب و درد دلها مربوط به سالهای قبل از پیروزی انقلاب اسلامی است که تعداد شراب فروشها از کتابفروشها بیشتر بود و مجالس لهر و فسق و فجور و مراکز فحشا آزادانه به کار حرام مشغول بودند. رادیو با برنامه های کذایی، مردم را به انحراف می کشانید. البته زمان این سخنرانیها هنوز تلویزیون در ایران به کار نیفتاده بود و گرنه از فجایع بیشتر آن نیز سخن می رفت؛ بانکها به رباخواری علنی و بعضی از صرافها در بازار مسلمین رسماً این حرام را مرتکب می شدند.

۳- منتخب الأثر: ۴۲۸ به بعد.



همچون بهائم که در عمل جنسی، برایشان حلال و حرام مطرح نیست. (۱)

### ۵- جنگ سوّم جهانی و ذهاب ثلثین

از جمله نشانه‌های ظهور حضرت - که قبل از قیام آن حضرت واقع می‌شود و از آن در روایات به موت احمر؛ یعنی مرگ سرخ تعبیر شده است - «کشتار عجیبی است که عدّه کثیری از جهانیان از بین می‌روند و پس از آن، بیماری طاعون پیش می‌آید که دو ثلث بشر از بین می‌روند»؛ یعنی اگر در آن روز مثلاً جمعیت بشر، شش میلیارد است، چهار میلیارد آن از بین می‌رود و ذهاب ثلثین می‌گردد.

شاید جنگ سوّم جهانی با این اسلحه‌های عجیبی که امروز کشف شده؛ بمب اتم، هیدروژنی و غیره چنین فجایی را ایجاد کند.

### ۶- تسلط زنها بر امور اجتماعی

از جمله اموری که واقع می‌شود این است که: «حکومت با زنها

۱- در ماه مبارک رمضان سال ۵۶ در شیراز، طبق معمول هر سال، مراسم «جشن فرهنگ و هنر» برگزار شد و در خیابانهای شیراز هر شب ضمن برنامه نمایش «خوکها»، عمل جنسی را جلو چشم تماشاچیان انجام می‌دادند!! و آن شهیدبزرگوار از فراز منبر فریادها زد و با آن خوک صفتان به این ترتیب اتمام حجت کرد که: «اگر امشب این کار را انجام بدهید، دستور می‌دهم مردم بریزند و بساط شما را درهم بریزند». وقتی مقامات استان فهمیدند که تهدید آقا جدی است، برنامه را تعطیل کردند. روانش شاد و یادش برای همیشه گرمی باد!

می‌شود و زنها مصادر امور می‌گردند و رأی اجتماع بر طبق میل آنها واقع می‌شود». بدیهی است که این مطلب، مستلزم چه مفاسدی خواهد بود،<sup>(۱)</sup> بگذریم.

از علامات حتمی الوقوع (که قبلاً مشروحاً بعضی از آنها مورد بحث قرار گرفت) نیز یادآوری نمایم.

### نماینده مهدی علیه السلام را می‌کشند

از علامات حتمی الوقوع - که پانزده روز قبل از ظهور آن حضرت است - «قتل نفس زکیه بین رکن و مقام» است.

حضرت، سیدی عابد و زاهد را از طرف خود مأمور دعوت مردم می‌نمایند، وقتی اهالی مکه متوجه می‌شوند، این سید بزرگوار را بین رکن و مقام (کنار کعبه وسط مسجد الحرام) به قتل می‌رسانند.

---

۱ - البته این حقیقت روشن است که خالق متعال - بر حسب آیات متعدّد در قرآن کریم - جنس مرد و زن را برای اهداف متفاوت آفریده است، اگر بانوان در جوامع بشری، به جای آرامش بخشیدن به کانون خانه و خانواده و تربیت فرزندان صالح و شایسته، به فکر ریاست و حکومت و تفوق طلبی بر این و آن باشند، چه مفاسد و حشتناکی دامن آن جوامع را خواهد گرفت که کمترین آن، متلاشی شدن نظام خانه و خانواده است؛ چنانچه امروزه اندیشمندان و روشنفکران جهان غرب از این آفت اجتماعی، به هراس افتاده و مکرر به مسؤولین امر، هشدار داده و می‌دهند.

### صیحه‌های متعدّد آسمانی

از آن جمله «صیحه آسمانی» است، اصل آن از مسلمیات و از علایم حتمی است، اما کیفیتش: **اولاً:** یک نفر از افراد بشر باقی نمی‌ماند مگر این‌که این صیحه را می‌شنود.

**ثانیاً:** این صدا مردمان را طوری به فزع در می‌آورد که اگر خواب است، از خواب جستن می‌کند، اگر نشسته است، از وحشت بر می‌خیزد.

**ثالثاً:** هرکس به لغت خود، آن را می‌شنود.

### چگونگی صیحه به حسب روایات

در کتاب غیبت، شیخ طوسی و صدوق، روایات چندی نقل کرده‌اند؛ مجملاً آن‌که:

«صیحه آسمانی چند مرتبه واقع می‌شود، در ماه رجب سه مرتبه از آسمان ندا بلند می‌شود که به گوش همه می‌رسد:

**ندای اول:** *الال لعنة الله على القوم الظالمين.*

هر آینه لعنت خدا بر قوم ستمگران است.

**مرتبه دوم:** در همان ماه منادی ندا می‌کند: «*أَزِفَتِ الْأَرْفَةُ*».

آنچه باید واقع شود، شد (یعنی حضرت مهدی علیه السلام ظهور فرمود).

**مرتبه سوم:** ندا بلند می‌شود که: مهدی آل محمد صلوات الله علیهم برای از بین

بردن ستمگران آمد». (۱)

ندای دیگر در شب ۲۳ رمضان از بدنی که در قرص آفتاب نمایان است، شنیده می‌شود و فریاد می‌زند: «هذا محمد بن العسکریؑ» و صریحاً نام مبارک حضرت را می‌برد.

### لذت منتظران از ندای آسمانی

هرکس که در انتظار حضرت بوده است، این ندا برایش مسرت بخش است و هر چه بیشتر منتظر فرج بوده شادتر می‌گردد.

از ۳۱۳ نفر نخستین که طبق بعضی از روایات، از افراد نخبه روزگارند و شاید به وسیله طی الأرض، خود را در کمترین فرصتی به آقا می‌رسانند، تعدادشان نیز در روایات ذکر شده؛ از شیراز هفت نفر و از طالقان - که از همه جا بیشتر است - ۲۴ نفر که از آنان به «گنج طالقان» تعبیر شده است و خلاصه از اطراف و اکناف قرا و قصبات، کم و بیش هستند، افرادی که این نداها آنان را به حرکت در می‌آورد.

### دعا برای تعجیل ظهور [امام مهدیؑ] لازم است

یکی از وظایف شیعیان و دوستان، «دعا برای تعجیل در ظهور آن حضرت» است. نگویید آنچه مقدر است می‌شود و در همان وقتی

که خداوند مصلحت دانسته آن حضرت را ظاهر می فرماید.  
 مضمون روایتی که از حضرت صادق علیه السلام در این زمینه رسیده  
 همین است که: «خداوند قادر است ظهور آن حضرت را نزدیکتر  
 فرماید»، لذا برای تعجیل ظهور آن حضرت دعا کنید و آرزو داشته  
 باشید که در رکابش باشید. خود همین تمنا و آرزو، عبادت است  
 و انتظار فرج از بزرگترین اطاعتهاست.

اللهم عجل فرجه وسهل مخرجه واجعلنا من أعوانه وأنصاره  
 برحمتك يا أرحم الراحمين.

در فرجه و تسهیل مخرجه و جعل ما من اعوانه و انصاره

ببرحمتك يا ارحم الراحمين

اللهم عجل فرجه وسهل مخرجه واجعلنا من أعوانه وأنصاره

ببرحمتك يا ارحم الراحمين

اللهم عجل فرجه وسهل مخرجه واجعلنا من أعوانه وأنصاره

ببرحمتك يا ارحم الراحمين

اللهم عجل فرجه وسهل مخرجه واجعلنا من أعوانه وأنصاره

ببرحمتك يا ارحم الراحمين

اللهم عجل فرجه وسهل مخرجه واجعلنا من أعوانه وأنصاره

ببرحمتك يا ارحم الراحمين

اللهم عجل فرجه وسهل مخرجه واجعلنا من أعوانه وأنصاره

ببرحمتك يا ارحم الراحمين

بدانکه در هر یک از این مقامات، امامت بر نبوت و نبوت بر امامت برتری دارد. اما در مقام امامت، بر نبوت برتری است. و در مقام نبوت، بر امامت برتری است. و در مقام نبوت و امامت، بر نبوت و امامت برتری است. و در مقام نبوت و امامت، بر نبوت و امامت برتری است.

### امامت، برترین مقامات (۱)

مقام «امامت» از نظر شیعه، برترین مقامات معنوی است که حتی از مقام نبوت نیز والاتر است.

درباره حضرت ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام در قرآن مجید پس از طی همه کمالات و گذشتن از مقام خلقت و نبوت، آنگاه خداوند او را برای مردمان «امام» قرار می دهد (۲) [بنابر این]، حضرت ابراهیم، هم پیغمبر و هم امام بود همان طور که حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله، هم پیغمبر و هم امام بود؛ یعنی با حفظ مقام تشریح و گرفتن وحی آسمانی و رساندنش به مردم، ولایت کلی الهی و حکومت از طرف خدا را نیز دارا بود.

۱ - این مقاله توسط فرزند برومند شهید آیه الله دستغیب رحمته الله علیه، حجة الاسلام

والمسلمین استاد سید محمد هاشم دستغیب دام عزه ضمیمه این کتاب شده است.

۲ - ﴿... إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا...﴾ بقره: ۱۲۴.

### خليفة خدا بودن و همه کمالات

قرآن کریم درباره حضرت آدم (۱) و داوود عليه السلام (۲) نیز عنوان «خليفة الله» را به کار برده است.

جانشین و نماینده خداوند در روی زمین، لوازمی دارد. آن کس که برگزیده الهی و از طرف خداوند برای مردم به عنوان نماینده او تعیین می شود، باید از همه کمالات و صفات حسنه الهی برخوردار باشد تا بتواند مردم را به «منوب عنه خود» یعنی خداوند راهبری نماید؛ بتواند از آنچه خداوند از خزینه بی پایان خودش به او عنایت فرموده است، به مردمان ببخشد و تشنگان معرفت حق را از دریای وجود خویش بهره مند سازد.

آن کس را که خداوند بر مردم حکومت می دهد، حتماً به خاطر امتیازاتی است که دیگران از آن محرومند نه این که تنها به جهت اداره امور مادی مردم باشد؛ زیرا زندگی مادی باقطع نظر از معنی و معنویات، از نظر اسلام و حقیقت مطلب، سرابی بیش نیست و به تعبیر قرآن مجید: «تنها بازیچه و اسباب سرگرمی است» (۳) و جز متاع فریب، چیزی نیست». (۴)

۱- ﴿... إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...﴾ بقره: ۳۰.

۲- ﴿يَا دَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ...﴾ ص: ۲۶.

۳- ﴿إِنَّمَا الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ...﴾ محمد صلى الله عليه وآله: ۳۶.

۴- ﴿... وَمَا الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ أَنْعُرُوا﴾ آل عمران: ۱۸۵.

### باید معارف را به مردم رساند

پس امام باید جهات معنوی و کمالات مردم را تأمین نماید و از موقعیتی که خداوند به او عنایت فرموده؛ یعنی ریاستی که بر همهٔ مردمان به او داده است، حداکثر استفاده را برای این غرض اساسی بنماید، لذا باید خودش از معارف و کمالات انسانی، کاملاً بهره‌مند باشد و گرنه:

ذات نیافته از هستی بخش      کی تواند که شود هستی بخش  
خشک ابری که بود ز آب تهی      ناید از وی صفت آب دهی

### امامت به ستمگر و گنهکار نمی‌رسد

از قرآن مجید نیز این معنی استفاده می‌شود آن‌جا که حضرت ابراهیم علیه السلام از خداوند مقام شامخ «امامت» را برای بعضی از فرزنداناش مسألت می‌نماید، به او پاسخ می‌فرماید:

«عهد (ولایت و امامت) من به ستمگران نمی‌رسد». (۱)

به ضمیمهٔ آیهٔ دیگر که:

«شرك را ستم بزرگ می‌نامد». (۲)

و کسانی را که به آنها کتاب داده شده (اهل کتاب) بر سه دسته

۱- «... قَالَ لَا يَتَّالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ» بقره: ۱۲۴.

۲- «... يَنْبَغِي لَا تُشْرِكُ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» لقمان: ۱۳.



تقسیم می فرماید: «انما و ت القدر بالعدل له هدی و نور»  
 «آنان که به خود ستم کننده اند؛ کسانی که میانه رو می باشند و آنان  
 که به خیرات و نیکیها پیشی گیرند گانند».<sup>(۱)</sup>  
 پس [از این تعابیر] می فهمیم کسی که مشرک یا گنهکار است،  
 صلاحیت مقام امامت را ندارد و معلوم است که گناه ناشی از  
 کمبودها، شهوات و هوسهاست و امام باید از این امور پاک باشد تا  
 بتواند مردم را به سوی خیرات، سوق داده و از بدیها باز دارد.

### حکومت علوی علیه السلام و امامت حقیقی

نمونه [بارزان] در چند سال حکومت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام  
 است. [حضرت] با آن همه گرفتاریهای داخلی که طاغیان و گردنکشان  
 ساعتی آرام نبودند و حکومت حقّ علوی را تحمّل نمی نمودند و مرتباً  
 برای حضرت [اسباب] زحمت ایجاد می کردند و همان طور که می دانید  
 قسمت معظم این چند سال خلافت را در جنگهای جمل، صفین  
 و نهروان گذرانید، مع الوصف از هر موقعیتی برای ارشاد مردم  
 و راهنمایی شان به سوی خداوند، استفاده می فرمود.

در هر خطبه ای، از اسما، صفات و افعال حق را در ضمن حمد  
 و ثنا و غیر آن بیان می کرد و [به] راستی اگر توصیف این بنده مخلص

۱ - «ثُمَّ أَوْزَنَّا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ  
 وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ إِذْنِ اللَّهِ...» فاطر: ۳۲.

[خدا] نبود، چگونه ما با اسما، صفات و افعال خداوند آشنا می شدیم؛ چون هرکس جز اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هر چه بگویند، زائیده اندیشه ناقص و تصوّر خام شان خواهد بود و خداوند از آنچه چنین انسانهایی بگویند، پاک و منزّه است، جز آنچه بندگان پاک شده خداوند او را توصیف نمایند. (۱)

در رأس عباد مخلص خداوند، علی علیهم السلام است که رشته‌ای از برکات ولایت و امامتش به نام «نهج البلاغه» - این اثر همیشه جاوید - چراغ راه پویندگان طریق هدایت و شیفتگان خداشناسی است.

ولایت تکوینی در امام معصوم علیه السلام

امتیاز مذهب حقّه جعفری و شیعه دوازده امامی به این است که ولایت تکوینی کلی الهی را در امام معصوم علیه السلام می داند که از آن به «واسطه در فیض» تعبیر می شود.

البته این مطلب به دلیلهای عقلی و استدلالهای حکمتی نیز ثابت شده، علاوه بر دلیلهای نقلی، اخبار، روایات و زیارات رسیده [چنانچه آمده است]: (۲)

۱ - «سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ \* إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ» صفات:

۱۶۰-۱۵۹. در کتاب «ولایت فقیه» اثر نویسنده و خلاصه بحثهای متعدّد در مدرسه علمیّه حکیم شیراز، این مطالب مشروحاً با استشهاد به آیات و اخبار، بیان شده است.

«بکم رزق الوری و بوجودکم ثبتت الأرض والسماء»<sup>(۱)</sup>.

«به برکت ولی اعظم و امام معصوم است که خلایق، روزی داده

می شوند و به برکت وجود ایشان، زمین و آسمان برقرار است».

### رَبِّ الْأَرْضِ امام عصر [ع] است

در قرآن کریم که می فرماید: «و درخشید زمین به نور

پروردگارش...»<sup>(۲)</sup> چنین رسیده که پروردگار زمین، امام

عصر [ع] می باشد.

«اشراق ارض» و به تعبیر فارسی «درخشیدنش» همان حیات

و پایداری آن است که به برکت تربیت کننده و اداره کننده اش برقرار

است. اگر «رَبِّ الْأَرْضِ» نباشد، زمین نیز برقرار نخواهد بود.

این مضمون، عبارت از همان «وَلَايَةِ كَلِيِّ الْهَيْ» است که شرح

و بسط فراوانی دارد و به طور اجمال، گذری بر آثارش می نماییم.

### تحوّلات در کره خاکی

آنچه جانداران؛ چه موجودات نباتی و چه حیوانی است و آنچه

از تبدیل جمادات به یکدیگر حاصل می شود، تمام از این مادر بزرگ؛

۱- در مفاتیح الجنان، دعای عدیله، عبارت چنین است: بیمنه رزق الوری

و بوجوده ثبتت الارض والسماء. لَهْدًا وَ اِنْ تَا مَا رَعَلَهُ رَدِيًا مِّنْ عَيْدِهِ.

۲- «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا...» زمر: ۶۹.

یعنی «کره خاک» است. ربه انما خلقناهم من طين وارض وجمعناهم في ربه»

در قرآن مجید می فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنْكُمْ اُمَّةً يَتَّبِعُونَ لَكَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ»

«از این خاک، شما را آفریدیم و به همین خاک، شما را بر

می گردانیم و بار دیگر از همین خاک، شما را بیرون می آوریم.» (۱)

همین بدن ما از خاک است و از آنچه از زمین می روید، بدن انسان

و حیوان تشکیل می شود؛ (۲) از رویدنیهای زمین؛ از آبی که باز از خود

زمین است، [اینها] چگونه بدن را می آفرینند؟

همین خاک، چه گیاهها و میوهها که تحویل انسانها و حیوانها

می دهد. هر ساله میلیاردها تن خاک را تبدیل به میوههای گوناگون با

رنگها و مزههای مختلف می نماید.

زمین اختصاص به خاک ندارد بلکه از آب نیز چه بسیار

مخلوقات که پیدا می شود، این همه ماهیها و حیوانات دریایی، از

موجودات زمین است که به مراتب از موجودات خشکی بیشتر است.

این همه برکات، ناشی از ولایت تکوینی الهی است و همان

است که در قرآن به «اشراق ارض» تعبیر شده و اثر وجودی ولی اعظم

و امام معصوم علیه السلام در هر زمان است.

۱ - ﴿مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى﴾ طه: ۵۵.

۲ - ﴿سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنبِثُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ﴾ یس: ۳۶.

## همه موجودات برای امام خاضع اند

بنابراین، همه موجودات، خواهی نخواهی باید برای ولی خدا خاضع باشند و هستند همان طور که در تأویل این آیه شریفه: «و برای او تسلیم است هر کس که در آسمانها و زمین است از روی رغبت، یا بی میلی»<sup>(۱)</sup> رسیده است؛ [بنابراین] روح کلی الهی که در امام متجلی است، همه موجودات را طبق مصلحت کامل اداره می فرماید به قسمی که هیچ موجودی از آنچه برایش خواسته اند نمی تواند سرپیچی نماید و از لحاظ تکوین، همه برای امام خاضع اند.<sup>(۲)</sup>

## آشکار شدن ولایت تکوینی امام مهدی علیه السلام بر مردم

ولایت تکوینی الهی که بر همه خلایق (جز عده ای انگشت شمار) مخفی است، در زمان ظهور مهدی موعود علیه السلام بر همه آشکار می شود و آن وقت است که آنچه با امام معصوم از حول و قوه الهی بود، واضح می گردد و شاید تأویل آیه شریفه آخر سوره حم فصلت، به زمان ظهور آن حضرت، به همین مناسبت باشد آن جا که می فرماید: «به زودی نشان شان می دهیم آیات مان را در بیرون و در خودشان

۱- ﴿... وَلَهُرَّ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا...﴾

آل عمران: ۸۳.

۲- ﴿إِنَّ كُلَّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا تَمَنَّى الْإِتَى الْرُحْمَنَ عَبْدًا﴾

مریم: ۹۳.

تا برای شان آشکار شود که او حقّ است» (۱).  
 با ظهور نور خدا مهدی آل محمد علیهم السلام بر همه واضح می شود که امام، حق است؛ چون به آنان آیات آفاقی و انفسی خداوند نشان داده می شود تا معلوم شود که چگونه ولایت الهی همه جا و همه کس و همه چیز را فرا گرفته و هیچ موجودی از تحت نفوذ مشیّت و اقتدارش بیرون نیست.

### آشکار کننده آیات انفسی، امام است

آری، این آیه شریفه به زمان ظهور مهدی علیه السلام تأویل شده است. اسرار ربوبی که در نفوس به ودیعه نهفته شده و از آن به «آیات انفسی» تعبیر می شود، آشکار کننده اش جز ولایت امام معصوم چه می تواند باشد؟  
 اصلاً نفوس جزء غیبت پروردگار است که کسی را بر آن آگاهی نیست جز هر کس را که خودش خواسته باشد. (۲)

امام از کسانی است که خداوند او را بر علم غیبش آگاه فرموده و به تعبیر قرآن «مَنْ أَرْتَضَىٰ» است، همان گونه که در تفسیر آیه شریفه

۱ - «سُرِّيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...» فصلت: ۵۳.

۲ - «عَلِمَ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا \* إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَّسُولٍ...» جن: ۲۷ - ۲۶.

از معصوم [چنین] رسیده است. مجازاً تسبیح ۲۷ از جمله  
وقتی که نفوس را اصلاح فرمود، آیات الهی را در خود افراد به  
آنها فهمانید و به برکت اصلاح نفوس، آیات آفاقی را نیز می فهمند  
و ربط و ارتباط همه موجودات با خداوند را آگاه می شوند.

### مردگان کافر به ولایت زنده می شوند

راستی زمان ظهور ولی عصر - عجل الله فرجه - چه برکتی است که  
زمین مرده در آن روز زنده می گردد.

در تأویل آیه شریفه: «بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش  
زنده می گرداند»،<sup>(۱)</sup> به زمان ظهور آن حضرت، شاید در آن این نکته  
نهفته باشد زمینی که اهلش به امام کافر بودند، همان امامی که «ربّ  
الارض»<sup>(۲)</sup> است و درحقیقت چون از ولایت کلی الهی بی خبر بودند،  
از استفاده های معنوی آن محروم شدند که این خود نوعی موت است،  
اما با ظهور حضرت مهدی علیه السلام و عنایات خداوندی، مردم با ولایتش  
آشنا شده و حیات تازه ای می یابند که قبلاً از آن نصیبی نداشتند.

### علوم را ظاهر می فرماید

این جاست که به معنی بعضی از روایات پی می بریم که می فرماید:

۱- «أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...» حدید: ۱۷.

۲- این معنی با تقدیر مضاف «اهل الارض» به خوبی قابل تطبیق می باشد.

«علم را ۷۲ جزء است و آنچه تاکنون آشکار شده یک جزء آن را تشکیل می دهد و در زمان ظهور، بقیه؛ یعنی ۷۱ جزء دیگر آن، به ضمیمه همین یک جزء، آشکار می شود».

در آن روز، تأویل آیه شریفه: «خدا هر کدام را از (رحمت) واسعه خودش بی نیاز می فرماید»<sup>(۱)</sup> واقع می شود و همان تعبیری که حضرت باقر علیه السلام - بنا بر آنچه در اصول کافی است - می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام می کند، خداوند دست لطفش را بر سر بندگانش می گذارد و عقلهایشان را کامل می فرماید».<sup>(۲)</sup>

### استعداد نفوس در فراگیری علوم

آری، خداوند همه را از معارف و مادّیات، غنی می فرماید و آنها را از علویات و سفلیات آگاه می کند.

باید نفوس با استعداد پیدا شوند تا ظرفیت تحمل ۷۲ جزء علمی که در روایات رسیده داشته باشند تا پیش از قیام حضرت مهدی علیه السلام آن استعدادی که باید باشد تا بتواند معارف را آن طوری که سزاوار است، دریابد و از آیات آفاقی و انفسی الهی آن گونه که هست با خبر شود، نبوده است، لذا از ویژگیهای آخر الزمان و هنگام ظهور و سلطنت آن وجود گرامی، برکات مزبور است.

۱ - ﴿... يُعْنِ اللَّهُ كَلًّا مِنْ سَعْتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا﴾ نساء: ۱۳۰.

۲ - اصول کافی: ۲۵ / ۱.



## بیرون آوردن ۲۷ حرف

در روایتی که قطب راوندی از حضرت صادق علیه السلام در خرائج روایت کرده امام این طور تعبیر می فرماید که:

«علم ۲۷ حرف است، پس جمیع آنچه پیغمبران آوردند، دو حرف بوده و مردم تا امروز جز این دو حرف را نشناختند، پس هرگاه قائم ما خروج کرد، ۲۵ حرف را بیرون می آورد، پس آنها را در میان مردم پراکنده می نماید و آن دو حرف را نیز به آنها ضمیمه می نماید و تمام ۲۷ حرف را پخش می نماید.»<sup>(۱)</sup>

## آب روان و علوم اهل بیت علیهم السلام

و چه مناسب است این جا از تأویل آخرین آیه سوره ملک سخن رود که «ماء معین؛ آب روان بر روی زمین»، به آن حضرت تأویل می شود. بنابراین آنچه از حضرت باقر علیه السلام رسیده است، در آیه شریفه: «اگر آب شما در زمین فرورفت، پس کیست که بیاورد برای شما آب روان؟»،<sup>(۲)</sup> می فرماید:

«این آیه در قائم ما نازل شده است.»<sup>(۳)</sup>

خداوند می فرماید:

۱- الخرائج والجرائح: ۲ / ۸۴۱.

۲- «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ» ملک: ۳۰.

۳- الغیبه: ۱۰۱.

«اگر امام تان از شما غایب شد که نمی دانید او در کجاست، پس کیست که برای شما امام آشکاری بیاورد که برای تان اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خداوند عزّ و جلّ را بیاورد؟»  
 آنگاه فرمود:

«تأویل این آیه نیامده و حتماً خواهد آمد.» (۱)

و چندین روایت دیگر به همین مضمون در کتابهای مربوطه رسیده است.  
 چه تشبیه جالبی که آن سرور گرامی را به «آب» تشبیه فرموده است؛ آبی که - سبب حیات هر جنبنده‌ای است (۲) - در عالم معنی به «علم» تفسیر می شود.

### حیات، مال علم و جهل، موت حقیقی است

حیات مادّی - که از آب پدید می آید - کجا و حیات معنوی حقیقی - که از نور علم پیدا می شود [ - کجا ] همان حیات طیّبه‌ای که خداوند در قرآن مجید بیان می کند، (۳) آن زندگی پاکیزه ارزشی که دارد با زندگی مادّی قابل مقایسه نیست؛ زیرا زندگی مادّی با جهل، موت حقیقی است، زندگی حیوانی و طبیعی، محدود، مقید و همراه با

۱ - کمال الدین و تمام النعمه: ۱ / ۳۲۶.

۲ - ﴿... وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ...﴾ انبیاء: ۳۰.

۳ - ﴿... فَلْنُحْيِيَنَّهٗ وَحَيٰوةً طَيِّبَةً...﴾ نحل: ۹۷.

مزا حتمهای بی شمار است که عاقل با فهم، ارزشی برایش قایل نیست. با این شرح، شخصیت والای مهدی موعود علیه السلام واضح تر می گردد که چقدر برکات معنوی و حقیقی در ظهور آن سرور نهفته است که اساس حیات انسانی و زندگی معنوی، مربوط به آن می شود.

### علم الكتاب نزد ولی عصر علیه السلام است

در مقام امام شناسی [و رسالت پیامبر] از آیه شریفه در آخر سوره رعد استفاده می شود که می فرماید:

«بگو: بس است بر گواه رسالت من، خداوند و کسی که نزد او دانش کتاب است.» (۱)

دو نکته در این بخش از آیه شریفه جلب توجه می کند:

نخست: اهمیّت و مقام والای صاحب این دانش است که گواهی اش همراه با گواهی خداوند به حساب آمده و شبیه دعواهای خارجی است که برای اثبات هر قضیه ای، «بینه» یعنی دو شاهد عادل لازم است. رسالت حضرت ختمی مرتبت که مورد دعوی است و کفّار آنرا نمی پذیرند، دو گواه برای اثبات حقایقش هست؛ یکی: خداوند عزّ و جلّ و دیگری: کسی که نزد او

«علم الكتاب» است.

۱- ﴿... قُلْ كَفَى بِاللّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ﴾

پس [به] راستی که شخصیت [امام و رسالت پیامبر، مقام] بسیار والایی است که خداوند با این طرز بیان، او را معرفی فرموده است.

### علم کامل به کتاب تکوینی و تشریحی

نکته دوم: عمومیت این علم است و به اصطلاح «الف و لام» استغراق برسر کتاب (علم الکتاب) می فهماند که صاحب این دانش، به همه علوم کتاب تکوینی و کتاب تشریحی خداوند، آگاه است.

به کتاب «عالم وجود» که همه موجودات، کلمات آن به شمار می روند که اگر بخواهی بشماری و دریاها مرکب باشند، به شمار نخواهد آمد،<sup>(۱)</sup> خوب آگاه است.

از کتاب تشریحی، علم دین و احکام حلال و حرام نیز به خوبی اطلاع دارد و چیزی از دستورات شرع از نظرش پنهان نیست.

### أصف، دانشی از کتاب داشت

در داستان «أصف بن برخیا» وزیر حضرت سلیمان پیغمبر، در قرآن مجید از او به «کسی که نزدش دانشی از کتاب بود»،<sup>(۲)</sup> تعبیر

۱ - ﴿قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا﴾ كهف: ۱۰۹.

۲ - ﴿قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ...﴾ نمل: ۴۰.

می فرماید که به برکت این دانش، تخت بلقیس را از شهر سبا<sup>(۱)</sup> به شامات آورد در کمتر از چشم به هم زدنی؛ یعنی اثر این علم چنین قدرتی است.

اما نسبت به امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این آیه شریفه چنین بیان می فرماید که:

«نزد او دانش (تمام) کتاب است».

و از روایات نیز - که به بعضی اشاره شد - فهمیده می شود که همه ائمه معصومین علیهم السلام از این موهبت عظمی برخوردار بودند هر چند زمان، استعداد تحویل آن را ندارد، جز در هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام که تمام دانش را در آن وقت آشکار می فرماید.

و در ضمن تفسیر نیز رسیده است که: به یکی از هفتاد جزء علم، جناب «آصف» چنین کاری را کرد و از «علم» به «اسم اعظم» نیز تعبیر شده است که اسم اعظم، هفتاد جزء دارد و آصف به یکی از آنها آگاه شد و توانست تخت بلقیس را به چشم بهم زدنی بیاورد و تمام آن علم نزد ماست.

---

۱ - شهری در عربستان قدیم، در ناحیه یمن که ملکه آن به نام «بلقیس»، مشهور است و او به روایت تورات، با پادشاه یهود (سلیمان علیه السلام) ملاقات کرده و با او روابط دوستانه داشته و طبق روایات اسلامی، سلیمان او را به زنی گرفت (فرهنگ معین).

### سابق به خیرات، امامان معصوم‌اند

در آیه شریفه‌ای که قبلاً اشاره شد، «اهل کتاب» را بر سه دسته تقسیم می‌فرماید، ﴿... سَابِقُ بِالْخَيْرَاتِ...﴾ به ائمه هدی تفسیر و تأویل شده است؛ آنانند که به هر خیری، پیشی گیرندگانند؛ چون در ذات و نفس شریف‌شان جز مبدأ و منشأ نیکی نیست، لذا هر چه از ایشان ظهور می‌کند، نیکی است، از این جاست که قول و فعل ایشان سنت می‌شود و روش نیکو برای پیروان‌شان.<sup>(۱)</sup>

بشری که به تعبیر قرآن مجید، بسیار ستمگر و بسیار نادان است،<sup>(۲)</sup> چگونه می‌تواند مستقیماً به جمیع خیرات و کمالات برسد جز به واسطه ولی اعظم بدین شرح.

### قرب کامل در تبعیت از معصوم

شکی نیست که غرض از آفرینش، شناسایی خداوند تبارک و تعالی است و خداوند برای هر چیزی، سببی قرار داده است و سنت حضرت احدیت در شناسایی او چنین قرار گرفته که باید با واسطه باشد؛ زیرا خداوندی که مجمع کمالات و مبدأ همه برکات و بسط از هر جهت است، چگونه بشر مادی که اصلش از خاک است و سطح ادراکش در ابتدا از حدود مادیات تجاوز نمی‌کند، توانایی شناسایی

۱- ﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ...﴾ احزاب: ۲۱.

۲- ﴿... إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ احزاب: ۷۲.

رَبِّ الْأَرْبَابِ را داراست؟! لذا سنّت الهی بر این قرار گرفته همان طوری که حکم عقل نیز چنین است و به تجربه نیز این مطلب ثابت گردیده که مقام قرب خداوندی و شناسایی ساحت ربوبی، جز با توسّل و تبعیّت از معصوم میسر نیست.

در قرآن مجید نیز می فرماید:

«بگو: اگر خداوند را دوست می دارید، پس مرا اطاعت کنید تا خداوند نیز شما را دوست بدارد».<sup>(۱)</sup>

### حکومت، رشته مختصری از ولایت

بعضی چنین می پندارند که فایده امام، منحصر در حکومت حق و اجرای احکام الهی در اجتماع است، در صورتی که این کار از فقیه جامع الشرائط و رهبر الهی نیز بر می آید و به اصطلاح از شوّون «ولایت فقیه» است، در حالی که همیشه باید زمین از حجّت الهی و معصوم، خالی نباشد و آن آقایی که چه حاضر و چه غایب باشد - و از آثار وجودی اش کمی شرح داده شد - برکات دیگری فوق این مطالب دارد، نه تنها اگر حکومت را به دست بگیرد، مشکلات مردم را حل می کند بلکه معارف الهی و آشنایی به اسما، صفات و افعال خداوند را نیز عهده دار است.

۱ - «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ...» آل عمران: ۳۱.

## دلّال بندگان به سوی خدا

در حقیقت امام معصوم، پست دلّالی به سوی خدا را برای بندگان ایفا می نماید و قرب کامل و ایمان تام و رسیدن به مقصد والا توسط آن بزرگوار میسر می شود. هنگامی که ظاهر باشد و دسترسی به او آسان، البته بهره برداری، زیادتر می شود.

آن سروری که خلیفه خدا در زمین و به اسرار ربوبی کاملاً آشناست و اسامی تکوینی حق را آگاه بوده و از اهلیت کامل برخوردار است، می تواند رنجهای طالبین را کم فرموده و با نظر کیمیا اثرش، مس وجود را طلا کند و از خرمن پرفیضش به خوشه چینان، بذل لطف سرشار بفرماید و این خود برکتی فوق العاده است و اهلیش می فهمند که از بالاترین نعمتهای معنوی خداوند است.

## همه موجودات از امام بهره می برند

در محلّ خودش از روی استدلال ثابت شده که خلاق نمی توانند مستقیماً از خداوند - جلّ و علا - بهره گیرند و در ادامه هستی و بهره برداریهایشان از شوون هستی، نیاز به واسطه دارند که آن امام معصوم علیه السلام است.

در زیارت جامعه کبیره به این مضمون اشاره شده و می فرماید:

«بکم یمسك السماء».



«به برکت شماست که خداوند آسمان را نگه داشته است».

«بکم ینزل الغیث».

«به برکت شما باران را فرو می فرستد».

«بکم فتح الله و بکم یختم».

«به برکت شما خداوند شروع می فرماید و پایان می بخشد».

یعنی تمام اموری که فعل خداوند است، واسطه در انجامش،

شما یید.

### به سوی خداوند واسطه بگیرید

در قرآن مجید نیز به ما دستور فرموده است که: «به درگاه خداوند واسطه بگیرید»<sup>(۱)</sup> و یکی از حکمتها و علت‌های شفاعت، اظهار شرف و فضیلت شفیع است. خداوند چنین مقدر فرموده است که امام معصوم علیه السلام در همه شئون و همه مراحل؛ چه جهات مادی و چه در جنبه‌های معنوی و برکات حقیقی، واسطه در فیض باشد.

### معلم خداست اما با واسطه

از شئون حجّت خدا تعلیم است که در قرآن مجید برنامه اساسی پیغمبر را در تزکیه و تعلیم معرفی می فرماید<sup>(۲)</sup> و این دو جنبه پس از

۱ - ﴿... وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ...﴾ مائده: ۳۵.

۲ - ﴿لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا

پیغمبر، به امام معصوم می‌رسد و در زمان غیبت نیز به «ولی فقیه» و رهبر، موکول می‌باشد.

با این‌که بدون شک، معلّم خداست و تعلیم، فعل حق است، اما کی استعداد آن‌را دارد که بتواند بلاواسطه از فعل خداوند بهره ببرد؟ جز حجت خدا که پاک شده خدایی است و استعداد دریافت فیض ویژه را از [او] دارد. کی می‌تواند چنین بهره‌ای داشته باشد؟ راستی که ظرفیت فوق تصوّری می‌خواهد که منحصرأ معصومین علیهم‌السلام از چنین موهبتی برخوردارند.

### به حکم عقل، وجود امام لازم است

با این مقدمات، مسلم می‌شود که چون دستگاه آفرینش، بیهوده خلق نشده<sup>(۱)</sup> و برای مقصد والایی - که آشنایی به حق است - آفریده شده و معلّم و راهنمای بندگان به سوی حق نیز به حکم قطعی و حسب وجدان، شخص سالم و بی‌غرض، بر خداوند حتم است که چنین فردی را در میان بشر در هر دوره بیافریند تا نقض غرض نشود. مردم را به اسما، صفات و افعال خداوند راهنمایی نماید و راه سعادت‌شان را به آنها بنمایاند.

→ عَلَيْهِمْ ءَايَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ... ﴿آل عمران: ۱۶۴﴾

۱ - ﴿أَفَحَسِبْتُمْ أَنْمَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا...﴾ مؤمنون: ۱۱۵

اسم اعظم تکوینی، امام است

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَكْبَرِهَا وَكُلِّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٍ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا»<sup>(۱)</sup>

«خدایا! من از تو می‌خواهم از نامهایت، به حق بزرگترین آنها و همه نامهای تو بزرگ است. خدایا! من از تو می‌خواهم به حق همه نامهایت».

اسم تنها و قطع نظر از مسمّا چیست؟ تا چه رسد به این که بزرگتر یا کوچکتری داشته باشد. هر ارزشی برای اسم است از جهت مسمّا و صاحب آن اسم می‌باشد.

از جهت مسمّا نیز هر اسمی با دیگری فرقی ندارد<sup>(۲)</sup> و اسم در صاحبش محو است و ملاحظه (به طور استقلالی) نمی‌شود، لذا همه اسما کبیرند (وکلّ أَسْمَائِكَ كَبِيرَةٍ) اما از جهت اسمیت که تا چه اندازه بتواند صاحبش را نشان بدهد، متفاوتند، لذا این جا «اکبر بودن» قابل تصوّر است.

هر اسم تکوینی، یک، یا دو، یا چند جهت از مسمّا را نشان می‌دهد، اما آن اسم پسندیده الهی - که وجه تابناک خداوندی

۱ - مفاتیح الجنان / دعای سحرهای ماه رمضان.

۲ - «قُلْ أَدْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ

الْحُسْنَى...» اسراء: ۱۱۰.

است (۱) - آن دست دهنده خدا، گوش شنوا و چشم بینای خدا، (۲) آقایی که نعمت خدا برای خوبان و عذاب خدا را برای بدان است، (۳) همه جهات را می تواند نشان بدهد، لذا اسم اعظم حقیقی، اوست؛ (۴) همان کلمات تامه خداوندی که در دعاها به آنها پناه می بریم، دیگران کلمات خدایند، اما ایشان کلمات تامه اند.

### احاطه امام، نمودار احاطه خداست

علم و قدرت حق، همه عالم را فرا گرفته است (۵) و مظهر اسم محیط در خارج، امام معصوم علیه السلام است که راستی علم و قدرتش بر همه موجودات احاطه دارد.

هر نفسی از نفوس بشر - به هر اقتداری که باشد - محاط آن

۱ - السلام علی اسم الله الرضی ووجهه المضيئى وجنبه العلی (مفاتیح الجنان / زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام / زیارت ششم).

۲ - السلام عليك يا عين الله الناظرة ویده الباسطة وأذنه الواعیه و حکمته البالغه ونقمته الدامغه ... (مفاتیح الجنان / زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام / زیارت ششم).

۳ - السلام علی نعمه الله علی الأبرار ونقمته علی الفجار (مفاتیح الجنان / زیارت مطلقه امیرالمؤمنین علیه السلام / زیارت ششم).

۴ - در ضمن بحثهای اصول عقاید، اثر همین قلم، بخش توحید آن به نام «آشنایی با مبدا» مطالب جالبی درباره اسم تکوینی و مسما و همچنین کلمات تامه دارد که مشروحاً ذکر شده، لذا این جا فقط به اشاره اکتفا گردید.

۵ - ﴿... لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ طلاق: ۱۲.

بزرگوار است و هیچ‌کس جز خدا بر آن سرور احاطه ندارد.  
 نمونه‌ای از احاطه علمی و قدرتی حق تعالی بر همه موجودات  
 است بلکه عین همان است؛ زیرا امام از خودش چیزی ندارد و عبد  
 مملوک خداست و همه چیز را به عنایت خداوندی دارد.<sup>(۱)</sup>

### مقام جمع الجمع در امام معصوم

در عین این‌که بر جمیع نفوس احاطه دارد و با افراد کم استعداد  
 و ضعیف از حیث ادراکات، نشست و برخاست و گفتگو دارد  
 و حاجتهای شان را بر می‌آورد و آنان را با مسائل مورد نیازشان نیز  
 آشنا می‌سازد، اما اینها دل امام را از یاد حق باز نمی‌دارد و او را  
 سرگرم نمی‌سازد. با این‌که تمام اقتدار را داراست، اما می‌داند  
 که از خودش هیچ ندارد و به اصطلاح، مقام امکان ذاتی خودش  
 را فراموش نمی‌کند.

با قدرتی که خداوند در تصرف بر نفوس به او داده به طوری که  
 تمام امور برایش سهل و آسان است، اما مقهور خدا بودنش نصب  
 العینش می‌باشد. و به تعبیر دیگر، فنایی که نصیب حضرتش شده  
 است، دیگران از آن مقام محرومند.

۱ - در بحثهای «ولایت» اثر همین قلم، مشروحاً یکی بودن ولایت خدا،  
 امام و روح، بیان شده است.

## آب معرفت را به تشنگان می‌رساند

یکی از حکمت‌های امامت آن است که به برکت وجود امام - که در بین مردم است و به حسب صورت، بشر و به حسب واقع و حقیقت، نور خداست - تشنگان معرفت حضرت احدیت را به آب علم سیراب می‌نماید و به برکت حضورش، استقرار و اطمینان خاطر طالبین محبت خدا برایشان گردد، حاصل و سیر تکامل به درک محضرش به آسانی فراهم می‌شود. خلاصه، زحمات فوق العاده سلوک راه حق، به برکت انفاس قدسی اش کم شود و دانشجویان مکتب خداشناسی را از مدرسه ابتدایی، به مکتب انتهایی برساند.

## نشان دهنده همه آیات الهی

همان آقای که توانایی نشان دادن همه آیات الهی، چه آفاقی و چه انفسی را دارد. آیات بی پایان خدا را چه کسی جز امام معصوم می‌تواند نشان بدهد؟

در آیه شریفه: ﴿سَتْرِيهِمْ أَآيَاتِنَا﴾<sup>(۱)</sup> - که گذشت - گفتیم که حضرت صادق علیه السلام تاویل آن را به زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام می‌داند؛ بنابر این، مربوط به همین دنیا و پیش از قیام قیامت است و مانعی ندارد که در قیامت نیز باشد، اما به حسب این روایت

است که «يَتَّبِعِينَ» را «به حق بودن آن حضرت» تفسیر می‌فرماید، خوب واضح می‌گردد که نشان دادن آیات الهی به مردمان در زمان امام عصر علیه السلام است. لله تهنئة به لعله يمتا به حربه نا

### قدرت فوق طبیعی را به کار می‌برد

قدرت خدایی که همراه حضرت مهدی علیه السلام است همان قدرت فوق طبیعی است که سایر امامان از خداوند اجازه به کار بردنش را - جز در موارد اندکی - نداشتند، آن حضرت آنها را به کار می‌برد.

سایر ائمه مأذون نبودند که قدرت ولایت‌شان را به کار ببرند و با نیروی الهی بر طایغان زمان‌شان مسلط گردند، اما حضرت مهدی علیه السلام با به کار بردن آن نیروی الهی، جلو طایغان طاغوتها و سرکشی متمردین را می‌گیرد، البته کسی را مجبور به اطاعت از خودش نمی‌فرماید بلکه مردم با کمال شوق، طاعتش را بر جان می‌خرند و فرمانش را گردن می‌نهند، لذا تنها مزاحمها و خار سر راه اسلام و مسلمین را از میان بر می‌دارد.

### قدرت موسی در عصای آن حضرت است

آن توانایی که در عصای موسی بود و توانست فرعون و دستگاهش را ساقط کند، به واسطه قرب جناب موسی به خداوند

بود که عصا، ید و بیضا و آیات تُهگانه<sup>(۱)</sup> بر دستش جاری گردید؛ (۲) همان قربی که نتیجه علم به پروردگارش بود. آن قرب به نحو اتم و اکمل در حضرت مهدی علیه السلام موجود است و قدرت نماییهایی که بر دست آن بزرگوار آشکار می شود، تا آن زمان بی سابقه و بی نظیر خواهد بود. در روایت از نیروی بدنی آن حضرت این طور تعبیر می فرماید که: «قوة مهدی علیه السلام برابر با قوة چهل پیغمبر است».

رشته ای از قوه ای که با آن حضرت است در بدن شریفش تجلی می کند و کاری که از چهل پیغمبر بر می آید، از آن حضرت به تنهایی، بیشتر و بالاتر از آن بر می آید.

### آرزوی اولیای خدا برآورده می شود

آرزوی همه اولیا و دوستان خدا این بود و خواهد بود که همه مردمان، اهل صلاح، موحد و خدا پرست گردند. آنچه خداوند به خودشان عنایت فرموده از ایمان و کمالات فاضله، برای دیگران نیز می خواستند و آرزو داشتند بتوانند خودشان به مردم بفهمانند

۱- ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ...﴾ اسراء: ۱۰۱.

۲- در تفسیر سوره شریفه قمر، به نام «حقایقی از قرآن» در ضمن داستان گذشتگان، آیات تُهگانه حضرت موسی علیه السلام توسط شهید آیه الله دستغیب رحمته الله علیه مشروحاً شرح داده شده است.



و این نعمتها را به [آنان] برسانند، اما تقدیر الهی چنین است که این آرزوی دیرینه اولیا به دست مهدی علیه السلام و در زمان ظهور حضرتش برآورده گردد.

در زمان ظهور، تنها فریادرسی از مستضعفین و مرتب کردن وضع اقتصادی، نظام اجتماعی و ترفیع فقرا نیست بلکه [امام علیه السلام] همه [مردم] را در علوم عالیه شرکت می دهد و به حسب استعداد و لیاقت افراد، از نعمت جمال و جلال خداوندی، بهره می رساند.

### حقیقت توحید را در ولایت بجویم

فضیلت‌های فوق العاده‌ای برای گفتن لا اله الا الله مخلصاً رسیده که البته گفتن تنها نیست بلکه محقق شدن به این جمله و ذکر شریف است که قلعه محکم الهی است و هرکس در آن در آید، از هر خطر و زبانی می رهد؛<sup>(۱)</sup> همان طور که از حدیث شریف «سلسلة الذهب» از فرمایش حضرت رضا علیه السلام که فرمود: «به شروط آن، که من از جمله آن شرایط می باشم»، چنین استفاده می شود که حقیقت کلمه اخلاص (لا اله الا الله) در ولایت و تمسک و اعتصام جستن به حضرت مهدی علیه السلام است بلکه حقیقت توحید، در کلمه اخلاص ولی اعظم نهفته است.

۱ - کلمه لا اله الا الله حصنی فمن دخل حصنی امن من عذابی (عیون اخبار الرضا علیه السلام: ۲ / ۱۳۴).

## توحید خیالی در غیر ولایت

روش حضرت احدیت بر این قرار گرفته که توحید خالص و خداشناسی حقیقی و آشنایی به اسما، صفات و افعالش از طریق ولایت اولیای عظامش باشد، لذا هر ادعای توحید از غیر این راه، یا توهم و تخیل است، یا بروز بعضی از قوای نفس و چه بسا فرسنگها با توحید حقیقی فاصله دارد.

البته درک حقیقت «لا إله إلا الله» و «لا حول ولا قوة إلا بالله» و متحقق به آن شدن منظور است که اهلیتتش در افراد منوط و مربوط به ارتباط با حضرت صاحب الامر علیه السلام می باشد و باید از چشمه ولایت جاری گردد. برای استدلال این معنی، به شرح زیر توجه فرمایید.

### وجه خدا که اولیا به آن متوجه اند

وجه الله مطلق - که از هر جهت آینه خدا نماست - در این زمان حضرت مهدی - عجل الله تعالی فرجه - است؛ چنانچه در دعای ندبه می خوانیم:

«أین وجه الله الذی الیه یتوجه الأولیاء؟».

«کجاست آن روی خدا که به سوی او دوستان رو می آورند؟».

آشنایی با خدا بدون آشنایی با وجه مطلق او، میسر نمی شود و هر کس از غیر این راه وارد شود، ناچار وجهی برای خودش

می‌تراشد که از آن به «توحید خیالی» تعبیر می‌گردد.  
 اما آنان که به وجه الله حقیقی و کامل - که امام عصر علیه السلام باشد -  
 متوجه می‌شوند و از روح شریفش در خداشناسی مدد می‌گیرند، با  
 توحید حقیقی آشنا شده و نه تنها در این نشأه بلکه در نشأت بعد از  
 ادراکات فوق العاده‌ای که دیگران از آن محرومند، بهره‌مند می‌شوند.

### جمهوری اسلامی و ولایت فقیه

از جمله شؤون امامت، حکومت بر مردم و رتق و فتق امور  
 و مصالح اجتماعی است که قابل نیابت است و همان گونه که در  
 محلّ خودش با ادلّه متعدّد ثابت شده در زمان غیبت، این امر به  
 ولیّ فقیه با داشتن شرایط رهبری، واگذار شده است و این وظیفه‌ای  
 است که از عهده دیگران؛ یعنی غیر امام معصوم نیز بر می‌آید، هر  
 چند آنچه تاکنون از برکات و بهره‌های امام بیان شد، منحصر به خود  
 آن جناب می‌باشد.

شکر خدای را که حکومت نایب عام حضرت مهدی علیه السلام یعنی  
 امام خمینی - مد ظله العالی - را درک کردیم و آنچه باور نمی‌کردیم، یا  
 به سختی باور می‌کردیم، به چشم دیدیم و حکومت حق را درک نمودیم.

### نایب الامام را دریابید

باید عاقلانه‌تر بیندیشیم و شکر نعمت جمهوری اسلامی را

بجا آوریم تا خدا نعمتش را بر ما بیفزاید. چنین رهبر الهی که امتحان خودش را داده و از هوا و هوس، رسته و جلو فسق و فجور ایستاده، با او همکاری کنیم، نه این که با القای بعضی شبهات واهی، باعث تشویش و انحراف بی خبران گردیم.

امر به معروف و نهی از منکر در امور اجتماعی، بستگی به تشکیل حکومت و تقویت مقام رهبری است؛ چنانچه در توفیق مبارک امام زمان علیه السلام اشاره فرموده است.

### حوادث واقعه موضوعات خارجی است

در توفیق شریف می نویسد: «حوادث واقعه به فقیه عادل مراجعه کنید»، آیا آن حوادث، مسأله نماز و روزه تنهاست، در حالی که سالیان دراز درباره آنها بحث شده و از رؤوس مطالبش چیزی فروگذار نشده است بلکه «حوادث واقعه»، سیاست روز و مسائل اجتماعی مخصوصاً آنهایی که تازه پیدا می شوند، به ویژه از کلمه «حادثه» و تعبیر به «حوادث؛ یعنی چیزهایی که قبلاً نبوده و بعداً پیدا می شود»، این مطلب در می آید.

پس بر عکس استفاده بعضیها باید مردم را به احکام اسلام آشنا کرد تا خودشان با شوق فراوان، خواهان حکومت حضرت مهدی علیه السلام گردند.

### حکومت دین با زور نمی‌شود

قرآن مجید صریحاً می‌فرماید: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ»<sup>(۱)</sup> به هیچ وجه در دین اکراه نیست؛ یعنی نمی‌شود کسی را به زور، عقیده‌مند کرد و این آیه نسخ نشده و تخصیص هم نخورده است، مثلاً گفته شده در زمان حضرت مهدی علیه السلام استثناست و در آن زمان، مردم را به زور دیندار می‌کنند بلکه ظاهر «لَا» در «لَا إِكْرَاهَ» نفی جنس است؛ یعنی اصلاً اکراه در دین غیر ممکن است و حق هم همین است؛ زیرا عقیده قلبی هرکس قابل تحمیل نیست تا به زور او را به چیزی معتقد سازند، هر چند به زبان می‌شود طرف را مجبور کرد چیزی بگوید و اقرار و اعترافی نماید، اما چطور می‌شود گواهی دلش را نیز تأمین نمود.

### پس مردم خودشان می‌خواهند

از آنچه گذشت، روی هم رفته این طور نتیجه می‌گیریم که: قرآن مجید از آخر الزمان و ظهور مهدی علیه السلام این طور خبر می‌دهد که بندگان صالح، وارث زمین هستند.

از طرف دیگر، دین قابل تحمیل نیست که اگر کسی عقیده‌مند نشد، او را از پای در آورند. «منافق» نیز «عبد صالح» نیست که بگوییم

به همین اظهار ایمانش هر چند نفاق داشته باشد، قناعت می شود؛ چون خداوند خبر از «وارثین زمین» - که عباد صالح اند - می دهد، ناچاریم بپذیریم - همان طور که از حضرت باقر علیه السلام روایتش گذشت - با تکمیل عقول و نظر لطف الهی، مردم خودشان می فهمند و طالب حکومت حق و عدل حضرت مهدی علیه السلام می گردند، لذا باید با تقویت جمهوری اسلامی و پیاده کردن احکام اسلام، مردم جهان را کم و بیش با این حقیقت آشنا سازیم و زمینه ساز عدل [حضرت] مهدی علیه السلام باشیم.

### تحول عجیب در انقلاب اسلامی ایران

نمونه کوچکش را در همین انقلاب اسلامی ایران دیدیم که چگونه بارقه لطف الهی، جستن کرد و حال افراد این ملت را دگرگون ساخت.

از برکات وجودی نایب به حق حضرت مهدی علیه السلام، امام خمینی - مدّ ظلّه العالی - چگونه افکار و اندیشه های مردم عوض شد، ایده ها و هدفها تغییر کرد.

ملّتی که تا دیروز، جز امور رفاهی و زندگی مادّی، هدفی نداشتند، یک مرتبه تحول عمیقی پیدا کرد و جمهوری اسلامی هدفش شد و پیاده کردن احکام اسلام آرزویش.

جوانهایی که تا دیروز، جز خوشگذرانی و شهوترانی، چیزی را درک نمی‌کردند، امروز «شهادت» را «سعادت» می‌بینند و جبهه‌های حق علیه باطل را اداره می‌نمایند.

ملّتی که [تا] دیروز، این قدر طالب مال بود که برای پول، حاضر بود دست به هر کاری بزند، امروز این‌طور با بذل مال و جان خویش، پشتیبان جبهه‌هاست.

### آیات آفاقی و انفسی در انقلاب

شهید سعید آیه الله دستغیب در ضمن خطبه هایش، انقلاب اسلامی ایران را از آیات آفاقی و انفسی خداوند می‌خواند<sup>(۱)</sup> و برای تحوّل و دگرگونی درملّت ایران را جز خواست خداوندی برایش سببی نمی‌دانست و به حق هم چنین است؛ زیرا با اسباب عادی به هیچ وجه جور در نمی‌آمد، همان‌طور که تألیف قلوب مسلمین در صدر اسلام، خداوند فعل خاصّ خودش می‌شمارد.<sup>(۲)</sup>

به هر حال، سخن در این زمینه بسیار است و به جای دیگری

۱- این مطالب، ضمن خطبه‌های جمعه شهید آیه الله دستغیب منتشر

شده است.

۲- ﴿... لَوْ أَنْفَقْتَ مَافِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا آتَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ...﴾ انفال: ۶۳.

موکول می شود. (۱)  
 خداوند! طول عمر و عافیت رهبر انقلاب اسلامی، امام خمینی را  
 مستدام بدار و موقّش گردان تا این جمهوری اسلامی را به صاحبش  
 امام مهدی علیه السلام بسپارد.



کتابخانه عمومی شوشتری  
 شماره ثبت: ۱۷۰۴۲  
 تاریخ: ۹۵/۹/۵

۱ - بحثهای ولایت فقیه در مدرسه علمیه حکیم جمع آوری شده این قسم  
 مطالب در آنجا مشروحاً ذکر گردیده است.



مجله علمی و پژوهشی، شماره ۱، زمستان ۱۳۸۸، ص ۱۰۶-۱۰۷

«ا»

۱- قرآن کریم / ترجمه و تفسیر / انتشارات آیت الله العظمی بروجردی / قم / ۱۳۸۸ هـ. ق.

رقم ۱۰۶۱

### فهرست منابع و مآخذ

۱- قرآن کریم.

«الف»

- ۲- اصول کافی / کلینی / محمد بن یعقوب / دار الکتب  
الإسلامیّه - تهران / ۱۳۸۸ هـ. ق. / چاپ سوّم.
- ۳- اقبال الاعمال / ابن طاووس / سیّد رضی الدین علیّ بن  
موسی / مکتب إعلام اسلامی / ۱۴۱۸ هـ. ق. / چاپ دوّم.

«ب»

- ۴- بحار الأنوار / مجلسی / محمد باقر / دار احیاء التراث العربی  
- بیروت / ۱۴۰۳ هـ. ق. / چاپ سوّم.

«خ»

- ۵- الخرائج والجرائح / قطب الدین راوندی / سعید بن هبة الله /

المطبعة العلمیّه / ۱۴۰۹ هـ. ق. / چاپ اوّل.

«ر»

۶- رجال / نجاشی / احمد بن علی / مؤسسه النشر الإسلامی /  
۱۴۰۷ هـ. ق.

«ع»

۷- عیون اخبار الرضا علیه السلام / شیخ صدوق / محمّد بن علی /  
چاپخانه زندگی / ۱۳۶۳ هـ. ش / چاپ دوّم.

«غ»

۸- الغیبه / طوسی / محمّد بن حسن / منشورات مکتبه بصیرتی /  
۱۳۵۸ هـ. ش / چاپ دوّم.

«ک»

۹- کشف الغمّه / اربلی / علی بن عیسی / مکتبه بنی هاشمی.  
۱۰- کفایه الموحّدين / طبرسی نوری / سیّد اسماعیل /  
انتشارات علمیّه اسلامیّه.

۱۱- کمال الدین و تمام النعمه / شیخ صدوق / محمّد بن علی بن  
حسین / دفتر انتشارات اسلامی - قم / ۱۴۰۵ هـ. ق.

- ۱۲ - کنز العمال / متقی / علاء الدین علی / مؤسسه الرساله -  
بیروت / ۱۳۹۹ هـ. ق.

«م»

- ۱۳ - المستجد من الإرشاد / حلی / حسن بن مطهر / مكتبة آية الله  
العظمى مرعشي نجفی - قم / ۱۴۰۶ هـ. ق.
- ۱۴ - مفاتيح الجنان / قمی / شیخ عباس /  
۱۵ - منتخب الأثر / صافی گلپایگانی / لطف الله / منشورات  
مكتبة الصدر - تهران / چاپ سوّم.
- ۱۶ - منهاج الفقاهه / روحانی / محمدصادق / المطبعة العلمیّه /  
۱۴۱۸ هـ. ق. / چاپ چهارم.
- ۱۷ - میزان الحکمه / ری شهری / محمد / مؤسسه دارالحدیث /  
۱۴۱۹ هـ. ق. / چاپ دوّم.

«ن»

- ۱۸ - نجم الثاقب / نوری طبرسی / حسین / انتشارات جعفری.

کتاب با فتنه‌ها و جنگ رینا، کنگره انجمنه اناستمانیه ۲۱

ع. ۱۹۶۶، شماره ۱

۱۹

### فهرست مطالب

- پیشگفتار ..... ۵
- ☆ مصلح جهانی و موعود آسمانی ..... ۵
- ☆ منتقم حقیقی، دلخوشی ستم‌دیده‌ها ..... ۵
- ☆ اهتمام فراوان درباره [حضرت] مهدی علیه السلام ..... ۶
- ☆ اوصیای محمد صلی الله علیه و آله نیز دوازده نفرند ..... ۷
- ☆ همچون آفتاب، تشبیه جالب و جامع ..... ۷
- ☆ تابش از پس ابر نیز فایده ویژه دارد ..... ۸
- ☆ اعتقادی فراتر از حس ..... ۸
- ☆ جاذبه ولایت برای حفظ موجودات ..... ۹
- ☆ آنچه خوبان همه دارند تو تنها داری ..... ۱۰
- ☆ طول عمر مهدی علیه السلام در جنب قدرت حق ..... ۱۰
- ☆ تولدش ابراهیم وار و غیبتش همچون موسی ..... ۱۱
- ☆ یوسف ناشناخته و عیسی مورد اختلاف ..... ۱۱
- ☆ نوابی که به حق سزاوار نیابت بودند ..... ۱۲
- ☆ دکان شیادها باید بسته شود ..... ۱۳
- ☆ منکر رؤیت امام زمان علیه السلام [نیستم] ..... ۱۳

- ☆ کتابهای حدیث و رجال در زمان غیبت ..... ۱۴
- ☆ متخصص در هر علم، باید اظهار نظر کند ..... ۱۵
- ☆ نیابت عام به فقهای عدول ..... ۱۵
- ☆ رواج فساد در آخرالزمان ..... ۱۶
- ☆ نشانه‌های ظهور و نزدیکی آن ..... ۱۷
- ☆ موارد انبیا و تکرار تاریخ ..... ۱۷
- ☆ مجهول بودن وقت ظهور و انتظار فرج ..... ۱۸
- ☆ جریانات پیش از ظهور حضرت ..... ۱۹
- ☆ معجزات و تشرّف خدمت [حضرت] مهدی علیه السلام ..... ۲۰
- ☆ زمانی ویژه و برکاتی خاص ..... ۲۰
- ☆ برکات خدا بر پرهیزکاران می بارد ..... ۲۲
- ☆ آرزوی درک زمان ظهور ..... ۲۳
- ☆ کتابی عظیم در حجم اندک ..... ۲۴
- ☆ جمهوری اسلامی زمینه ساز انقلاب [حضرت] مهدی علیه السلام ..... ۲۵
- ☆ آیا بگذاریم ظلم عالمگیر شود؟ ..... ۲۵
- ☆ تکلیف هرکس محفوظ است ..... ۲۶
- ☆ نمونه کوچکی از عدل جهانی بسازیم ..... ۲۶
- ☆ منطق زور برای طاغوتیان ..... ۲۷
- ☆ عدل جهانی جز با ظهور [حضرت] مهدی علیه السلام نمی شود ..... ۲۷
- ☆ مزاحم ظهور حضرت نیست ..... ۲۸
- هزاران روایت درباره حضرت مهدی (عج) ..... ۲۹
- ☆ آمدن مهدی علیه السلام حتمی است ..... ۳۰
- ☆ نماز خواندن مسیح با حضرت مهدی علیه السلام ..... ۳۰
- ☆ نهمین فرزند حسین علیه السلام [مهدی] است ..... ۳۱

- ☆ برپا ساختن عدالت پس از نهایت جور ..... ۳۲
- ☆ فرقه ضالّه و عدل جهانی ..... ۳۲
- ☆ شواهد وجودی مهدی علیه السلام بی شمار است ..... ۳۳
- ☆ شفای اسماعیل هرقلی به دست حضرت مهدی علیه السلام ..... ۳۳
- ☆ کتابهای متعدّد در معجزات مهدی علیه السلام ..... ۳۸
- روایتی شیرین در ولادت حضرت مهدی علیه السلام ..... ۳۹
- ☆ حضرت مهدی علیه السلام پاسخ هفتاد مسأله را می دهد ..... ۴۶
- ☆ فشار دربار خلافت و غیبت صغری ..... ۴۶
- ☆ چهار نفر نایب در ظرف ۷۴ سال ..... ۴۷
- ☆ ادعای رؤیت به قصد نیابت ..... ۴۸
- ☆ وقت ظهور بر همه پنهان است ..... ۴۹
- ☆ خواب نامه ها و نشر اکاذیب ..... ۴۹
- ☆ آفتاب از مغرب طلوع می کند [چیست؟] ..... ۵۱
- ☆ ظهور حضرت با خواب معین نمی شود ..... ۵۱
- ☆ ناله شوق امام صادق علیه السلام برای مهدی علیه السلام ..... ۵۲
- ☆ پیغمبران پشت سر مهدی علیه السلام در نماز ..... ۵۲
- مردم را سرگردان نگذاشتند ..... ۵۴
- ☆ رجوع به علما در زمان غیبت ..... ۵۵
- ☆ عبادت های صفوان و رفقاییش ..... ۵۵
- ☆ کتابهای اخبار در زمان غیبت ..... ۵۶
- ☆ به راویان مهذب رجوع کنید ..... ۵۷
- ☆ ضرر عالم هوا پرست از لشکر یزید بیشتر ..... ۵۷
- ☆ نهایت تقوا در فتوا دادن ..... ۵۸
- ☆ صفوان ریاست طلب نیست ..... ۵۹

- ☆ انتظار فرج برای خود امام زمان [علیه السلام] ..... ۵۹
- ☆ مقام والای مهدویت ..... ۶۰
- برخی از علایم حتمی ظهور امام زمان [علیه السلام] ..... ۶۲
- ☆ ۱- سقوط بنی عباس قبل از ظهور ..... ۶۲
- ☆ ۲- خروج دجال ..... ۶۲
- ☆ ۳- جنایات سفیانی قبل [از] ظهور مهدی [علیه السلام] ..... ۶۳
- ☆ ۴- خسف پیدا از نشانه‌های حتمی ..... ۶۳
- ☆ ۵- سید حسنی و گنج طالقان ..... ۶۴
- ☆ پیشرفت و پیروزی سید حسنی ..... ۶۵
- ☆ مواردی از انبیا نزد مهدی [علیه السلام] ..... ۶۵
- ☆ تاریخ خوارج تکرار می‌شود ..... ۶۶
- ☆ ۶- قتل نفس زکیه بین رکن و مقام ..... ۶۷
- ☆ ۷- صیحه آسمانی راهمه می‌شنوند ..... ۶۷
- ☆ ۸- ظاهر شدن سر و سینه در خورشید ..... ۶۸
- ☆ علایم دیگر ممکن است واقع شود ..... ۶۸
- زمین خالی از حجت نیست ..... ۷۰
- ☆ کشاندن بندگان به سوی خدا ..... ۷۰
- ☆ اوّل امام، سپس مأموم ..... ۷۱
- ☆ اتصال امامت [به روز] قیامت ..... ۷۱
- ☆ بی‌نیازی به برکت نور ولایت ..... ۷۲
- ☆ خوشی به برکت قناعت ..... ۷۳
- ☆ وسایل سریع در خدمت امام زمان [علیه السلام] ..... ۷۳
- ☆ مهدی به اتفاق مورّخین حجة بن الحسن [علیه السلام] است ..... ۷۴
- ☆ تولّد مهدی مطابق کلمه نور ..... ۷۵

- ☆ ملاقات با مهدی علیه السلام در زمان غیبت ..... ۷۵
- ☆ نور ولایت در شب تار، نورافشانی می‌کند ..... ۷۶
- ☆ مشرف شدن جدّ علی بن مهزیار به خدمت امام هادی علیه السلام ..... ۷۶
- ☆ بیست سال سفر مکه به شوق دیدار مهدی علیه السلام ..... ۷۷
- مژده آمدن [حضرت] مهدی علیه السلام در کتب آسمانی ..... ۸۱
- ☆ مفاسد اخلاقی از بشر بر داشته می‌شود ..... ۸۲
- ☆ زمین گنجهایش را بیرون می‌ریزد ..... ۸۳
- ☆ نیروی قوای بدنی در زمان مهدی علیه السلام ..... ۸۳
- ☆ دعای امام صادق علیه السلام در تعجیل فرج ..... ۸۴
- ☆ ثواب شهادت برای منتظران مهدی علیه السلام ..... ۸۵
- ☆ جای شبهه برای کسی نمانده است ..... ۸۵
- ☆ اصحاب مهدی، به عدد اصحاب بدر ..... ۸۶
- ☆ ظهورش از مکه و ملائکه یارش می‌باشند ..... ۸۶
- ☆ رفع حوایج مردم به وسیله نواب اربعه ..... ۸۷
- ☆ عمل به احتیاط هم باید به نظر علما باشد ..... ۸۸
- ☆ ۱۱۵۶ حدیث درباره ظهور [حضرت] مهدی علیه السلام ..... ۸۸
- ☆ صیحه آسمانی در ماه رجب و رمضان ..... ۸۹
- ☆ هیاهوی سفیانی پانزده ماه است ..... ۹۰
- ☆ دجال، ساحری شوم ..... ۹۰
- ☆ اهل ایمان را نمی‌تواند بفریبد ..... ۹۱
- ☆ عیسی علیه السلام در رکاب مهدی علیه السلام ..... ۹۱
- ☆ تبلیغات فرقه ضاله در دهات ..... ۹۲
- ☆ ابو راجح حمامی و عمر دوباره ..... ۹۳
- منافع امام غایب کدام است؟ ..... ۹۵



- ☆ ۱ - کتب روایی یادگار ائمه علیهم السلام ..... ۹۶
- ☆ ۲ - نزول رحمتها و دفع بلاها ..... ۹۶
- ☆ فایدهٔ آفتاب از پشت ابر ..... ۹۷
- ☆ ۳ - ایمان به غیب و امتحان مردم ..... ۹۸
- ☆ ۴ - سعی در عبادت و ترک معصیت ..... ۹۸
- ☆ ۵ - حاجاتی که به برکت آن حضرت روا می‌شود ..... ۹۹
- ☆ سنت پیغمبران در حضرت حجّت علیه السلام ..... ۱۰۰
- ☆ طول عمر شباهتی با آدم و نوح ..... ۱۰۱
- ☆ دنیا خانهٔ دو در است ..... ۱۰۱
- ☆ کیفیت خانهٔ حضرت نوح علیه السلام ..... ۱۰۲
- ☆ اصحاب کهف مؤید طول عمر مهدی علیه السلام ..... ۱۰۲
- ☆ داستان عزیز و الاغش با انگور ..... ۱۰۳
- ☆ جسدهای مومیایی چطور می‌ماند؟ ..... ۱۰۴
- ☆ علم و قدرت بشر از خداست ..... ۱۰۴
- ☆ چشم خفّاش نور آفتاب را نمی‌تواند ببیند ..... ۱۰۵
- ☆ آیا این همه شواهد کافی نیست؟ ..... ۱۰۵
- پنهان ماندن ولادت چون ابراهیم ..... ۱۰۶
- ☆ [۱ - سنت حضرت ابراهیم در امام زمان علیه السلام] ..... ۱۰۶
- ☆ بچه‌ای که سلطنت نمرود را به هم می‌زند ..... ۱۰۷
- ☆ ابراهیم بت شکن متولد می‌شود ..... ۱۰۷
- ☆ ابراهیم تنها در غار رشد می‌کند ..... ۱۰۸
- ☆ حکومت طاغوتی را سرنگون می‌کند ..... ۱۰۸
- ☆ ۲ - سنت [حضرت] موسی غایب شدنش از انظار ..... ۱۰۹
- ☆ فرمایش حضرت مهدی علیه السلام به شیخ صدوق رحمته الله ..... ۱۱۰

- ☆ ۳ - اختلاف مردم در سرنوشت عیسی علیه السلام ..... ۱۱۰
- ☆ ۴ - قیام به سیف و استقرار توحید ..... ۱۱۱
- ☆ ۵ - ناشناس ماندن همچون یوسف ..... ۱۱۲
- ☆ سالیان متمادی ناشناخته ماند ..... ۱۱۲
- ☆ یوسف خودش را معرفی کرد ..... ۱۱۲
- ☆ مؤمنین به مهدی علیه السلام یقین دارند ..... ۱۱۳
- ☆ کافران، محمد صلی الله علیه و آله را ندیدند ..... ۱۱۴
- ☆ پنهان ماندن سید صاحب تفسیر کبیر، از دید و هایبان خون آشام ..... ۱۱۵
- ☆ تا خود امام نخواهد، او را نمی شناسند ..... ۱۱۶
- مدعیان دروغین در زمان غیبت ..... ۱۱۸
- ☆ نشانه‌های غیر حتمی متعدّد است ..... ۱۱۹
- ☆ ۱ - میگساری و رباخواری علنی در آخرالزمان ..... ۱۲۰
- ☆ ۲ - معاملات ربوی به صورت آشکار ..... ۱۲۰
- ☆ ۳ - غنا و موسیقی ..... ۱۲۰
- ☆ ۴ - شیوع زنا و لواط ..... ۱۲۰
- ☆ ۵ - جنگ سوّم جهانی و ذهاب ثلثین ..... ۱۲۱
- ☆ ۶ - تسلّط زنها بر امور اجتماعی ..... ۱۲۱
- ☆ نماینده مهدی علیه السلام را می کشند ..... ۱۲۲
- ☆ صیحه‌های متعدّد آسمانی ..... ۱۲۳
- ☆ چگونگی صیحه به حسب روایات ..... ۱۲۳
- ☆ لذّت منتظران از ندای آسمانی ..... ۱۲۴
- ☆ دعا برای تعجیل ظهور [امام مهدی علیه السلام] لازم است ..... ۱۲۴
- امامت، برترین مقامات ..... ۱۲۶
- ☆ خلیفه خدا بودن و همه کمالات ..... ۱۲۷

- ☆ باید معارف را به مردم رساند ..... ۱۲۸
- ☆ امامت به ستمگر و گنهگار نمی‌رسد ..... ۱۲۸
- ☆ حکومت علوی علیه السلام و امامت حقیقی ..... ۱۲۹
- ☆ ولایت تکوینی در امام معصوم علیه السلام ..... ۱۳۰
- ☆ ربّ الأرض امام عصر علیه السلام است ..... ۱۳۱
- ☆ تحولات در کرة خاکی ..... ۱۳۱
- ☆ همه موجودات برای امام خاضع اند ..... ۱۳۳
- ☆ آشکار شدن ولایت تکوینی امام مهدی علیه السلام بر مردم ..... ۱۳۳
- ☆ آشکار کننده آیات انفسی، امام است ..... ۱۳۴
- ☆ مردگان کافر به ولایت زنده می‌شوند ..... ۱۳۵
- ☆ علوم را ظاهر می‌فرماید ..... ۱۳۵
- ☆ استعداد نفوس در فراگیری علوم ..... ۱۳۶
- ☆ بیرون آوردن ۲۷ حرف ..... ۱۳۷
- ☆ آب روان و علوم اهل بیت علیهم السلام ..... ۱۳۷
- ☆ حیات، مال علم و جهل، موت حقیقی است ..... ۱۳۸
- ☆ علم کتاب نزد ولی عصر علیه السلام است ..... ۱۳۹
- ☆ علم کامل به کتاب تکوینی و تشریحی ..... ۱۴۰
- ☆ آصف، دانشی از کتاب داشت ..... ۱۴۰
- ☆ سابق به خیرات، امامان معصوم اند ..... ۱۴۲
- ☆ قرب کامل در تبعیت از معصوم ..... ۱۴۲
- ☆ حکومت، رشته مختصری از ولایت ..... ۱۴۳
- ☆ دلّال بندگان به سوی خدا ..... ۱۴۴
- ☆ همه موجودات از امام بهره می‌برند ..... ۱۴۴
- ☆ به سوی خداوند واسطه بگیرید ..... ۱۴۵

- ☆ ۱۴۵ ..... معلّم خداست اما با واسطه
- ☆ ۱۴۶ ..... به حکم عقل، وجود امام لازم است
- ☆ ۱۴۷ ..... اسم اعظم تکوینی، امام است
- ☆ ۱۴۸ ..... احاطه امام، نمودار احاطه خداست
- ☆ ۱۴۹ ..... مقام جمع الجمع در امام معصوم
- ☆ ۱۵۰ ..... آب معرفت را به تشنگان می‌رساند
- ☆ ۱۵۰ ..... نشان دهنده همه آیات الهی
- ☆ ۱۵۱ ..... قدرت فوق طبیعی را به کار می‌برد
- ☆ ۱۵۱ ..... قدرت موسی در عصا برای آن حضرت است
- ☆ ۱۵۲ ..... آرزوی اولیای خدا برآورده می‌شود
- ☆ ۱۵۳ ..... حقیقت توحید را در ولایت بجویم
- ☆ ۱۵۴ ..... توحید خیالی در غیر ولایت
- ☆ ۱۵۴ ..... وجه خدا که اولیا به آن متوجه‌اند
- ☆ ۱۵۵ ..... جمهوری اسلامی و ولایت فقیه
- ☆ ۱۵۵ ..... نایب الامام را دریابید
- ☆ ۱۵۶ ..... حوادث واقعه موضوعات خارجی است
- ☆ ۱۵۷ ..... حکومت دین با زور نمی‌شود
- ☆ ۱۵۷ ..... پس مردم خودشان می‌خواهند
- ☆ ۱۵۸ ..... تحوّل عجیب در انقلاب اسلامی ایران
- ☆ ۱۵۹ ..... آیات آفاقی و انفسی در انقلاب
- ۱۶۱ ..... فهرست منابع و مأخذ
- ۱۶۴ ..... فهرست مطالب